



۱۵ شعبان سالروز تولد امام عصر و روز جهانی مستضعفین مبارک باد
(مبارزه با یاس در زمان غیبت) در صفحه ۲۸

سوم شعبان سالروز تولد حضرت اباعبدالله و روز پاسدار گرامی باد
نهضت حسینی، صدور انقلاب در صفحه ۱۹

فَاتَمَعِ الْعَسْرَةَ نَبِيًّا
إِنَّ مَعَ الْعَسْرَةَ نَصْرًا
راه محب

در راه خدا بپوشید که در جفا بپوشد و در محراب و محراب
نثریه نهضت مجاهدین خلق ایران
سال اول، شماره ۷، شنبه ۱/ خرداد ۱۳۶۱
صفحه ۳۸ بهاء ۵۵ ریال

درسهای از انقلاب چهارم

بنام خدای شهیدان

۱ - کودتای شریعتمداری، ضدحمله فتح المبین
وقتی عراق قادر به ضدحمله نظامی در جبهه هان نیست
امپریالیسم دست به ضدحمله های دیگر میزند بین چهار ضدحمله
سیاسی و نظامی و بعد از فتح المبین یکی هم تسریع در کودتای
شریعتمداری بود، و این نشان میدهد که کودتای مذبحخانه و
توطئه های امپریالیسم، عکس العمل پیروزیهای جبهه است
و ابتکار عمل با نیروی انقلاب است.
اگر از اول انقلاب نمی شد و یا اینکه اصول انقلاب یکی بود
بعث و ابسته عراق جنگ تحمیلی را شروع نمی کرد و پس از شروع جنگ
تحمیلی اگر به دفع تجاوز نمی پرداختیم، دست به توطئه بنی صدر
و تروریزم و کودتا و توطئه های دیگر نمی زد پس باید خوشحال باشیم
که رشد انقلاب و اصلت انقلاب است که موجب شد جریانهایی
انحرافی چون شریعتمداری دست به کودتا بزنند، آدمهایی که با
سیا و ساواک رابطه داشتند.

۲ - تازیانها تکامل

جریان کودتای شریعتمداری - قطب زاده و خلع مرجعیت
شریعتمداری نه تنها موجب تضعیف انقلاب نشد بلکه تزکیه و خالص
شدن آنرا به همراه خواهد داشت و موجب رشد انقلاب و عمق پیدا
کردن بسیج مردم شد. منتهی مسأله را به همراه داشت که بایستی
آنرا به شکل صحیح حل نمود تا مرز بین حق و باطل بیش از پیش
روشن شده که فرصت طلبان از آب گل آلود ماهی نگیرند، و بیژگی
جریان حق اینست که از هر ضربه دشمن باطل در جهت رشد و پاکسازی
جریان حق استفاده کرده و ضربه را به تازیانها تکامل تبدیل کند.
۳ - ادامه با زوجی

در طی انقلاب و پس از آن، شبکه ساواک ضربه هولناکی خورد
منتهی شبکه سیا افشا نشد، حال میبینیم که آقای شریعتمداری با
ساواک، سیا، ملک خالد و قطب زاده و سرمایه داران وابسته رابطه
بقیه در صفحه ۲۷

درسهای از بیت المقدس
امام زمان (عج)

و دست یابی به اسلحه زمان

در صفحه ۱۳

مناسبت عملیات بیت المقدس

خونین شهرزیرینا، روبنا

در صفحه ۷

سیری در
روش شناخت
امام خمینی
فطرت

بازی نمیخورد

در صفحه ۴

خرداد
ماه خون و شهادت
(ویژه نامه)

نهضت مجاهدین
شریعتمداری

در صفحه ۵

سازماندهی و
مکتب

تشکل انهی بهترین وسیله تقرب به خدا

در صفحه ۳

راه
مجاهد

کدام است؟
راه مجاهد:

راه خدا، قرآن، خمینی

(بررسی شیوه های حکومتی)
دیکتاتور پرولتاریا

در صفحه ۹

توشه گیری از قرآن
ابراهیم (ع)
عصیانگر
همیشه تاریخ

شماره ۶

در صفحه ۱۰



در صفحه ۱۱

زندگی اخروی

نمونه های اینار و شهادت

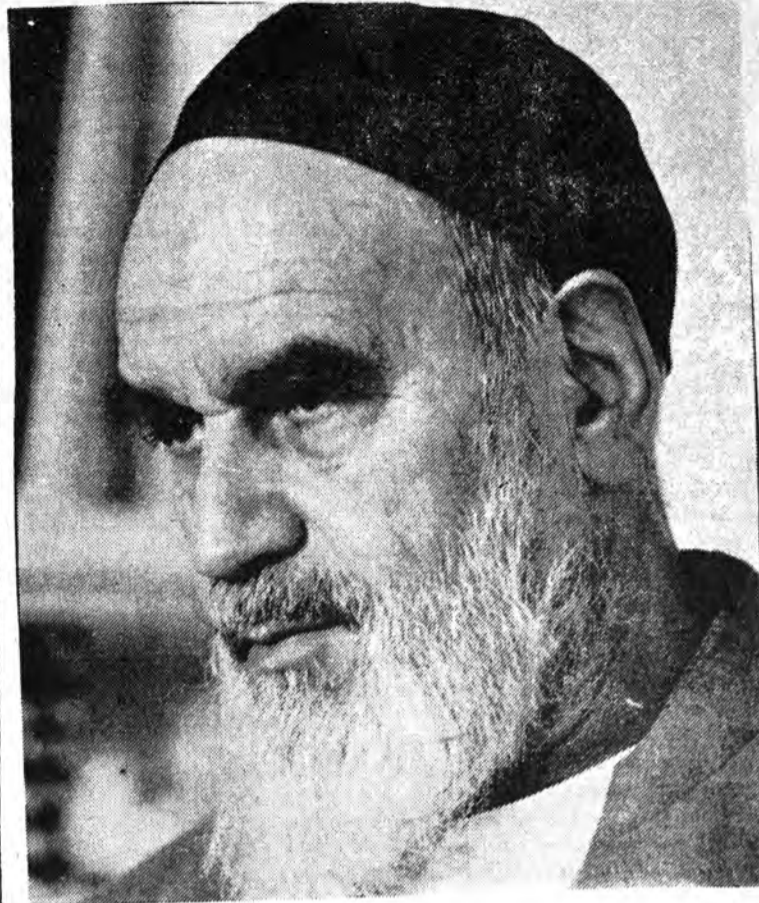
در جبهه های نبرد اسلام و کفر

در صفحه ۲۱

استقلال آزادی جمهوری اسلامی

- مطابق این شماره
- سرمقاله
 - سخن اما مرا هنمای مستضعفین
 - پیام آیت الله العظمی منتظری
 - * تحلیل ایدئولوژیک
 - فطرت بازی نمیخورد
 - توشه گیری از قرآن بحث ابراهیم (ع)
 - زندگی اخروی
 - مبارزه با یاس در زمان غیبت
 - * تحلیل استراتژیک
 - راه مجاهد کدام است؟
 - سازماندهی و مکتب
 - خونین شهرزیرینا، روبنا
 - * تحلیل سیاسی استراتژیک
 - نهضت مجاهدین و شریعتمداری
 - سه خط مشی راجع به جهاد سازندگی
 - خبرنامه استراتژیک
 - چهار خط مشی راجع به سپاه
 - امام زمان بودستیابی به اسلحه زمان
 - نهضت حسینی صدور انقلاب
 - * ویژگیها: "ضمیمه"
 - خرداد ماه خون ماه شهادت الف - ۱۵ خرداد دوفوس مطمئنه
 - ب - ۴ خرداد دوا سلام را هنمای عمل
 - ج - ۲۵ خرداد دسا لروز شهادت مجاهد رضا رضائی
 - د - ۲۶ خرداد دشهادت چهار مجاهد مؤلفه
 - ه - ۲۹ خرداد دشهادت معلم شهید دکتر شریعتی

سخن امام راهنمای مستضعفین



...ان الله اشترى من
سومین انفسهم و ما لهم
بأن لهم الجنة این جنتی که
مشتی به شما عطا میکند با جنتم
که دیگران برای آنها تحقق پیدا
میکند فرق دارم میدوارم که این
عالم هم که هستند به غیر خدا سرگرم
نیستند نعمتهای بهشت را از
میگذرند و متوجه به لقاء حق تعالی
هستند .

... شما احتمال این معنی را
ندهید که تفنگ ژ - ۳ و مسلسل
شما پیروز شده است مقابل شما
بالاتر از این راه‌ها هستند شما
اندک داشتید و آنها بسیار لاکن
آنچه که شما را پیروز کرد و پیروز
میکند آن ایمان شماست و آن
اخلاص شماست که در شما هست
و در آنها نیست .

رهنمودهای امام با مسئولین
راه و ترابری : در تاریخ ۶۷/۲/۱۱
... شما اگر در تمام جنبه‌ها
نگاه کنید یک نفر از مردم بالاشین
و سرمایه‌داران نخواهد دید و
تمامی افراد جنبه‌ها از همین
مردم محروم و زاغ‌نشین هستند

سخنان امام در دیدار با
ستادان انقلاب فرهنگی : در تاریخ
۶۱/۲/۱۶
ستادان انقلاب فرهنگی با دیدمانند
و با حفظ موقعیت و ولایت رای
بکارها و وظایف خود ادامه دهید .
بقیه در صفحه ۲۶ -

- خانه حضرت فاطمه (س) را
جلوه‌گاه نور خدا دانستند .
- صلاح و فساد را با هم از صلاح
و فساد دزدان است .
- به فساد کفشان و مصرفی
کردن زنان در دوران رضاشاه و
شاه به خاطر نفش زنان در حرکت‌های
انقلابی بود نظیر مشروطیت .
- توده‌های مذهبی زنان در
برابرتوطئه‌ها مقاومت کردند .
- دیگر وجود زنان در صف
اول مبارزات و در جنگ اسلام و
کفر است .

- از دواچپا سداران با زنان
شهادت مودرتا کید ما م‌قرا گرفت
- امام از دختری تحلیلی
کرده اند که با رزمندگانی که دست
دستش و چشم‌هایش را از دست داده
از دواچ کرده‌اند .

صحبت‌های امام با رزمندگان:
در تاریخ ۶۱/۱/۲۹
این رزمندگان از ابتدای
جنگ تا به حال در جبهه بودند و
آرزویشان دیدار امام و اینکه
اسمی از صحنه نباشد .
... خداوند تعالی مشتری
شماست شما آنچه که داشتید
بزرگترین موهبه‌ای که داشتید
و آن جان بود و روح، در راه خدا
داده اید چه آنها شیکه شهید شدند
و به لقاء الله انشاء الله رسیدند
و چه شما که حاضر برای شهادتید
عمده این حضور است .

با ملت شریف مواجه بوده‌هستند
... شما دوستان بحب و وجدان و
شرع مطهر موفقیدهر قدر میتوانید
جرائم اینان را افشاء کنید و
نگذارید جوانان که ذخایر ملتند
در دام آنها افتند .
... اینان که از امپریالیست
انتقاد در سخنان منافق گونه
میکردند اکنون معلوم شده که چهره
واقعی آنها چه چهره‌کریه‌ای است
و امروز بخوبی روشن است که
اینان بدامان امپریالیستها
پناهنده ...

راه مجاهد:
رشد انقلاب و خنثی شدن
توطئه‌ها .
- گسترش تبلیغات در خارج
- پیروزی فتح‌المبین شکست
دشمن .
- تضاد در کردار گروه‌های
مخالف و نگرشی به اعمال آنها
در مدت قبل و بعد از انقلاب و
افشای در مورد آنها و جلوگیری
از رفتن جوانان به طرف سران
آنها که از روی نا آگاهی رفته‌اند
- افتادن سران در دام
امپریالیستها .

پیام امام بمناسبت روز زن:
در تاریخ ۶۱/۱/۲۶
- زن زیربنای فصلت‌های
انسانی و ارزش‌های والای خلیفه
الم است .

با همه گرفتاریها در این امر
مهم به فعالیت برخیزیم
... چنانکه دیدیم و دیدید که
پیروزی عظیمی که رزمندگان
بشماها و متعهدها در هفته قبل
در فتح‌المبین بدست آوردند که همه
جهان آنرا با تمام کوشش اکنون
نتوانسته اند عرضه کنند .
... شما برادران و خواهران
اگر گفتار و کردار گروه‌های
منحرف بویژه گروه منافقین را
بررسی نمائید متوجه میشوید آنها
از زمانیکه با عده‌ای از علمای
اعلام مثل حضرت حجت الاسلام و
المسلمین آقای منتظری و دیگر
دوستان زندان بودند تا وقتیکه
ملت پیروز شد و به برکت مجاهدات
ملت شماها نجات پیدا کردید و
بیزد طول سه سال با چه چهره‌های
مختلف و کردار و اقوال متضاد

بسم الله الرحمن الرحيم
پیام امام به اتحادیه
انجمنهای اسلامی دانشجویان
اروپا : در تاریخ ۶۱/۱/۲۱
... سه سال از آغاز جمهوری
اسلامی و تدفین ستم‌شاهی ۲۵۰۰
ساله میگذرد و این طفل نوزادیا
مواجه بودن با توطئه‌ها و خرابکار
بها و جنایتها و خیانت‌های عناصر
داخلی و قدرتهای بزرگ شیطان
و دولتهای سرسپرده منطقه و غیر
منطقه ره صدساله رفته و با دست
قدرت مطلقه الهی انقلاب
شکوه مند ملت مظلوم و تحت ستم
و شکنجه ایران تمام موانع را از
سراه برداشته و توطئه‌ها را خنثی
نموده است .
... ما کوشش داریم که
تبلیغات خود را گسترش داده و نیز

سه شیوه برخورد با جهاد سازندگی و برنامه ریزی

بنام خدای شهیدان
الف - یک خط مشی به جهاد
اصالت میدهد و خون و صدور
انقلاب، آزادی قدس، و هیچگونه
توجهی به برنامه ریزی اقتصادی
و سازندگی ... ندارد و آن را
نفی هم میکند .
ب - خط مشی دوم بر عکس خط
مشی الف توجهی به جهاد و جنگ
و دفع تجاوز، آزادی قدس
نداشته و تمام همش صرف برنامه
ریزی اقتصادی است اینها به
ساده‌ترین شکل و کلاسیکترین
شکل می‌خواهند در آمدن و وسایل
درآمدها را به قسمتهای مختلف
نظیر راه‌سازی، سدسازی، فرهنگ
بهداری، ارتش ... تخصیص دهند .
اینها کاری به مبارزه با صهیونیسم
و امپریالیسم و پاپی‌ها یا داخلی
آن ندارند، اینها می‌خواهند خط
مشی سازندگی را تحقق دهند و
کاری به جهاد ندارند که خطی
است کلاسیک امپریالی اینها طبیعا
می‌خواهند با ساززی بعد از جنگ
در مناطق جنگی راه‌هم به دست
مختصینی بسپارند که بی‌انگیز
خون شهدا نیستند، و بوی خون
آنها را استشمام نمی‌کنند اینها
به مدیریت اصالت میدهند نه به
مدیریت (۱)

ج - خط مشی سوم که مکتبی هم
هست این است که به عمل صالح
و جهاد اصالت داده و در کارا در مبارزه
با کمپ دیوید و دفع تجاوز و بسا -

زندگی و با ساززی هم بپردازیم که
میتواند فلسفه جهاد و سازندگی
باشد، کما اینکه در طول جنگ
می‌دیدیم که هر جبهه که آزاد میشود
بلافاصله جهاد سازندگی جاده
کشیده و زیرگبار دشمن خاکریز
می‌زند و شهید هم میدهد .
استقلال و خودکفائی ایران
را هم حفظ می‌کند، از آنجا که
زندگی اخروی و عمل صالح برکات
دنوی بیشتر هم دارد در این
خط مشی بهترین وجهی هم
مبارزه خواهیم بود و مولد و
تحقق اسلام مکتب مبارز و مولد
خواهیم بود (۲)

پاورقی
(۱) - این خط مشی یعنی
اصالت دادن به سازندگی به
تثبیت جبهه رفاه و وابستگی می-
انجامد، شما تصور کنید در کشوری
مثل اسرائیل بخواهید برنامه
ریزی کنید چکار می‌کنید آیا درآمد
اسرائیل غاصب را به قسمتهای
مختلف تخصیص می‌دهید یا بطور
مرحله‌ای برنامه ریزی می‌کنید
برای انهدام صهیونیسم و پایگاه
هایش در اسرائیل؟
(۲) - از آنجا که برنامه ریزی
و اقتصاد تابع خط مشی سیاسی
و خط مشی سیاسی، تابع اهداف
ایدئولوژیک است، و از آنجا که
آزادی قدس آرمان مستضعفین
جهان و لیلیه‌القدر "مسلمین می-
باشد لذا برنامه ریزی اقتصادی
مانمی‌تواند جدا از عمل صالح زمان
به رهبری ما باشد، در این خط
مشی است که رزمندگان جبهه
چه طی جنگ و چه پس از جنگ جهاد-
گران ماهری هم میشوند و با ساززی
این مناطق بصورت الگوهای
از امت واحد در می‌آیند .
یسی از عوارض انقلاب خونین
در این استراتژی در از مدت
هر جا آزادی دجها دگران از موضع
خون و شهادت آن را با ساززی

سازماندهی و مکتب (۱)

تشکل الهی بهترین وسیله تقرب به خدا

بنام خدی شهیدان

مقدمه: بدشرائط فعلی جامعه ما روز بروز نیا از انقلاب اسلامی به تشکیلاتی منسجم اسلامی انقلابی بیشتر می شود و این ضرورت از طرف بسیاری گروهها و جریانات مطرح شده است. از یک طرف جمع بندی خاصی در بین نیروهای مسلمان ورزمنده وجود دارد و بدین عنوان که گروه و گروه گراfi با عثانحراف و ضربه میشود و برای این جمع بندی نیز نمونه های زیادی را ارائه میدهند.

از طرف دیگر هیچ حرکتی بدون سازماندهی متناسب پیش نمیرود و ضرورت دیگری نیز هست که تشکیلات انقلاب با یچنان منسجم باشد که دیگر عنا صر مشکوک و عوامل دشمن قدرت نفوذ نداشته باشند و سوالات وابهاماتی از این قبیل مطرح است.

ما لازم دیدیم در چند شماره در این باره بحث بپردازیم. البته در کتاب سازماندهی و مکتب منتشره در سال ۵۸ گامی در این راه برداشته شد. با یستی این گام ادا مایا بد. (راه مجاهد)

تشکل الهی بهترین وسیله تقرب به خدا

"اللهم نا ترغب الیک فی دولة کریمه تعز بها الاسلام و الهله و تدل بها النفاق الهله" پروردگارا ما به تورغبیت و نزدیکی می جوئیم از طریق دولت کریمه ما زمان سلام الله علیه را هنمای عمل ما در امر تشکیلات دعای فوق است. دعائی که در آغاز بیان حال در درگاه خدا و نداست. بدین معنی که دولت کریمه را امری در جهت رغبت و نزدیکی به خدا میداند در دعای فوق موارد زیر مشهود است.

دستجمعی با مبنا قرار دادن خود خدا و ندا از طریق دولت کریمه است. "فی دولت کریمه" یعنی از طریق یک دولت کریمه و از طریق یک تشکیلات الهی است که می توانیم بسوی خدا برویم.

سه بر خورد با مسئله تشکیلات اولاً: این دعا کسانیرا که تشکیلات را نفی میکنند، ضد گروه هستند و ضد تشکیلات هستند و می گوید که می گوید از طریق یک تشکیلات و سازماندهی پرتحول و بی سکون الهی است که میتوانیم به خدا برسیم.

ثانیاً: آنهاfi راهم که تشکیلات را هدف قرار میدهند و به تشکیلات اصالت میدهند نفی می نماید.

ثالثاً: این دعا کسانfi را که تشکیلات را وسیله تقرب به خدا و در نتیجه پیوند با مستضعفین می دانند، تا فید میکند. بدین معنی که تشکیلات وسیله ای است برای تقرب بسوی خدا و شرووت الی الله". اگر اینطور باشد تشکیلات نگاه نکنیم تشکیلات هیچگاه مانع وحدت نمیشود. هیچگاه حجاب نمیشود. چنین تشکیلاتی دائماً انسان را در عمل صالح زمان نگه میدارد و به عمل صالح می اندازد این اولین اصل سازماندهی مکتبی است. و اولین پله سقوط هر تشکیلاتی همانا

برای توضیح بیشتر با یسد بگوئیم همه انسانها عدل طلبند بعضی عدل مادی را هدف قرار میدهند که دجا را نحراف میگردند و حتی اگر جا مع قسط اما زمان (عج) هم هدف قرار بگیرد با زهم شرک بوده و چنین تشکیلاتی قابل استمرار و دوام در عمل صالح نیست و ممکن است مدتی دوام بیاورد ولی این دوام مسلماً جدای از عمل صالح خواهد بود و با لخره مورد استفاده تشکیلات شیطان بزرگ قرار خواهد گرفت. هم چنانکه اما مخمینی می گویند که جا مع قسط اما زمان (عج) هم خود شرک وسیله است و آنهم هدف نیست. هدف لقاء الله است.

احزاب کمونیست که هدف پیشان محدود بوده هر کدا مبشکلی منحرف شدند (رجوع شود به بررسی شیوه های حکومتی مقاله راه مجاهد کدا م است) شماره ۴). اگر واقعاً هدف لقاء الله نباشد حتما تشکیلات افول میکند.

توحید و سازماندهی ممکن است گفته شود تشکیلات مذهبی خدا را مطرح میکند ولی تحقق خدا در تشکیلات کار ساده ای نیست. گفتیم که مسئله خدا، مسئله اثبات خدا نیست. مسئله تحقق خدا و توحید است در امر تشکیلات این دعا وقتی با اللهم شروع میشود یعنی حرفی در خدا نیست. و یعنی توحید را تحقق داده آیات زیادی هست که هر کس وحدانیتش کامل است به جا مع قسط هم میرسد. هر کس هم توحیدش ناقص است به جا مع قسط هم نمی رسد فقط کسانfi میتوانند موحد باشند که قیام به قسط و عدل کنند و کسانfi وحدانیت خدا را خوب می فهمند که قائم به قسط باشند. از خدای واحد به تشکل الهی در عمل صالح

برای بیشتر شکافته شدن مطلب میدانیم که ایمان به خدای واحد اولین نتیجه اش ایمان به نظم و واحد حها ن است که در آن هیچ شک و شبهه ای نیست قرآن مجید در سوره ملک "می گوید اگر فطور با گمل یا عدم انجا می درنم عالم می بینی ضعف از بینش توست نه از نظم عالم، و اگر که دو باره بنگری هیچ عدم انجا می نمی بینی. هم چنین نتیجه توحید ایمان به امت واحد در تاریخ و برقراری جا مع قسط اما زمان (عج) است و این ایمان به امت

واحد یک ایمان تجریدی ناشی از جمع بندی پنج دوره تاریخی نیست بلکه نتیجه مستقیم ایمان به وحدانیت حق تعالی است. در سایه ایمان به خدای واحد نظم و حد و امت واحد است که یک تشکیلات الهی میتواند انجام خود را در عمل صالح حفظ کند

علم و وسیله ای است برای عمل

اما میگویند: که علم وسیله ای

قسط اما زمان (عج) را می خواهیم برای رغبت به سوی خدا چنان تشکیلاتی که دائماً در حال تحول و سیربست خدا باشد که در این حالت بیشترین رغبت نزدیکی به خدا از سوی چنین تشکیلاتی امکان پذیر خواهد بود. مثلاً وقتی عده ای مومن دور هم جمع میشوند با طر این است که به خدا نزدیکتر شوند، جمع بندیهاfi آنها با طرا یبستکه کمتر اشتباه کنند تا به خدا نزدیکتر شوند و به مستضعفین بیشتر پیوند بخورند. که این یک تشکل الهی است. "حزب الله" یعنی تشکل الهی، حزب خدا بی و در جا مع ما بنطوری معرفی شده که حزب الله بنطوری تشکیلات است. اسلام بهترین تشکیلات را ارائه میدهد منتها تشکیلاتی که هدف نیست بلکه

سه بر خورد با مسئله تشکیلات:

اولاً: این دعا کسانfi را نفی میکند

ثانیاً: آنهاfi راهم که تشکیلات را هدف قرار میدهند نفی میکند
ثالثاً: کسانfi تشکیلات را وسیله تقرب به خدا میدانند تا فید میکند.

وسیله است. بعضی بجهها در گذشته "سازمان خدا بین" بودند می گفتند سازمان وحی منزل است و قتیکه سازمان ضربه خورد، همه آنها به پوچی رسیدند و ما بوس شدند امامت در سازماندهی توقف بردار نیست پس دولت کریمه یعنی دولتی که مورد کرامت خدا باشد که این همان امت واحد می شود. مادر اسلام دولت و حاکمیت اسلامی را نفی نمی کنیم، ما میگوئیم تا روز قیامت، امامت وجود دارد و شیطان هم تا آن روز فعال است البته ما رکببستها می گویند که در جا مع بی طبقه دولت از بین میرود. می گویند هر دولتی و هر حاکمیتی نشا ندهنده یک طبقه ای است ما میگوئیم که نه هر چه جلوتر برویم ما مت زنده ترو فعالتر می شود (اصل امامت) و هر چه شتاب حرکت بیشتر گردد دنیا ز تشکیلات منسجم و کنترل کننده بیشتر میگردد. مثلاً در جا مع ما زمان (عج) اما مت بشکل گسترش یافته و جها نfi، خودش را نشان میدهد. هر چه جلوتر برویم سازماندهیها فطری ترمی شود. جها نیتروا ما زمان ترمی شود. ما نافی دولت کریمه اسلامی نیستیم.

نتیجه:

از آنچه بحث شد این نتایج را پیگیریم:

سیری در روش شناخت امام خمینی

فطرت بازی نمی خورد

بسم الله الرحمن الرحيم
انگیزه نگارش: آیا فطرت همان احساس است؟
و آیا افراد حق دارند کارهای من در آوردی و بی حساب و کتاب خود را اعمال فطری بنا مند؟ آیا نه فطرت حساب و کتاب بی دارد؟ آیا فطرت همان منافع فردویا مالکیت خصوصی است؟ آیا فطرت همان غریزه است؟ آیا فطرت همان منطبق بشری، یونانی رسطو و یا دیالکتیک مادی مارکس است؟ آیا هر چیز که اصولی باشد و یقینی فطری است؟ و برعکس هر چیز فطری را اصولی و یقینی مینامیم؟ فطرت چیست و چگونه است که بازی نمی خورد؟ چرا فطرت بازی نمی خورد؟

آنکه من میخواستم این نیست دردل با آشفتهگی است و آشفتهگی روبره تزیاید میشود.
(همان بیانات)
و درجایی دیگر گفته اند سالها با یدزحمت کشیدتا به فطرت خود با زگردیم.
فطرت خدا جو: فطرت خدا جو به این دلیل بازی نمی خورد که طالب خدای و احداست. طالب اصل و اقعیت وجود است و وحدانیت وجود. از اینجا که فطرت طالب وجود است و با هرگونه نیستن انگاری و ایده آلیزم مبارزه می کند. فطرت خدا جو بمصداق آیه "افی الله شک فاطر السموات و الارض...." (سوره ابراهیم آیه ۱۰) در وجود خدا و اصل و اقعیت هیچ شکنی ندارد.

زندانی خدای و احد قهار بهتر است یا ارباب متفرق.
فطرت و وحدت طلب: یکی از وجوه فطرت خدا جو همانا فطرت وحدت طلب است که وحدانیت صفت ذاتی الهی است. فطرت وحدت طلب بدین دلیل بازی نمی خورد که به ثنویت و تثلیث و در نهایت ما تریا لیسیم و کثرت تن نمیدهد و مسلما چنین فطرتی سازش نمی پذیرد.
فطرت از استدلال محکمی برخوردار است چرا که خدای واحد را مبنای استدلال قرار میدهد و عدول از وحدت و اصلت دادن به کثرت را باطل میدانند. همانها خدا جویند و وحدت طلب. منتها هر کس وحدت را در یک چیزی میدانند، یکی وحدت را به عدد یک در ریاضیات منتسب میکنند دیگری وحدت را در مجموعه اجزاء و بطور مکانیکی میبینند. آن دیگری وحدت را وحدت ارگانیکی میدانند. ما رکن وحدت جهان را وحدت مادی میدانند در حالی که ماده مرکب و دارای تضاد مینماید. فطرت بازی نمی خورد و وحدت را مختص به الله میدانند و نه غیر و بهمان دلیل است که با هرگونه کثرت و ارباب متفرق مبارزه بنیادی دارد و سازش هم نمیبیرد و هیچگونه عدم انسجامی هم در آن راه نمیباید.

عدل را مختص الله میدانند و عدل را عدل الهی میدانند و آنجا که فطرت مستقیما بدون هیچ واسطه ای عدل طلب است بدون هیچ واسطه ای هم ضد ظلم و مفساد رزمنده است. عدل طلبی که بخشی از خدا جوئی است و جهات ثباتی توحید است و ضد ظلمی و ضد استثمار است و در شرایط فعلی خدا میبالیست بودن وجه نفیای توحید است. مسلم است که نفی به اعتبار اثبات است. بعبارتی ضد ظلمی و ضد مهربان نیستی به اعتبار خدا جوئی و عدل طلبی است. فطرت خدا جو، عدل طلب بازی نمی خورد سازش هم نمی پذیرد چرا که معتقد است هر چیزی با ید سر جای الهی و طبیعی خودش قرار بگیرد و بر این روش و برای این استدلال است که میگوید اسرافیل! با ید بجای اولش برگرد و عراقی با ید بجای اولش برو و همچنین سا یر اشغالگران و تجار و زگران با یدی در سر جای طبیعی خود نشاندند شوند. عدل الهی است که میگوید مستضعفین با ید بر زمین حاکم شوند و این جای طبیعیشان است و فطرت به چیزی کمتر از این قانع نیست و لذا بازی نمی خورد. عدل الهی "يُرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ" مستضعفین را بلند مرتبه میگرداند و "يُضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ" مستکبرین را برتر می کشد و از گون می نماید همین است که فطرت خدا جو بازی

محدود، میرا، افول یا بنده نمی گردد. ابراهیم (ع) با استدلال "لَا حِبَّ الْاَقْلِينَ" و ذات ازلی، ابدی و بی نهایت را مبنای استدلال قرار داده و به اعتبار آن چیزهای محدود و موقت و میرا و گذرا را نفی مینماید. که من چیزهای محدود و میرا و موقت و گذرا را دوست ندارم. کمی دقت کنیم تمام انسانها بی که سراغ داریم بی نهایت طلبند. منتهی این بینهایت را در چیزهای محدود میبینند. مثلاما رکن ازلیت و ابدیت را قبول دارد ولی مقام ازلیت و ابدیت را به ماده منتسب می نماید در حالی که ماده مشخص و محدود و گذراست برای ازلیت ندارد. با لآخره هر چیزی که ویژگی داشته باشد محدود است. جها نهم محدود است و نمی تواند مقام ازلیت و ابدیت را دارا باشد. علی علیه السلام خدا را اول الاولین و آخر الاخرین میدانند یعنی هر چیزی را که مینماید و منشأ خلقت بنماید ریم خدا اولتر از آن است. و به همین دلیل است که فطرت بازی نمی خورد و دوسا از اولین مبنای استدلال ما با شد و مبنای فهم ما با شد طبیعا چیزهای محدود و معلول ما را قانع نمی کنند. به همین دلیل بازی نمی خوردیم. در این رابطه جا و دانه شدن را فقط در پناه خدای بینهایت میدانیم. شهید حنیف نژاد که رؤییم طاغوتی آریا مهرا و را در آستانه ورود نیکون به تهران در چهارم خرداد ۵۱ اعدام کرد. در کتاب شناخت ویژگی انسان را بینهایت طلبی دانسته و با همین ویژگی سعی داشته که تاریخ را تبیین نماید و در سال ۵۵ معتقد بود که یک ویژگی مشترکی در همه ادوار تاریخ وجود دارد و آن ویژگی بینهایت طلبی انسان است و بدین ترتیب نقد بنیادی خود را از ما تریا لیسیم تاریخی بیان می کرد. گرچه عمرش کفاف نداد که انسان با ویژگی پایدار بی نهایت طلبی را در تمام وجوه تحقق دهد و با عدم انسجامی که در کتاب شناخت بود بر خورد

فطرت خدا جو، بدین دلیل بازی نمی خورد که حاضر نیست از حقیقتی کمتر از خدا، به خدا برسد و عبارت دیگر حاضر نیست با واسطه چیزی به خدا برسد.
خدا هم ایمان را رد و خدا و صفات خدا را مبنای استدلال و فهم خود قرار میدهد فطرت بدین اصل بازی نمی خورد و سازش هم نمیبیرد که محکمترین استدلال را ارائه میدهد و همچون یوسف صدیق مستقیما و بلاواسطه به خدا و وحدانیت خدا رسیده است و رفیق هم بندش می گوید "اَزْبَابٌ مُتَفَرَّقُونَ خَيْرٌ اَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ لَقَّهَارٌ" ای دوست

صفات ذاتی خداست وقتی میگوئیم خدا جو یعنی عدل طلب. بر راستی همه انسانها عدل طلبند و کسی را سراغ نداریم که چنین ادعایی نداشته باشد منتهی هر کسی عدل را یک جور تبیین میکند یکی عدل را عدل مساوات مکانیکی میگرداند و دیگری عدل را عدل میانگین میگرداند دیگری عدل را ظلم بالسویه میدانند ولی فطرت خدا جو

نمی خورد و تن به حاکمیت سلاطین و مستکبرین نخواهد داد دوسا ازش نمی پذیرد.
فطرت بینهایت طلب: یکی دیگر از صفات ذاتی حق تعالی همانا ازلیت و ابدیت است. از آنجا که انسان خدا جوست بینهایت طلب هم هست. فطرت بینهایت طلب نه بازی می خورد و نه سازش می پذیرد چرا که تسلیم هیچ چیز

بقیه در صفحه ۲۶

فطرت بازی نمی خورد و در فطرت همه بشر نیست که کمال مطلق را میخواهد. امام خمینی

بنام خدای شهیدان

شریعتمداری یک شبه کودتاجی نشد، بلکه اگر مراحل تدریجی - اقول اورا بررسی کنیم چنین اعمالی از قبل قابل پیش بینی بود و تعجبی را بر نمی انگیزد. بدین لحاظ بر آن شدم که مواضع شریعتمداری را در طول انقلاب اجمالا تحلیل نمایم. اخیرا جزوه ای تحت عنوان قیام دوم تبریز علیه حزب آمریکا طی خلق مسلمان توسط نهضت شهید حنیف نژاد تبریز به چاپ رسید، که نسبتا کامل است و جداگانه در راه های بیشتری در این راه بر- داشته شود.

بیاد داریم هنگامیکه جریان انحرافی "شهرام - بهرام" و بالاخره "رجوی" از مجاهدین بیرون آمد همه بخود فرورفتیم تا ریشه این انحرافات را یافته و در درون خود پاکسازی کنیم. حال از فضلا و فقهای حوزه می خواهیم که انحراف شریعتمداری را ریشه یابی کرده و پاکسازی نمایند، تا اعتماد مردم نسبت به روحانیت مکتبی مبارزهمچنان حفظ شود.

ویژگی دوازدهم از کتاب و ویژگیهای انقلاب ایران، حالت انقلابی جنبش:

"درجه و حالت انقلابی بودن جنبش را می خواهم به تفصیل بگویم و طرحی که ساواک داشت برای اینکه این جنبش را به سازشکاری تبدیل کند و میتوانیم این ویژگی را عدم سازشکاری جنبش بنامیم.

پنج اصل معروف به پنج اصل رفورمیسم (شریعتمداری) که این پنج اصل را بعضی جناحهای مبارز یا جناحهای رفورمیست مبارز میدانند و این بخاطر منحرف کردن جنبش بود. این پنج اصل عبارتند از: اجرای کامل قانون اساسی، آزادی کامل زندانیان سیاسی، انحلال حزب رستاخیز - خمینی.

حال چیرا این اصول را رفورمیستی می گوئیم؟ چرا بعضی از جناحهایی که سوابق مبارزاتی آنها درخشان نبودند چنین شعارهایی میدادند. علتش این بود که این جناحها اصولا ضد انقلاب بودند. یعنی این ۱۵ اصل گروه در ظاهر - است فریبا و خوبی دارد و عده زیادی از گروهها را تحت تاثیر خودش قرار داد ولی مجتوی ضد خلقی داشت با توجه به اینکه

گفتیم و ویژگی انقلاب ایران گروههای خودجوش و خودکفا بودند و هزاران از این گروهها وجود داشتند و قهرآمیز و غیرسازشکار هم بودند. چیزی جز مرگ بر شاه نمی خواستند. چیزی جز نفی نظام سلطنتی نمی خواستند. این پنج اصل یک سازشکاری بود. چرا که اجرای کامل قانون اساسی با توجه به اینکه حرکت مجاهدین و فدائیان و خصوصا حرکت اخیر

حزب در این مقطع که مردم خیلی چیزهای بالاتر از این می خواهند یک شعار رفورمیستی بود که ما اینکه در شیعه صفوی و شیعه علوی گروههای مبارز مردم در آن مقطع آنقدر جنبش آنها اصالت داشت که شاه عباس مجبور شد آنقدر اطلاعات کند تا این جنبش را به انحراف بکشانند. اطلاعات چشم گیری که حالا هم میگوئیم واقعا چه اصلاحات بزرگی بود.

جانشین او شود ولی با چه شرطی با شرطیکه خلق از موضع ضعف با اینها برخورد کند و خلق را در موضع ضعف قرار دهد. من خودم این را شنیدم که ونس گفت ما خودمان با رفتن ساواک در نیکاراگوآ موافق هستیم ولی نه از موضع قدرت خلق که خلق حرکت کند و ساواک را بیرون کند. یعنی اینها میخواستند از موضع منت گذاشتن به خلق و اینکه خلق یک حکومت فاشیست دموکرات

ویژگیهای انقلاب ایران پنج اصل رفورمیسم آیت الله شریعتمداری را که عبارت بودند از آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک، بازگشت رستاخیز، انحلال ساواک، بازگشت امام خمینی و اجرای کامل قانون اساسی "را شرح داده ایم. این تزسقیفه توطئه ای بود در حال تکوین و خواستها پیش همان پنج اصل رفورمیسم بود. بسا توجه به اینکه قبلا توضیح دادم

اهمیت ضد انقلابی - رفورمیستی این پنج اصل تا چه اندازه بود. اینک اشاره میکنم. توطئه سقیفه بوسيله شعار "شاه با یدبرود" یا "مرگ بر شاه" خنثی شد چرا که با وحدت توده ها حول "مرگ بر شاه" نتوانست جان بگیرد و ازین رفت ولی حالا نیز اثرات آن باقی است و در حال تکوین و تثبیت است. ظاهرا ازین رفت ولی در مقابل این توطئه نیز با یسد

هوشیار باشیم. (همچنین رجوع شود به صفحه ۵۴ همین کتاب)

صفحه ۲۲ - توطئه نهم:

حرکت بدون حوس (حرکت رفورمیستی): توطئه دیگر، توطئه بسیار مهم و خطرناک هفده شهریور بود. رژیم الگوی ۱۵ خرداد در ارتش نهادش داشت و میگفت همانند ۱۵ خرداد دد زخمیانه سرکوب میکنیم. سپس محیط یاس و خفقان بر مردم حاکم میشود و در این جو خفقان و یاس به بهترین صورت میتوانیم برنامها را پیاده کنیم و ساواک میتواند جای پای باز کند و دومتبه در اذهان مستقر شود. طبق این برنامه بود که تصمیم گرفته دست به چنین عملی بزنند

و مقدمات آن را نیز طوری فراهم کرده بودند که مردم را به تله انداخته و کشتار عظیمی بکنند ساعت ۱۲ نیمه شب که همه در خواب بودند و صبح از رادیو حکومت نظامی اعلام شدند ساعت ۸ صبح مردم را به رگبار مسلسل بستند.

تفقا قابعدا ز هفده شهریور ناامیدی و یاس بر مردم حاکم شد و توطئه هم از اینجا شروع میشود. یاسی که به مردم دست داده بود و شهدای بسیاری که از دست داده بودند از یک طرف و سروصداها بی جنبه ملی، نهضت آزادی و آیت الله شریعتمداری، عبارت بودند از

صفحه ۱۸ - توطئه پنجم: سقیفه: بدلیل اینکه این توطئه از دل روحانیت برمیآید آنرا سقیفه مینامیم. در کتاب

نهضت مجاهدین و شریعتمداری

را بید یزد، پس شاه برود و حکومتی که ماهیت آن فاشیست و ظاهرا دموکرات باشد سرکار برپا یسد. حکومتی که ماهیت آن قسوار داد امینی - پیچ" دکتر امینی باشد (قرارداد کنسرسیون) و ظاهرا این پنج اصل دموکرات باشد. حکومتی که ماهیت آن سپهد مقدم رئیس ساواک و رئیس ضد اطلاعات ارتش که سمبل ادغام ساواک و ضد اطلاعات ارتش باشد ولی ظاهرا شعاری فریبنده و آزادی مطبوعات و آزادی زندانیان سیاسی و انحلال ساواک باشد. اینها میخواستند چنین حکومتی را برقرار کنند ولی این ویژگی غیرسازشکارانه و قهرآمیز جنبش، همه این توطئه ها را نقش بر آب کرد.

* * * *

نقل از کتاب توطئه های بی که علیه انقلاب ایران صورت گرفت سخنرانی برادر میثمی فروردین ۵۸.

صفحه ۱۴ - توطئه سوم:

"نروا سرکوب": (میخواستند نیروهای براتاد از به رهبری امام را از نیروهای طرفدار قانسون اساسی جدا کرده و اولیها را سرکوب نمایند). نیروهای طرفدار قانون اساسی عبارت بودند از جنبه ملی، نهضت آزادی و آیت الله شریعتمداری.

صفحه ۱۸ - توطئه پنجم:

سقیفه: بدلیل اینکه این توطئه از دل روحانیت برمیآید آنرا سقیفه مینامیم. در کتاب

دیگر انحلال ساواک بود که انحلال ساواک در حقیقت یک کار فریبنده و ظاهری بود. از آنجاییکه امپریالیسم می دانست خلق حالت انقلابی دارد و انقلابش هم خیلی اصیل است، انحلال ساواک را مطرح کرد که یک حکومت رفورمیستی سرکار برپا یسد در حقیقت ادغام ساواک در ضد اطلاعات ارتش بود که مادر بعضی از شهرها نظیر زنجان دیدیم که وقتی به ساواک ضربه زدند دستگارش را جمع کرد و بداخل پایگانها برد. انحلال ساواک هم یک توطئه بیش نبود و ادغام ساواک در ضد اطلاعات ارتش بمنظور آن بود که کودتای توام با هم که آن مغز سیاسی بشود و آن مغز نظامی که با هم دیگر عمل کنند.

آخرین اصل بازگشت امام خمینی که یک شعار فریبنده بود چرا که وقتی امام فرموده بودند که تا وقتی شاه نرود من وارد مملکت نخواهم شد. چنین شعاری خود یک شعار ضد خمینی بود.

با این اصول جناحی از رژیم مانند سپهد مقدم، امینی و... و جناحی از خلق توافق داشتند یعنی جناح لیبرال رژیم و جناح سازشکار خلق، این دو تا، خط مشی - شان یکی شده بود.

منظورم از اینجاست که این پنج اصل را گفت. آن بود که انقلاب ایران آنقدر اصیل و عمیق بوده است که امپریالیسم حاضر شد این پنج اصل را بپذیرد، حاضر شده بود که شاه سلطنت کند و حکومت، اصلا حاضر شده بود که شاه برود و ولیعهد

امام خمینی این پارلمان تاریم را بهر شکلی نفی می کرد و میگفتند که قانون اساسی دیگر نمی کشد این خودش ضد انقلاب بود.

آزادی زندانیان سیاسی که طبق طرح کارتر و اینکه دیگر رژیم نمی توانست طبق آن خفقان و استبداد با خود بنا بود یک سازشی بشود و زندانیان را آزاد کنند که زندانیان و گروه فدائیاها اکثر اخط مشی مسلحانه را قبول نداشتند و تضادهای درون زندان زیاد شده بود و اینها با بیرون آمدنشان یک ترمزی می شدند برای حرکت خلق، اینهم یک دلیل دیگر. یعنی آزادی زندانیان سیاسی از نظر ساواک، اگر از موضع ضعف مردم انجام میشد یک بکوری چشمشان از موضع قدرت خلق زندانیان سیاسی آزاد شدند و آن طرحشان نتوانست جامه عمل بپوشاند.

اصل دیگر انحلال حزب رستاخیز بود. حزب رستاخیز که یک وقتی برای سروسامان دادن به تضاد های داخلی رژیم بوجود آمدند خودش یک قوز بالا قوز شده بود و به یک دستگاره بوروکراتیک تبدیل شده بود که تازه یک نیروی جدید میخواست که خود حزب را سروسامان دهد. که آمدند کمیسیون شاهنشاهی را برهبری معینیان درست کردند که بین حزب و دولت و ارتش و ساواک هماهنگی برقرار بکنند. و خود دستگاره در مدد بوده که این حزب را منحل کند و شعرا را انحلال

در کشوری که همه مردمش به جنگ میروند، نمیشود کودتا کرد. امام خمینی

نهضت مجاهدین

نظامی و پخش این جریانست از طریق تلویزیون، آب سردی روی عطر مردم بریزند و باعث کنترل آنها شوند. این توطئه از یکطرف و توطئه حرکتیهای رفرمیستی که شکل اقتصادی داشت از طرف دیگر ظاهر شد. بدین معنا که در ادارات دولتی حرکتیهای شده در آنها خون نبود مانند افزایش حقوق افزایش مسکن و... دولت هم سرعت این حرکات میافزود. بعد از هفده شهر یورگرایشی در بعضی اقشار مردم و نیروهای بالنده بوجود آمده بود که تنها راه پیروزی، راه مسلحانه است و ما با دست خالی نمیتوانیم به جنگ رژیم برویم، چرا که همه ما را در خواهد کرد. لذا رژیم قصد داشت حرکت جدیدی را جایگزین این تفکر و حرکت یا دشده کند بدلیل اینکه اگر حرکت مسلحانه برای مردم نهادی میشد، اصولاً این نهاد برای منطقه خطرناک بود و مبارزه مسلحانه برای رژیم گران تمام میشد این بود که میخواست شکل دیگری از حرکت را جانشین حرکت اصیل مسلحانه توده ای کند.

بعضی از مردم با حرکتی بیکیه میکردند و در آنها خون نبود می گفتند ما یون دان خون پیروز می شویم. رژیم هم میرفت با آنها مذاکره میکرد و سپس به خواستهایشان رسیدگی مینمود. با انجام اینکار از طرفی این حرکت را تأیید و از یکطرف خود را تثبیت میکرد (رژیم شریف اما می). سردمداران این حرکتها با اینکه از مخالفت مردم با رژیم واقف بودند معیناً سربیک میزبانما یندگان رژیم نشسته و صحبت میکردند. گویی که قانون اساسی در حال تصویب بود در حالیکه مردم اعلام کرده بودند نه شاه و نه قانون اساسی هیچ کدام را نمیخواهیم و عکس امام خمینی را با یک کلاشینکف در میدان شهدا (هفده شهریور) نصب نموده بودند و این برای رژیم بسیار خطرناک بود.

سرباز جوی ساواک برای زندانیان چنین گفته بود که ما مدتها کوشش کردیم تا سیاسی کاری را در اذهان گروهها جا بیا نندازیم ولی ارتش با اشتباهاتیکه در هفده شهریور مرتکب شده راه مبارزه مسلحانه معتقد ساخت. این توطئه حرکتیهای رفرمیستی و غیر انقلابی بود.

از طرفی به قول یکی از روزنامه ها، بنی احمد (نماینده آیت الله شریعتمداری) قصد داشت جریان تیکه در کوچه پس کوچه ها میگذشت به مجلس بکشانند و جریان این کوچه پس کوچه ها و گویای خواستهایشان در شعراهایی که روی دیوار می نوشتند جریان خطرناکی بود در این گیرودار آیت الله شریعتمداری اعلام کرد که میبایست بدولت شریف اما می ۲ ماه مهلت بدهیم تا اصلاحات خود را انجام دهد. این توطئه با تمام وجه در شرف تکوین بود که آگاهی مردم آن را عقیم کرد. حرکتیهای اقتصادی و رفرمیستی که در ادارات شروع شده بود رنگ سیاسی بخود گرفت مانند انحلال حفاظت، فرهنگیان کارمندان ذوب آهن و کارگران در حرکتشان نام حفاظت را بردند. کارگران پالایشگاه تهران حرکتشان بدانجا رسید که عکس امام خمینی را به دیوار نصب و اعلام کردند تا هنگامیکه رژیم عوض نشود ما هیچیک از خواستهای صنفی خودمان را نیز نمیتوانیم بگیریم. روزنامه آیندگان هم مطرح کرد که حرکتها در خارج شدن از مسیر منطقی خودش است. دیگر رژیم نمیتوانست جوابگوی خواسته های حرکتیهای سیاسی باشد.

رژیم فکر میکرد بوسیله عقیم کردن حرکت هفده شهریور مردم به خانه ها میروند در صورتیکه... صفحه ۲۶ - توطئه نهم:

تفرق خواستها: در مقابل شعر واحدی که برای خلق وحدت کلمه آورده بود توطئه دیگری مطرح شد و آن توطئه تفرق خواستها و شعارها بود.

طرح چگونگی توطئه: در حالیکه مردم همه یک صدا مرگ بر شاه می گفتند جنبه ملی ۱۲ خواست مطرح کرد که هیچکدام مرگ بر شاه نبود

بوجود آمدن سازمان مناسبی برای اصناف، انحلال ساواک، انحلال حزب رستاخیز و... خواسته های آنها را تشکیل میداد. با خواستهای آیت الله شریعتمداری که پنج تا بود که یکی از آنها یا زکشت امام خمینی بود و با حزب توده که ۹ خواسته داشت و منتشر کرد. این تفرق خواسته ها توطئه ای علیه خواست واحد مردم بود چرا که در هیچکدامشان نفی سلطنت نبود. در حالیکه شعرا واحد مردم نفی سلطنت بود. (قولوا مرگ بر شاه تفلحوا) و این شعرا واحد و همه گیر توطئه را خنثی کرد.

صفحه ۲۸ - توطئه یازدهم:

چند قطبی کردن جنبش: توطئه بعدی عبارت بود از بزرگ کردن بعضی از مراجع غیر ذیصلاح در مقابل امام خمینی چون تقریباً امام خمینی تنها سخنگوی جنبه انقلاب شده بود رژیم سعی برای این داشت که بوسیله مصاحبه با مراجع دیگر مانند آیت الله شریعتمداری آیت الله قمی، و آیت الله شیرازی جنبش را دو و یا چند قطبی کند، ولی با هشاری امام خمینی و آگاه شدن مردم این توطئه هم شکست خورد اگرچه حالا هم ادامه دارد.

صفحه ۳۰ - توطئه سیزدهم:

رفتن زودرس شاه: خلاصه شده توطئه سیزدهم توسط راه مجاهد (رفتن زودرس شاه برای حفظ ارتش بود که بعداً با تضادهایی که در درون مردم بوجود می آید کودتایی بشود و قدرت را بدست بگیرند)

پاورقی توطئه سیزدهم: "در جریان اشغال رادیو تلویزیون تبریز دیدیم که یک کودتای کوچکی انجام گرفت و ارتش و حزب جمهوری خلق مسلمان و سازمان پیکار و جریانهای دیگر علیه امام متحد شدند. با ایداز این کودتایادرس عبرت گرفت."

کتاب شیوه های ساواک اسفند ۵۵
تجلیل سری ساواک برای سردمداران طاغوت، پاورقیها از نهضت مجاهدین

نمیدادند، اما نشان میدهد که ۵ صفحه ۸۹ - پاورقی ۲۲:
اصل عنوان شده ایشان با جناح فاشیست و شکنجه گرساواک و ارتش دایر بر این نکته تظاهرات ۱۶ شهریور

در جریان اشغال رادیو تلویزیون تبریز دیدیم که یک کودتای کوچکی انجام گرفت و جناحی از ارتش و حزب جمهوری خلق - مسلمان، و سازمان پیکار و جریانهای دیگر علیه امام متحد شدند. باید از این کودتایادرس عبرت گرفت.

در تضاد بوده و ساواک در تحلیل خود از طرف مذهبی ها نبوده و همچنین خاطر نشان میکند که آیت الله مصاحبه دکتر امینی که اگر رژیم شریعتمداری مدتی است بطور سرنگون شود من و همه رهبران منی موقت جانب مصالح مملکت را رها را، کمونیستها خواهند کشت و کرده است. (تضاد رژیم و بخشش همچنین نامه آقای آیت الله سید رضا بروجردی به آیت الله... خصوصی)

صفحه ۸۶ - پاورقی ۳۴: "در همین ایام مردم از آیت الله شریعتمداری در مورد مذاکره با ایشان با رژیم الحاق افتاء کرده بودند و حضرت آیت الله جواب داده اند که "من هیچ مذاکره ای با رژیم انجام نداده ام". در حالیکه نماینده ایشان یعنی آقای بنی احمد عضو رژیم بود."

صفحه ۸۸ - پاورقی ۳۹: رژیم در تحلیل های خود به این نتیجه رسیده بود که مبارزه یکپارچه و وسیع روحانیت باید به تحریک انگلیسی های معروف به مرجع پرور برای ضربه زدن به نفوذ آمریکا باشد و بدین لحاظ با آوردن شریف اما می فراماسون و آنگلو فیلد و آداب دان و نرمخوی و با شعار "نزدیکی با روحانیت و اجرای کامل قانون اساسی" (با حمایتی که از جانب طرفداران انگلیس از او می شود و در حقیقت پیدا کردن خط آمریکا توسط عناصر انگلیسی) میخواستند جلوی حرکت مردم و روحانیت گرفته شود اشتباه جبری ساواک و رژیم در این بود که قادر نبودند حرکت را به توده ها و نیاز اصیل و تاریخی شان یعنی "نفی سلطنت" منتسب کنند و امام امت با دست گذاشتن بر روی این نیاز اصیل و پاسخ دادن به قریب دلهای مستضعفین و بسیج توده ها موجب این وحدت شده بودند. اکثر روحانیون بخاطر ترس از انزوا، حرکت مردم را در ظاهرتائید میکردند. مردم فریاد میکشیدند: "خمینی، تونوری از خدای، فریادای زدلها سی، رهبر ما می مردم امام را تیلور نیازهای اصیلشان میدانیستند و به همین دلیل بود که مردم مبارزه خود را با سلطنت در زمان شریف اما می ادامه دادند گرچه آیت الله شریعتمداری بعد از ۱۷ شهریور اعلام کرد که باید به رژیم شریف اما می دو ماه فرصت داد تا به وعده هایش در مورد اصلاح رفرمیسم عمل کند..."

توطئه بعدی عبارت بود از بزرگ کردن بعضی از مراجع غیر ذیصلاح در مقابل امام خمینی چون تقریباً امام تنها سخنگوی جنبه انقلاب شده بود. رژیم سعی داشت که بوسیله مصاحبه با مراجع دیگر مانند آیت الله شریعتمداری، جنبش رادیو قطبی را چند قطبی کند که این توطئه هم شکست خورد.

صفحه ۸۶ - پاورقی ۲۲: آیت الله شریعتمداری قبل از انقلاب عملی برخلاف مصالح رژیم انجام

خونین شہر

زیربنا اور وینا

"بنا م اللہ پرورش دہندہ شہدای خونین شہر"

مقدمہ: ہمنا سبت عملیات بیت المقدس درجہت آزادی خونین شہر بہتر دیدیم کہ دستا وردا یدئولوژیک خودمان را در را بطہ با مقامت و ایثار خونین شہر در زیر بمب باران و حملات صدا مہیان نما ٹیم، تا با آن برخورد فعال شود.

"بہا میدا آزادی خونین شہر یکی از ہدفہای ما از رفتن بہ جیبہا این بود کہ ببینیم ایدئولوژی ما چقدر درست است؟ چقدر ذہینت داریم؟ چقدر ایدئولوژی ما قابل پیادہ شدن و قابل تحقق است؟ آیا برادرانی کہ بہ جیبہ میروند میتوانند دنیا ز خود و افراد آنجا را درک کردہ و برآوردہ سازند؟ یا دست و پایشان را گم می کنند؟ و یا در معاملات سیاسی - نظامی خود با ختہ میشوند و خود را گم می کنند؟

این مطلب را با یستی ضمیمہ مکتب را ہنمای عمل" مادہ ۲۴ قلمدا دکنیم، موضوع آن مسئلہ زیربنا و ویناست. با دیدیم کہ چہ چیز زیربنا و چہ چیز را وینا بدانیم. ہمہ ما میدانیم کہ انسان زیربناست، یعنی بہا مالست انسان بی نہایت طلب معتقدیم و تا ریخ را با انسان، با ویژگی پایدار بی نہایت طلبی تبیین کردیم مہم مگانیزم و چگونگی تحقق این مسئلہ است. (۱)

در مکتب را ہنمای عمل" گفته شدہ است کہ: با بزار با یستی در خدمت انسان قرار بگیرد ولی در ہر شرایط، در ہر سختی و در ہر مصیبتی یکی از جوہ این اصل را بہتر میتوان دید. در این جنگ حق و باطل با جنگ اسلام و کفر در جیبہ خونین شہر مسائلی را شنیدیم و دیدیم کہہ واقعاً موظفیم این ہا را بگوئیم و تبیین کنیم تا در این رگہ در ببینیم چقدر برداشت ما از اسلام بہ تبیین آن نزدیک یا دور است و اگر ذہینتی داریم فرو بریزد و ایدئولوژی با رور بشود.

(توجہ بشود این مقالہ در دیماہ ۵۹ مدون شدہ است)

اوج فساد و نحوه سقوط طاغوت

در قرآن کریم سورہ فجر آیہ ۹ بہ بعد آمدہ است: "فرعون ذی الذنوب الذین طغوا فی البلاد فاکثروا فیہا الفساد فصب علیہم ربک سوط عذاب ان ربک لبالمرصاد" میگوید: فرعون، صاحب آن کاخها و ستونہا، آنہا - شیکہ در شہرہا طغیان کردند و این فساد را بہ اوج خود رساندند (ہمان طغیان غیر حق) پس فروریخت بر آنہا پروردگار تو تا زیانہ عذاب، بدرستی کہ پروردگار تو در کمین فاسدین است.

و قتی کہ فساد بہ اوج میرسد حکم خدا جاری میشود. و طاغوتیان و فرعونیان حتما سرنگون میشوند. میخوایم ببینیم کہ نشانی اوج فساد چیست تا بتوانیم از آن در زمان بندی خط مشی استفادہ کنیم یعنی درجہ شرایطی این حالت بوجود می آید؟ و چطور طاغوت سقوط میکند؟ نحوه غلبہ حق بر باطل چطور است؟ ما مطمئنیم خواہران و برادران ایمان دارند کہ بہ لاخرہ طاغوتیان و رژیم

امینی کہ زبا نزدخا ص و عا م شدہ و ہمہ اینرا میدا نند و حتی سا واک خودش تبلیغ میکرد دخترہا بی کہ با زجویی میشوند مورد تجا و زقرار میگیرند تا پدر و ما درہا را بترا نند و دخترہا ترسیدہ و مہارزہ نکنند تا دستگیر شدہ و مورد تجا و زقرار نگیرند خط مشی ما این بود کہ دا ثنا تبلیغ میکردیم کہ دروغ است و سا واک میخواد در بین مردم وحشت بیا نند از تا زہ اگر دختری در را خدا گا م بردارد و بہ حبس بیا فتد و مورد شکنجہ و آزار قرار بگیرد و آ نہا با زور بہ اوتجا و زکنند ہما در درونج کشیدن در نزدخا عبادت است و ہما ن ہم موجب سقوط رژیم میشود و واقعاً دیدیم کہ سقوط رژیم از وقتی شروع شد کہ رژیم دست بہ چنین کاری زد. پس با این عمل نمیشود کنا رآ مدوم مردم وظیفہ شان بود کہ قیا م کنند ہمین نمونہ مجا ہد شہیدفا طمہ امینی و نمونہ ہای دیگر کہ در مورد پسران ہم اتفاق افتاد. چقدر انگیزانندہ بود و چقدر عمق وجود آدم را می لرزاند و حالت کراہت و بیزاری بہ انسان دست میدا د و از ہمین نقطہ ہا - ست کہ حرکت آغاز میگردد.

جرقہ های حرکت از کجا شروع میشود؟

بتاریخ برگردیم ببینیم کہ نہضت سربداران از چہ وقتی شروع شد آن موقع کہ حکام مظلما مدنند و در سبزو ار مست کردند و مشروب خوردند و فضا حت بیارآ و روند، یعنی بہ ۵ دختر معصوم سبزواری تجا و زبہ زور کردند. مردم نا راحت و خشمگین شدند، قیا م شروع شد، نہضت سربداران از ہمین جا آغاز شد کہ این عمل بدنقہ بہ اوج رسیدن فساد از طرف باطل است ہر وقت چنین فساد را در تاریخ دیدیم قیا م شروع شدہ است. مخصوصاً در تاریخ شیعہ، ہر وقت این حالات بوجود آمدہ مردم مستضعف قیا م کردہ اند کہہ انگیزہای است بس عمیق و انقلابی و اسلامی، کہ سریعاً مردم را بسیج میکند.

یادی از مجاہد شہید، حسن ابراری

نقل قولی است از شہید ابراری کہ توسط یکی از برادران در زندان بہا رسید: "در یکی از روستا ہای بزرگ فارس، شب از دو اچ دختر معصومی زاندارمہا می آیند و نوعروس را گروگان میگیرند و میبرندش در زاندارمہا، زاندارمہا بعد از شنگول شدن و سرمستی کاری میکنند کہ دختر از پلہ ہای زاندارمہا با لاپا بین برود و اینہا لذت بردہ و کیف کنند و وقتی مردم روستا از این فساد مطلع میشوند، صبرشان لبریز و دیگر درنگ نکرده و قیا م خود را شروع میکنند بہ زاندارمہا حمله بردہ، آنجا را واژگون می کنند و حاکمیت رژیم شاہ ظالم را در آنجا سا قط مینمایند این واقعہ در دورہ رضا شاہ ملعون اتفاق می افتد و سپس مستضعفین در شہر حاکم میشوند ہما نہا شیکہ از عصمت و طہارت آن دختر معصوم مدفا عکرده بودند. البتہ رژیم یک سرہنگ ریش دار را آنجا می فرستد و فریشتان میدہند و نرمشان میکنند و بعد کہ قناع میشوند و با رہ زاندارمہا فراری از کجہ بر میگرددند و در بجا روستا بہ دست مستکوبین می افتد"

ساواک و تجاوز نجف

بعث متجاوز عراق و تجاوز بہ زینبہای خونین شہر

حاکم میخوایم بدانیم کہ چرا مردم نسبت بہ این امر انگیزہ دارند؟ و چہ میشود کہ وقتی این اتفاق می افتد مردم سی مان قیا م می کنند و دیگر تقیہ را جا بزمیدانند و یا می بینیم در دوران سا واک بہ خواہرہای ما زیر شکنجہ تجا و زبغف میگردند بعنوان نمونہ شہید مجا ہدفا طمہ

جریان بعث عراق ہم همینطور بود مثلاً دختران مسلمان ابراتی در مسجدجا مع خونین شہر مقامت می کردند. از اول مقامت، در خونین شہر، می بینیم کہ خود مردم و نیروہای بسیج و سپاہ و تودہ ہای زاندارمہا و بعداً تکاوران چقدر شہر را نجات دادند و با لاخرہ مقامت جانانہای شد. حال شرح این ماجرا کہ چہ مقامتہا و چہ حماسہ ہا بی بود، کہ اسمی روی آنہا نمی توان گذاشت بہما ند برای بعد، بعداً متاسفانہ بہ ارتش دستور عقب نشینی دادند و ارتش مردم عقب نشینی کردند و بعضی ہا حاکم شدند و در شہر ریختند. و در چند روز قبل از آن فرمان تخلیہ شہر، مسجدجا مع خونین شہر بہ اشغال بعث عراق در آمد و اشغالگران بعثی بہ حدود ۲۰ نفر از خواہرہای ما تجا و ز کردند و تکہ تکہ شان کردند.

در خانہ خدا، در خونین شہر جا شیکہ واقعاً مقاومش توطنہا مہربا لیسمر را بہم زد، بعضی ہا آنچنان کینہہای نسبت بہ خدا و رسول خدا و خانہ خدا و پیروان امام خمینی داشتند کہ از دخترہای در حال مقامت در این خانہا صلا شرم نکردہ و بہ آنہا تجا و ز میکنند، این ہمان "فاکثروا فیہا الفساد" است. بعضی ہا فساد را بہا و چرسانند و اینجاست کہ عذاب خدا با بدبیا ید و اوج گیری فساد یعنی تجا و زبہ خواہران کہ نقطہ عطف افول و سقوط بعث عراق است شکی در آن نیست. خودشان بدست خودشان عوامل سقوطشان را فرا ہم و تشدید کردند و واقعاً این امر چہ لزلہای را در خوزستان در میان مسلمانان عسرب و عجم بوجود آورد.

اجمالی از جنگ تحمیلی و افول صدام

قبلاً صدام در خوزستان بطور نسبی پایگاہ فرہنگی داشت، خوزستان را در تبلیغات خود عربستان می نامید و را دیپلوتویزیون صدام ظاہراً در خدمت ناسیونالیسم و فرہنگ عرب بودہ، مثلاً ہوا زرا "نا صریہ و خونین شہر را محمرہ" می خواند.

مردم خوزستان خیلی تحت تاثیر فرہنگ عراق قرار داشتند و وقتی کہ این جنگ شروع شد و مردم مقامت کردند: اولاً خود این مقامت موجب شد کہ ارتش عراق ارتش اشغالگر شناختہ شد و نہ ارتش نجات بخش، مثل صہیونیستہا - ی اشغالگر فسد.

ثانیاً بہ دخترہا تجا و زک کردند و این در میان مسلمانان بخصوص عربیہا خیلی نفرت آور بود مردم مسلمان عرب زبان ہمہ از صدام متنفر شدند چون غیر از خونین شہر در سوسنگرد و بستان... ہمہ چنین کارہا بی دست زدند. بقیہ در صفحہ ۸

عقل هر بشری "به حسب فطرت" اینرا میفہند کہ... امام خمینی

خونین شهر...

ثالثا اینکه وقتی خمسه، خمسه می - زدند عرب و عجم را تا مل میشد و فرقی بین عرب و فارس نبود و به عشا بر عرب زبان بیشتر صدمه میزدند یعنی دیدیم که از رژیم صدام متنفر شدند .
رابعا اینکه خود صدام اعلام کرد ما هدفمان شطال عرب است اگر شطالعرب را بمانا دهد کار بی به خوزستان و بقول خودشان عربستان نداریم در اینجا سا زمانهای سیاسی خلق عرب فهمیدند صدام آنها را آلت دست قرار داده و از نیروهای عرب زبان آنجا میخواست سو استفاده کند و شطالعرب را بگیرد که آنهم در خدمت کمپانیهای نفتی و هدفهای استراتژیک بعث عراق بود و بدین ترتیب صدام با یگانه خود را در خوزستان از دست داد و این جنگ تحمیلی را که شروع کرده بود میبرفت که ارتش اشغالگر و تجهیزات آنرا به یکسری آدمهای بی انگیزه و آهن قراضه تبدیل کند . ارتش بعث بی انگیزه شد و تاج و زکار به نام موس و وطن اسلامی معرفی گشت ، صدام مسلمانان عرب زبان را میزد و می کشت ، اصلا هیچ چیز برای شان نمانده بود و کلامی منطبق شده بودند اما عراقیها ، در مرز خودشان را تسلیم میکردند و واقعا جنگ بطرف پیروزی حق میرفت و تدریجا با بسیج مردم و تائید اما پیروزی می شدیم و این پیروزی را روز بروز می دیدیم روز عا شورا بنی صدر با صحبتها بیش بسیج مردم را پنج پرو پیروزی را به عقب انداخت .

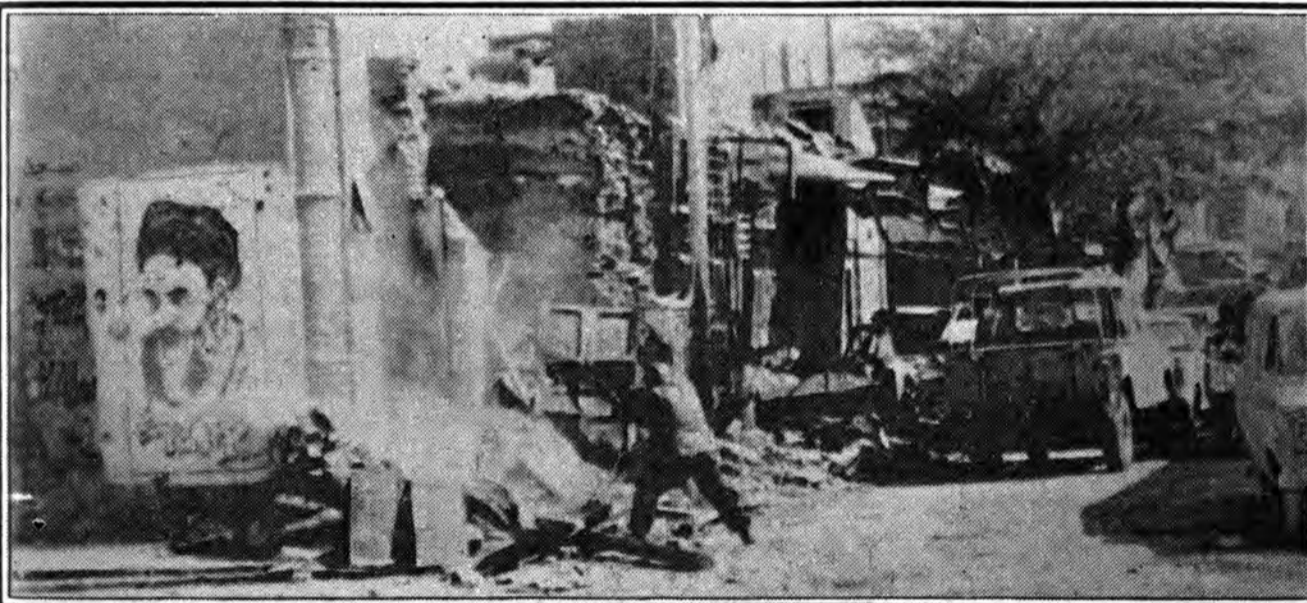
ماه محرم آغا ز شد ، ما میدوایم که عراق در محرم کاش یکسره شود و تمام شدنی هم بود چرا که مردم مسلمان شیعه عرب زبان در محرم و صفر جذب حرکت حسینی و عزاداریهای حسینی میشدند و از خود عروبت دست بر میداشتند و با حداقل عروبتشان تخفیف پیدا میکرد و جذب حرکت حسینی و عزاداریهای حسینی میشدند یعنی جذب حرکت امام خمینی میشدند و در تظاهرات و عزاداری در زیر انفجار خمسه ، خمسه های عراقی میگفتند : "خون حسین می جوشد ، خمینی می خروشد ."

یعنی با بظراه حسین و ما خمینی را پیدا کرده بودند و به اصطلاح عربیت و جاهلیت که با یگانه صدام در خوزستان بود میرفت تا به راه حسین و نهضت حسین و نهضت امام خمینی تبدیل شود . یعنی دیگر هیچ انگیزه ای برای ارتش عراق وجود نداشت که در ایران بماند و این بلاها را بر سر خلق مستضعف ما بیاورد و ما می بینیم از وقتی که تاج و زکار بخوان و این "ارحام مطهر" انجا می گیرند صدام از لحاظ معنوی عمیقاً سقوط میکنند اینجاست نقطه عطف اقول و سقوط صهیونیسم است .

وقتی ارتش عراق شکست بخورد ارتشها به عراق برگشته و در عراق هم انقلاب میشود و این ، هم مکا نیز صدور انقلاب اسلامی و هم مکا نیز ما قول صدام نفتی است ، داستا ن سقوط قوم عا دوشمود و فرعون نکرا میشود در آینده نزدیک جوانان ما خواهند گفت : "الم ترکیف فعل ربک بصدام" آیا ندیدی خدا با صدام چگونه عمل کرد ؟ در اینجا اقول باطل حتمی است منظور بیان کیفیت اقول صدام بود و حال صدام منتهای در اعراب ایران دارنده تر کردها و شیعیان و برادران اهل تسنن و مستضعفین عراق صدام بیش از پیش به ام لارتجاع آشکا رمنطقه یعنی آل سعود و شاه حسین کمپ دیویدی یعنی به اصل خویش رجعت کرد "کل شی برجع الی اصله" و هم اکنون هرگونه حمایتی از او مزدوری امپریالیسم و صهیونیسم را میسرماند و آنها که انقلاب ایران را در برابر تاج و زبعت تضعیف میکنند با بدنبال پایگاه امپریالیسم در درون تشکیلات ویا در درون تفکرات خود بگردند .

"فا کثروا فیها الفسا دفصب علیهم ربک سوط عذاب" خدا اینطور در کمین ستمکاران است ، حال این مکانیزم کمین خدایا شبیخون الهی را بهتر بشکافیم .
کافری یعنی چه ؟ یعنی پوشاننده راه حق ، سدکننده راه حق ، راه خدا ، راه حق چیست ؟ همان راه رشد است همان راه تکامل هدفدار است ، راه کمال است و البته بهتر بگوئیم راه استکمال است ، در کتاب "مکتب راهنمای عمل" گفته شده که راه کمال یا راه خدا مگانیزم چیست و آن "اصالت انسان" است نه "اصالت ابزار" ، این راه رشد یعنی راه رشد توده های مستضعف یعنی راه رشد "آدم" - هاست و دقیقاً به این میرسیم که راه خدا و راه حقوق سبیل الله همان سبیل رشد راه تکامل و راه کمال است و این راه رشد انسانهای مستضعف است ، توده های بی نهایت طلب ، توه های "لا اله الا الله گو" توده های تکبیرگرو بعداً می بینیم وقتی که دنبال توده های "الله اکبر گو" میرویم می رسیم به این خواهرهای مسجد خونین شهر که علیه پیچیده ترین توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم مقاومت میکنند ، در جاهای دیگر راجع به عمق توطئه های امپریالیسم گفته شده است ، راه خدا همین راههاست وقتی خواهرهای ما تولید نسل میکنند ، انسانها رشد میکنند چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی ، بعثتها می آیند و راه خدا را رسد میکنند و به خواهرهای ما تاج و زبعت میکنند جلوی راه رشد توده ها را میگیرند ، اینجا است که اراده خدا بر آن قرار میگیرد که کلکشان کننده شود که سقوط و زوال آنها در بطن همین فسادشان هست .

(یعنی پرورش و تربیت در دامن مادرها و خواهرها طوری بود که آلودگیهای محیط ترا آلوده نکند) و حتی شکل این محیط آلوده را نگرفتی یا جامه محیط آلوده هم به تن تنو نجسیده ، اینکه می گوئیم راه رشد مگانیزم همین طلبهای مردها و رحمهای مطهر زنهاست ، وقتی در طول تاریخ به چنین ارحام مطهر و چنین دخترهای متقی و خواهرهایی که زینب گونه بوده اند تاج و زبعت میشود ، راه رشد یعنی راه خدا رسد میکنند و اینجا است که دیگر جوهر باطل آشکار میگردد ، و موقعی اینکارانجا میشود که باطل در او چسبند و در تمامیت کفر با شود و در او عصیت و جاهلیت و کینه تیزی با شد معمولاً باطل وقتی به این مرحله از کثافت برسد مراحل افول و زوالش شروع میشود ، حالاببینیم واقعا چقدر انگیزه است که برای هرکس که مطرح میگردیم خیلی در فکر فرو میروند ، مثلاً برادری ، برادر مجروحی را از خونین شهر به تهران آورد ، برادر مجروح در راه فکر میکرد که شهید میشود و انسان دم شهادت تمام آه و رازش را میگوید ، این فرد پند داشت ، ما درش جز ما درهای بود که در مسجد جامع خونین شهر لباسهای خواهران و برادران را می شست و گفته بود وقتی ما درم شهید شدیم دیگر کسی نمیشود لباسهایمان را بشوید بعد راجع به برادر شهید خود صحبت میکرد آنجا هم خیلی ما ده برخورد می کرد ، یعنی وقتی میگفت پدرم ، ما درم ، برادرم شهید شدند خیلی عادی مثل بقیه شهدا برخورد میکرد ولی وقتی بخواهرش میرسید بدنش می لرزید و بشدت گریه میکرد و متشنج میشد و میگفت وی خواهرم به او تاج و زبعت ، اینکه بعثتها چکار کردند و



مرتب گریه میکرد ، یعنی ببینید چقدر برای انگیزه بود که هر وقت یا دشمنیا مدگریه میکرد و تعادلش به هم میخورد اتفاقاً برادرمان در راه او گفته های او را بین دونماز شب نقل قول میکرد که بشدت گریه مان گرفت و عمیقاً به فکر فرو رفتیم که این مسئله چرا برای ما اینقدر عمیق بوده ؟ و چرا فقط در این مورد این همه گریه میکرد ، بعد گفتیم که او انگیزه ما دی یا انگیزه های دیگری نداشته ، پس این مسئله به عمق وجود انسانهای پاک فطرت بر میگردد و واقعا تا آن موقع در خونین شهر مقاومت کرده ، حتماً آدم پاک فطرتی بوده است که وقتی اینها را می گوید آنقدر متأثر شده و دروی انگیزه ایجاد میکنند برای ما باید بتوانیم تبیین کنیم ویا اگر ذهنیت داریم ، ذهنیت ها - بمان را تصحیح کرده تا بتوانیم این مسئله را تبیین کنیم که چرا این مسئله اینقدر برای ما مطرح بوده است ، بعد همین مسئله موجب شد که ما او را زیر ذره بین روزه برویم ، یکی داستان شهید برای از آن روستای فارس و دیگر آن قول شهید دکتر شریعتی در تحلیلهای او از شروع نهضت سربداران ، و بعداً با دفاطمه امینی و سایر شهدایی که به آنها تاج و زبعت و اینجا به یک قانونمندی برسیم ، مرحوم دکتر شریعتی فرموده بودند که تمام نهضت های شیعه از یک عمل روبنایی شروع شده و مثال زده بود که نهضت سربداران از آنجا شروع شد که تاج و زبعت در حال مستی بوده یا نهضت های روحانیت جرقه اش از یک توهین به مرجع شروع شده یا مسئله حجاب بوده است که اینها مسائلی بقیه در صفحه ۲۲

شما یک سرمایه دار کارخانه را در نظر بگیرید سرمایه دار کارخانه ها و مراکز صنعتی کار کرده ایم ، میدانیم وقتی که ابزار خراب میشود و عمل تخریبی انجام میگیرد سرمایه دار رنگش سرخ میشود یعنی رگ گردنش با لامی آید و مثل اینکه اصلا وجودش را از دست داده است ، اکثر خواهران و برادران در کارخانه می دیدند واقعا چقدر کارخانه دارها نسبت به اینکه موتور و ابزار خوب بگردند و کار تولیدی انجام بگیرد و نظم مدیریت حفظ شود حساسیت دارند ، حالا اگر نارسایی بوجود آید عصبانی و ناراحت میشوند چرا که سرمایه دار تولید در تولید کار او در تولید نعمات مادی و در نهایت تولید ابزار می بیند ، بنا بر این خیلی هم عصبانی میشود ولی خوب راه خدا که در اصلت دادن به ابزار نیست ، راه الله که در اصلت دادن به ابزار نیست بلکه ابزار و تولید را رشد میدادند منتهی به آن اصلت نمیدادند ، راه تکامل و رشد ، در رشد توده ها ست و راه رشد توده ها به همین خواهرها و برادرها بر می گردد و در احوالشان مشخص است ، اینکه زن و مرد عضوی در بدنشان است که به آن طریق توده ها بوجود می آیند و رشد میکنند ، راه خدا مگانیزمش از آن طریق است و در زیارت وارث می خوانیم "اشهد انک کنت نورانی الاصلب الشامخ والارحام مطهره لم تنجک الجاهلیه بانجاسها ولم تلجک من مدلهما تیا بها"

شهادت میدهم که تونوری در صلب (کمر مرد که مرکز تجمع نیروی جنسی است) او رحمهایی که بتدریج پیاپی کیزه شده اند و جاهلیت با همه نجاست و پلیدی ترا آلوده نکرده

مرصاد یا نحوه کمین خدا

راه مجاهد کدام است؟ ۵

راه مجاهد راه خدا، قرآن، خمینی است.

«بررسی شیوه های حکومتی»

ج - دیکتاتوری پرولتاریا

بنام خدای شهیدان
مقدمه: در شماره گذشته (شماره ۵) راه مجاهد گفتیم که راه مجاهد راه "خدا، قرآن، خمینی" است و لازم دیدیم که بررسی شیوه حکومتی اسلام نخست به بررسی انواع شیوه های حکومتی بپردازیم. همچنین در آن شماره (شماره ۵) به شرح شیوه حکومتی "فردی مردم" و "مردم بر مردم" یا "دموکراسی غربی" یا "دیکتاتوری اقلیت بورژوازی اکثریت محروم" یا "پرداختیم" در این شماره به شرح شیوه حکومتی "دیکتاتوری پرولتاریا" یا طبق تعریف خودشان "حکومت اکثریت کارگران بر مردم" پرداخته و به نقد و بررسی آن می پردازیم.

"حکومت اکثریت کارگران بر مردم" یا "دیکتاتوری پرولتاریا"

این شیوه حکومتی در مارکسیسم مطرح است. این شیوه در یک قرن اخیر شعاعاً رونق گرفته و ایده آل حکومتی بسیاری جنبشهای انقلابی دنیا بوده است. مارکسیسم، مکتبی است که از انسجام ظاهری برخوردار است و از درون همین انسجام ظاهری است که به چنین شیوه حکومتی رسیده است. این انسجام ظاهری از یک طرف و از طرف دیگر عدم یکپوشی مدون اسلامی در جنبش ایران توانست بسیاری جوانان رزمنده را که نیاز به یک مکتب مدون منسجم و راهنمای عمل مبارزاتی داشتند به خود جلب کند و جریان ناسات و گروههای موجود مارکسیستی در ایران همگی ناشی از این معادله هستند.

ولی اگر به عمق این انسجام برویم ناساتهای آن مشخص شده و خواهیم دید این مکتب قادر به تبیین مسائل و مشکلات نیست. البته در این مقال جای آن نیست که به تحلیل و بررسی کامل این مکتب بپردازیم و آنجا که قصد بررسی شیوه های حکومتی را داریم شیوه حکومتی ایده آل این ایدئولوژی را بررسی می کنیم. نفی دیکتاتوری پرولتاریا در احزاب کمونیست؛ امروز که ما از این شیوه حکومتی صحبت می کنیم، کسی بطور مشخص از آن دفاع و طرفدار نمی نماید و اکثر احزاب کمونیستی به نفی آن رسیده اند.

الف - نمونه شوروی: در شوروی که بین کشورهای سوسیالیستی کشور ما در حساب می شود پس از استالین خروشوف با بیان تئوری خود بنام پنج اصل معروف، دیکتاتوری پرولتاریا را غیر ضروری خواند و یادآور شد که اکنون دولت اتحاد شوروی دولتی تمام خلقی گشته و دیگر لزومی به دیکتاتوری

پرولتاریا احساس نمی شود و این اولین گام برای نفی آن بود. ب - نمونه چین: در چین پس از ماؤ تودیکتاتوری پرولتاریا بدین صورت نفی شد که جان نشینان ما ثواب حیات سرمایه داری را بطور سیستماتیک پذیرفتند و با امپریالیسم آمریکا بر علیه شوروی وحدت برقرار کرده و روابط اقتصادی را در سطح وسیعی گسترش دادند.

ج - نمونه احزاب کمونیست اروپا:

۱ - حزب کمونیست فرانسه: حزب کمونیست فرانسه بر رهبری ژرژ مارشال بعد از سی سال که از زمان تأسیس آن گذشته بود در انتخابات همیشه ۲۵٪ آرا را کسب میکرد تا اینکه رهبران این حزب متفقاً به این جمع بندی رسیدند که در جامعه فرانسه شرایط خاصی حاکم است و گفتند که نرخ رشد خرده بورژوازی در حزب بیشتر از نرخ رشد پرولتاریا است یعنی که تعداد دگس نیکه عضو حزب کمونیست می شوند کمتر از خرده بورژوازی هستند.

پس از آن به اتفاق آرا دیکتاتوری پرولتاریا را رد کردند در اینجا می بینیم که حزب کمونیست به دلیل اینکه ملاکش اکثریت پرولتاریا بوده است، پس آنکه این اکثریت در جامعه فرانسه تنها وجود داشت بلکه تعداد کارگران حزب روز بروز کمتر می شد با وجود موجود سازش نموده و دیکتاتوری پرولتاریا را نفی نموده است. یعنی وقتی ملاک اکثریت باشد در صورت اقلیت بودن کارگران باید به اکثریت موجود که زیر حاکمیت امپریالیسم است تن دهند یا بدین ترتیب که پرولتاریا هیچگاه حتی در کشور های صنعتی اکثریت نشده است حال چه رسد به کشورهای مستضعف جهان سوم.

۲ - حزب کمونیست ایتالیا: حزب کمونیست ایتالیا بر رهبری "انریکو برلینگوتی" نیز با جمع بندی ای مشابه آنچه ژرژ مارشال بیان داشت دیکتاتوری پرولتاریا و لنینیسم را نفی نمود. ۳ - نمونه حزب توده ایران: حزب توده ایران پس از مدتی با پذیرش تز "راه رشد غیر سرمایه داری" و بیان این مطلب که تنها راه رسیدن به سوسیالیسم حتماً

رشد مستقیم پرولتاریا نبوده بلکه از طریق حاکمیت خرده بورژوازی ضد امپریالیسم نیز این امر امکان پذیر است. که عملاً پذیرش رهبری خرده بورژوازی بزعم خود دیکتاتوری پرولتاریا را نفی نمود.

نتیجه: اکنون سؤال این است که چرا جریانات مارکسیستی هر کدام پس از مدتی که از سیر آنها گذشته به نفی یکی از بنیادین ترین اصول مارکسیسم که همان دیکتاتوری پرولتاریا باشد رسیده اند؟ و یا به عبارتی پاروی اصول خود گذاشته اند؟ چنانکه دیدیم ژرژ مارشال بیان داشت که از آنجا که پرولتاریا در فرانسه از اکثریت برخوردار نیست لذا شرایط خاصی حاکم است و اصول قابل اجرا نیست.

جاذبه مارکسیسم و دیکتاتوری پرولتاریا

جاذبه مارکسیسم بعنوان ایدئولوژی ای که در قرن حاضر مورد استفاده بسیاری نهضت های انقلابی قرار گرفته و حتی در ایران نیز طرفداران زیادی در بین روشنفکران داشته است در این است که این مکتب بینشی ظاهراً منسجم از تبیین جهان و تاریخ و انسان و ابزار آراشه میدهد و از درون همین تبیین به شیوه حکومتی خاص خود می رسد. و ما دیدیم که انسجام ظاهری مارکسیسم توانست عده زیادی از اعضاء سازمان را به خود جذب کند.

یعنی وحدت تضادی حال این سؤال مطرح است که آیا تضاد که از مقوله کثرت است قادر است وحدت جهان را تبیین کند؟ یا تنها خدای واحدی تضاد و خالق تضاد است که قادر است نظم عالم و وحدت جهان را تبیین نماید.

از فلسفه ماتریالیسم تا شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا مارکسیستها معتقدند همه چیز مادی است و ماده ازلی و ابدی است و تا چشم کاری کند ماده است و ماده اصالت دارد و ازلیت و ابدیت است. ماده را به عنوان یک پیش فرض بدون دلیل می پذیرند. می گویند اصول دیاکتیک قانون حرکت ماده است و دیاکتیک را لاینفک از ماتریالیسم می دانند که می شود ماتریالیسم دیاکتیک یا به عبارت دیگر دیاکتیک ماتریالیستی، دیاکتیکی که پایگاهش ایده مطلق هگل نیست بلکه ماده ازلی ابدی مارکس است.

و اما ماتریالیسم تاریخی: مارکسیستها ماتریالیسم تاریخی را بیان دیگری از ماتریالیسم دیاکتیک می دانند و به عبارتی آنرا تحقق دیاکتیک در تاریخ انسان میدانند. پس از این تبیین، آنرا در تاریخ انسان تحقق داده و به ماتریالیسم تاریخی می رسند.

ماتریالیسم تاریخی چنانکه گفتیم بیان دیگری از ماتریالیسم

انسجام ظاهری مارکسیسم بدین صورت ارائه میشود که در فلسفه، ماده بر ایده مقدم است. یعنی ماده مقدم است بر شعور و فکر و هر ایده ای مطلقاً و حتی ایده پروردگاری بعد می گویند روابط اجتماعی هم مقدم است بر شعور و مذهب و فرهنگ... و به عبارت آخری زیر بنای مقدم است بر روینا، پس از سیر دوره تاریخ به این نتیجه می رسید که پرولتاریا و روابط آن که زیر بنای است بتدریج گسترش کمی و کیفی یافته و به طور طبیعی به حاکمیت میرسد و دیکتاتوری پرولتاریا را تشکیل میدهد. با این مقدمه چنینهاست که می گویند دیکتاتوری پرولتاریا در حقیقت دیکتاتوری نبوده بلکه دموکراسی واقعی و یا حاکمیت اکثریت کارگران بر اقلیت منطبق بورژوازی است. و روند تاریخ را اینچنین می بینند و گاهی به روند تاریخ قسم هم می خورند.

آنچه که گفته شد شمه ای بوده از انسجام ظاهری مکتب مارکسیسم در ارائه شیوه حکومتی خاص حال به ادامه بحث می پردازیم.

دیکتاتوری پرولتاریا و سنگین آن با دموکراسی غربی (حکومت مردم بر مردم) بنیانگذاران مارکسیسم بیشتر لبه حمله خود را متوجه سیستم بورژوازی و شیوه حکومتی آن و مذهب کلیسا نمودند و معتقد بودند که آنچه دشمن اصلی پرولتاریا است بورژوازی است. و در مخالفت و ضدیت، با این طبقه بود که خود شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا را ارائه دادند. مارکسیسم شیوه دموکراسی غربی را دیکتاتوری بورژوازی و دیکتاتوری اقلیت منطبق بورژوازی که با نیرنگ تبلیغات خاص سرمایه داری برای کسب آراء و حاکمیت آنها همراه است و در مورد پرولتاریا می گویند: سیرتاریخ

مارکسیسم وحدت مادی جهان را قبول میکند، به این معنی که جهان مجموعه واحدی است، منتها وحدت جهان را وحدت مادی میدانند. در این بینش، ماده مساوی است با تضاد و وقتی میگوئیم وحدت مادی یعنی وحدت تضادی، حال این سؤال مطرح است که آیا تضاد که از مقوله کثرت است قادر است وحدت جهان را تبیین کند؟ یا تنها خدای واحدی تضاد و خالق تضاد است که قادر است نظم عالم و وحدت جهان را تبیین نماید.

بسمت پرولتاریزه شدن کشورهای یعنی به سمت آنکه دیکتاتوری پرولتاریا برقرار شود می گویند: این چیزی جز دموکراسی واقعی نیست. دموکراسی اکثریت کمی و کیفی کارگران بر یک اقلیت منطبق بورژوازی. این درست است که مارکسیسم بنقد دموکراسی غربی پرداخته و بقیه در صفحه ۲۰

دیاکتیک است بدین قرار که تا ریخ را بر اساس رشد و اصالت ابزار به پنج دوره تقسیم میکنند که عبارتست از: ۱ - دوران کمون اولیه ۲ - برده داری ۳ - فئودالیسم ۴ - سرمایه داری ۵ - کمونیسم. مارکسیسم علیرغم آنکه هدف داری را در مورد جهان نفی میکند لکن معتقد است که تاریخ انسان هدف دار است.

وحدت مادی جهان و ناساتی آن مارکسیسم وحدت مادی جهان را قبول می کند، به این معنی که جهان مجموعه واحدی است. منتها وحدت جهان را وحدت مادی می دانند. وحدت مادی جهان یکی از ارکان ماتریالیسم و اساس بینش فلسفی اجتماعی مارکسیسم است. در این بینش ماده مساوی است با تضاد و وقتی می گوئیم وحدت مادی

بسم الله الرحمن الرحيم

در شماره های گذشته راه مجاهد با بررسی آیات ۷۴ تا ۸۰ سوره انعام برخورد با ابراهیم (ع) را با پدیده ها در جهت کشف رابطه بین خود با خدا و رابطه بین پدیده ها با خدا بررسی کردیم و دیدیم که ابراهیم (ع) در سیر برخورد با پدیده ها (ماه و ستاره و خورشید) دریافت کسه خداوند، مستقل از پدیده ها و حاکم بر آنهاست و تمام می آید عین ربط و نیا زبانه هستند. و به این ترتیب، ابراهیم (ع) با تحقق ایمان خویش، به شناخت کامل دست یافت و در زمره یقین آورندگان قرار گرفت. اکنون به توشه گیری از دنباله آیات سوره انعام می پردازیم:

یقین ابراهیم (ع) و عکس العمل قوم او

وَمَا كُنَّا قَوْمًا أَتَيْنَا فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَيْنَا وَلَا كُنَّا مَشْرُوكِينَ إِلَّا أَنْ كَفَرْنَا بِهِ حَقًّا وَمَا يَشْعُرُونَ

"و ستیزه کردند با وی قومش گفت آیا ما من ستیزه کننده در خدا، در حالیکه هدایت کرده است؟ و ما نترسم آنچه را که بدان شرک ورزید جز آنکه بخواد پروردگار من چیزی را، فرا گرفته است پروردگارم همه چیز را بدانش، آیا یاد نمی آورید."

می بینیم که در برابر یقین و قاطعیت ابراهیم (ع)، قوم گمراهش با وی "مواجه" می کنند. یعنی از طریق جدل لفظی و برخورد تهدید - آمیز، تلاش میکنند منطق شرک آلود خویش را به ابراهیم (ع) بقبولانند و این مرحله جدیدی در سیر برخورد های ابراهیم (ع) و قوم اوست. چرا که تاکنون اینها در برابر برخورد های آن حضرت، از نفي بتها گرفته "بني برآء ممنا تعبدون" تا ارائه منطق توحید "إلا الذي فطرني فإنه سيهدين" موضع تدافعی داشتند و مستمرا معتقداتشان مورد سوال قرار میگرفت. اما اکنون در برابر یقین ابراهیم (ع) حساس خطر کرده و از مرحله دفاع به تهاجم و برخورد های تند می رسند. این تغییر، نشان دهنده آن است که دیگر موضع ابراهیم (ع) و منطق وی را جدی گرفته اند و با شیوه های تهدید آمیز و خشن می خواهند هجوم برده و ابراهیم (ع) را به راه و منطق خودشان بکشانند. البته

توشه گیری از قرآن

ابراهمیم

عصیانگر همیشه تاریخ

شماره ۷

منطقه ای شرک آلود خویش را به ابراهیم (ع) بقبولاند.

روش شناخت فطری و عقلی

ابراهیم (ع) به آنها می گوید: "اتحاجوني في الله" "آیا در مورد خدا با من جدل میکنید؟" ابراهیم (ع) از آنها می پرسد آیا شما در رابطه با خدا می خواهید بحث و جدل کنید. او به خدای واحد عادلای ایمان دارد، که از راه بحث های فلسفی به اثبات آن نرسیده است. بلکه عشق و تیان به پرستش که ذاتی و فطری اوست وی را بسوی تعبد بیشتر پروردگار یکتا هدایت نموده است. خدای ابراهیم (ع) آن خدایی است که برای پرستش آن، باید به فطرت خویش بازگشت.

"اتحاجوني في الله" یعنی همان آیه قرآنی است که می گوید "أفي الله شك" "آیا در وجود خدا شکی هست؟" در خدایی که همان ابراهیم (ع) می پرستند، اما شکی نیست که عده ای خواهند از طریق علوم عقلیه که از دایره محدود فکر انسانی ناشی می شود، او را اثبات کنند. بی شک خدایی که از طریق ذهن محدود انسان قابل اثبات باشد، با استدلالها و منطقهای جدید تر نفی خواهد شد. خدایی که مستقل از ذهن و حاکم بر پدیده ها نباشد، همراه با تجربیات علمی جدید نفی شده و مرتباً باید دنبال خداهای جدید تر گشت.

در اینجا یک تضاد بنیادین:

است و جریانی دیگر به محاسبه و استدلال در مورد خدا می پردازد. در حال حاضر این تضاد بنیادین بین دو جریان است. یکی جریان نهضت اسلامی که اساس فهم را رابطه بین حق و خلق میدانند (رجوع شود به تفسیر الحمد و تفسیر علق امام مکتب شماره ۱۱ از انتشارات نهضت مجاهدین خلق ایران) و جریانات دیگری که اساس فهم را منطق ها و روشهای بشری عم از منطق بشری - غربی یونانیا روش تجربی و روش علمی کلاسیک یا روش دیالکتیکی مادی و علمی میدانند. این جریانات هر کدام، یک طیفی از اختلاف علیه خط اسلامی امام هستند. جریان اول همه انسانها را خدا جومی دانند و جریان دوم می خواهد خدا را اثبات کند.

جریان اول، ایمان به خدا را از طریق قلبیهای تپنده انسانهای نیاز مند و فطرت خدا طلب تمام می پدیده ها میدانند. "يسبح لله ما في السموات وما في الأرض" آنچه که در آسمانها و در زمین است، خداوند یکتا را تسبیح میکنند. این اشیا، نه از راه منطقها و علوم عقلی، بلکه از طریق فطرت خدا دادی و نیاز زدرونی ذکر خدا می گویند.

ابراهیم (ع) می گوید: اتحاجوني في الله وقد هدين" آیا در رابطه با خدا با من بحث و جدل میکنید و حال آنکه او مرا هدایت کرده است؟" ابراهیم (ع) خطاب به قومی که کورکورانه در بندند تصاویر ذهنی خویش باقی و از رشد

در خدایی که ابراهیم می پرستد، اساساً شکی نیست که عده ای خواهند از طریق علوم عقلیه که از دایره محدود فکر انسانی ناشی میشود، او را اثبات کنند. بیشک خدایی که از طریق ذهن محدود انسان قابل اثبات باشد، با استدلالها و منطقهای جدید تر نفی خواهد شد. خدایی که مستقل از ذهن و حاکم بر پدیده ها نباشد، همراه با تجربیات علمی جدید نفی شده و مرتباً باید دنبال خداهای جدید تر گشت.

قوم ابراهیم (ع) هم با چنین قاطعیتی از سوی جریان حق روبرو شده است و عکس العمل نشان میدهند می خواهند با تهدید قلبی و فطری نسبت به خدا معتقد

این بخش از آیه هم معنا بسا آیه "أفي الله شك فاطر السموات والأرض" است. که در آن "اتحاجوني في الله" مترادف "أفي الله شك" می باشد و قد هدين "هم معنا با فطر السموات والأرض" است. به این ترتیب مکتب نیزم و چگونگی هدایت با توجه به "فاطر السموات والأرض" مشخص میشود. یعنی خداوند فاطر فطرت خدا جو و حق طلب را برای تمام می آنچه که در آسمانها و زمین وجود دارد، سرشته است و از طریق جوشش همین فطرت است که انسان مستمراً هدایت شده و تعالی می یابد. (برای روشن تر شدن نقش فطرت در امر هدایت، به شماره ۲ بحث ابراهیم (ع) رجوع شود.) ابراهیم به خوبی میداند که برای رشد و تعالی آن قوم، هرگز نمی تواند از راههای استدلالی و منطقی، آنان را به واقعیت نزدیک کند. چرا که هدایت الهی تنها از طریق فطرت و جوشش درونی است و امری خارجی و مکانیکی نیست. پرستش خدا از نیا زبانیها بیت طلب شروع میشود و نه از عقل محدود.

رابطه ترس از خدا با عشق به خدا

گفتیم که آن قوم گمراه، برای بازداشتن حضرت از مسرتوحید، وی را تهدید می کنند. در اینجا است که ابراهیم (ع) خطاب به آنان می گوید: "و لا تخاف ما تشركون به الا ان يشاء ربى شيئا" و نمی ترسم از آن خدایانی که به آنان شرک میورزید. جز آنکه پروردگارم چیزی را بخواهد."

آنچه که با بددرا این بخش از آیه مورد توجه قرار گیرد، این است که ابراهیم (ع) در برابر مردمانی که وی را از خشم و کيفر بتها می ترسانند، می گوید که از خدا یان مفلوک ذهن آنها ترسی ندارد. اما در عین حال ترس از خدای واحد عادل را نفی نمی کند. ابراهیم (ع) از چیزی نمی ترسد مگر آنکه از جانب پروردگارش باشد. این همان خشیه و خوف الهی است که خود شتاب حرکت انسان بسوی خداوند را تشدید می کند.

اگرچه در رابطه بین انسان با خدا با یعد عشق و نیا زحاکم باشد، اما در عین حال خوف از خشم و قهر خدا و ندکه در درون انسان بصورت نفس لوامه تجلی می یابد، انسان را مستمراً از کجیها به راستیها و از جدا ییها بسوی وصل به پروردگار فرما می خواند و خود

بقیه در صفحه ۱۹

در تمام فطرتها بی استثناء، عشق به کمال مطلق هست. امام حسینی



بنام خدای شهیدان

توضیح :
آز نجا نیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی: همانطور که هستند) تحلیلها را با رورمینما بدین ترتیب شدم مجموعه ای از اخبار مهم روزنامه ها را در بخشی از نشریه که به اینکار اختصاص داده ایم

درج نمائیم .

اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از :
۱- کمک به با روری تحلیل های سیاسی نیروهای مکتبی .
۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران ، منطقه و

با شندوا کرمی بینید در مسیر ضد انقلاب نیستید آنها را تا نسید کنید چون روح اسلام در انقلاب آنها را منقلب خواهد کرد .

اطلاعات ۶۱/۲/۱۱

آیت ا... منتظری در دیدار با مردم : ... بکوشید با اتکای خداوند قادر و توکل به امداد نیروهای غیبی آخرین ضربه را بر باقی مانده نیروهای کفر صدامی و از دسازید و راه کربلای حسینی و قدس عزیز را باز نمائید

اطلاعات ۶۱/۲/۱۴

آیت ا... منتظری در ملاقات با حجت الاسلام حکیم : لازم است که روحانیون متعهد عراق بیشتر از پیش در این امر مهم فکری نموده و سعی کنند رهبری انقلاب اسلامی را در عراق بدست گیرند تا مبادا ابرقدرتها پس از سقوط صدام مهره های وابسته ای را روی کار بیاورند و خونهای پاک مبارزین و مجاهدین عراقی بهدر برود .

آیت الله منتظری در دیدار

با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات : ... آیت ا... که انقلاب اسلامی یکی از اهدافش نجات مستضعفین جهان میباشد مناسب است روز بزرگ ۱۵ شعبان را که سالگرد میلاد با عظمت حضرت امام مهدی (عج) است "روز جهانی مستضعفین" نامگذاری شود .

کیهان ۶۱/۲/۱۶

آیت ا... منتظری در دیدار با وزیر دفاع و کارکنان وزارت دفاع و مدیریت سیاسی ایدئولوژیک : ... شما فرماندهان نظامی در هر جا که هستید سربازان و زیر دستمسان خود را مانند فرزندان تلقین حساب کنید و با آنها با زور عمل نکنید ... به آنان علاقه نشان دهید و حتی با آنها با محبت رفتار کنید شما باید به آنها شخصیت بدهید و دلگرمشان نمائید چرا که گاهی یک سرباز با درجه دار میتواند با تجربه ای که دارد راهنمای شما باشد ... مهیا کردن افراد برای دفاع از اسلام بالاترین عبادت ها است شما نباید منتظر تقدیر این و آن باشید بلکه جرحا مات خود را از خدا بخواهید ... شما نباید زیاده منتظر رسیدن قطعات یدکی از آمریکا باشید زیرا آنها را به شما نخواهند داد .

اطلاعات ۶۱/۲/۲۴

آیت ا... منتظری بمناسبت حرکت فلسطین : ... ملت و دولت ما آماده است پس از پایان جنگ تحمیلی صدام مزدور را تمام قدرت و امکانات خود همدوش با دولت های مترقی عرب به نجات قدس عزیز و ملت مظلوم فلسطین بشتابد .

اطلاعات ۶۱/۲/۷

دشمنان اسلام و ابرقدرتها در داخل و خارج کشور میبایست ... آنچه مورد نظر من است این است که نباید قداست ارگانهای انقلاب اسلامی را از بین برد و آنها را گرفتار تشریفات و کاغذبازی اداری معمول کنیم این ارگانها همچون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب اسلامی ، باید از این قیود دست و پا گیر آزاد بمانند تا بتوانند به انقلاب اسلامی و کشور خدمت نمایند .

اطلاعات ۶۱/۲/۹

آیت ا... منتظری در دیدار با مسئولین سیاسی ایدئولوژیک



نیروی دریایی :

... با توجه به مسئله گذشت در مکتب اسلام سعی تان بر آن نباشد که آنها بی راکه انعطاف پذیر هستند جذبشان کنید و از آنها در مسیر انقلاب استفاده نمائید البته باید حساب ضد انقلاب را در این گروهها جدا کرد ... البته این مسئله باعث آن نباشد که به رده های پایین توجیه نشود به گویه کسانی که حتی به عشق وطن و حب وطن کار میکنند توجه داشتند

فکری مستقیم از روحانیت الهام

بگیرد تا بتوانند مسئولیت سنگین خود را انجام دهد .
اطلاعات ۶۱/۲/۹
آیت ا... منتظری در دیدار با مسئولین آموزش سیاسی ، ایدئولوژیک سپاه ... تا کید نمودند هرگز وظیفه سپاه داخلیت در مسائل جزئی و اختلافاتی که مربوط به دادگستری است نمیباشد بلکه رسالت آن ، حفظ انقلاب از توطئه های جهانی

آیت ا... منتظری
امید امت و امام

بنام خدای شهیدان

کیهان ۶۱/۱/۲۱

آیت الله منتظری در دیدار با فرمانده نیروی زمینی ، آیت ا... کئی ، روحانیت مبارز - وجود تفکر التقاطی در گروهها که باعث رودررویی جوانان بعد از انقلاب شد .
- گسترش تلاش فرهنگی و آگاه نمودن نسل جوان و فریب خورده

تفکر التقاط بعنوان یک جریان است .

راه مجاهد : متاسفانه التقاط بصورت یک چماق تکفیر و حربه ای برای تصفیه در آمده و خود این تکفیر کنندگان هنوز معنای التقاط را نمیدانند و میدواریم که توصیه آیت ا... منتظری کارگزاران

کیهان ۶۱/۱/۲۴

برداشتی از پیام آیت ا... منتظری بمناسبت قیام فلسطینها - حرکت جدید فلسطین را مرحله ای تازه از انقلاب فلسطین دانستند .

شروع حرکت از مسجد مشاهبه

انقلاب اسلامی ایران بود .
میخواهیم از علما و روحانیون مردم را حول محور اسلام بسیج کنند

مردم فلسطین از شیوه های انقلاب اسلامی ایران الهام بگیرند

ملت و دولت آما دگی دارند که به مردم فلسطین کمک کنند .
از کشورهای منطقه خواسته اند از این فرصت الهی استفاده و از فلسطین حمایت نمایند .

کوشش در جهت تشکیل و تقویت جبهه اسلامی برای نجات فلسطین نه از راه مذاکره سیاسی

- ترس ابرقدرتها از تکرار تجربه انقلاب ایران است .

کیهان ۶۱/۱/۲

آیت ا... العظمی منتظری : بکوشید هر چه زود تر راه کربلای حسینی را باز کنید ای دلاوران مسلمان شما سربازان امام زمان هستید ، اکنون ملائکه ... و جنود الهی با شما همگام و همصدا هستند در روزنامه کیهان ۶۱/۱/۸ مقاله ای از جبهه اسلام مصطفی پاینده تحت عنوان تحلیلی از پیامها و رهنمودهای اخیر امام و فقیه عالیقدر آیت ا... العظمی منتظری به چاپ رسیده است . این مقاله دارای چهار محور میباشد که محور اول آن مربوط به اصلاح و ایجاد نظم در حوزه های علمیه ، در زیر قسمت هایی از آن را میآوریم :

الف - اگر چنانچه تصفیه و پاکسازی حوزه ها که امام فرمودند عملی نگردد ، خط و خا طره های طلبه

- نمایان منحرف و جا سوسی چون گودرزی (رهبر گروه فرقان) و سید ضیاء و تقی زاده (دو طلبه نجف کم پس از ضربه خوردن انگلیس در نهضت تنباکوبدانجا میروند)

ب - اگر حوزه اصلاح و تزکیه نشود تنه مغز آن و کوه فکرا ن ظاهر گردد حوزه ها رشد میکنند و اینگونه طرز تفکرها

را رواج میدهند که مثلا در زمان غیبت ولی عصر (عج) حکومت و عدل پانمیگردد و با یدر ژیمی

ج - اگر حوزه های علمیه اصلاح نشود و توسعه نیابد چگونه باید نیازهای فکری نسل جوان و فقر

فرهنگی ، ناشی از رژیم گذشته را در ارتش و سپاه و ادار و کارخانه و مزرعه ، دبستان و دادگستری و روستا و شهر پرا سخ داد ؟ پاسخ نیازهای فکری دانشکاها و مدارس عالی

را پس از بازگشایی چه کسانی باید بدهند ؟ مسئول انحراف فکری نسل جوان بدست گروههای وابسته

در گذشته و آینه چه کسانی بوده - اند و میباشند ؟ - اگر حوزه های علمیه اصلاح و گسترش نیابند چگونه با یدروی آوری شدید

محرومان آفریقا ، هندوستان و دیگر کشورها را بسوی اسلام جواب

داد ؟ ... بهر حال بنظر من میرسد که کسی در دگرگون سازی و ایجاد نظم

حوزه ها جزا قلبیت ظاهر نگردد

داشته باشد ، بخواهد وضع حوزه را در شرایط کنونی با زمان گذشته

مقایسه کند بنا بر این باید به فرمایش امام الف - این کار ،

بویژه از قم شروع شود . ب - آغاز و تدام آن بفرموده آیت ا... منتظری جز با کمک طلاب جوان و

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .

بشتابد .



کلیه فضلا مکان پذیر نیست .
ج - تنها نباید به اصلاح و نظم حوزه های موجود بسنده کرد بلکه بایست مدارس علمیه در شهرها و قم گسترش یابند . د - باید کتابها - ی درسی ملغح گردد . ه - از نیروهای مستعد و جدید حداکثر بهره برده شود . و - گسترش حوزه های تعلیمی بسیار راحت تر از اصلاح حوزه های موجود است .
چون از اول طلاب واحد شرایط با کمیت و کیفیت خوب رشد میکنند و به تدریج نیروهای ناباب منزوی میشوند .

اما م جمعه شیراز در خطبه ۶۱/۱/۱۳ آیاتی از قرآن آورده و طی تحلیل و تفسیر آیه گفت :
تنها با رفتن به جنبه فقیه شدن امکان پذیر است . می گفت ما قبلا نسبت به آیه استنباط دیگری داشتیم که مثلا برای فقیه شدن باید به حوزه رفت . (وماکان من المومنون لینیفرنوا کافه فلو لا نفر من فوقه منهم طائفه لیتفقهو افی الدین توبه آیه ۱۲۲)
ترجمه : نرسد مومنان را که بگویند همگی پس چرا نگویند از هر گروهی از ایشان دسته ای تا دانش جویند در دین

مجله پاسدار اسلام شماره ۴
آیت ا... طاهری نمایند
امام و امام جمعه اصفهان در طی مصاحبه ای با مجله پاسدار اسلام درباره انقلاب فرهنگی در حوزه ها نقطه نظرهای خویش را گفته اند که قسمتی از آن را بطور محوری در زیرمآوردیم :

الف - در سابق نوعاً طلاب یک فقهی میخواندند ، یک عده ای هم غیر از فقه و اصول یک مقداری فلسفه میخواندند و بعضی از مباحث فقه یا اصول ، اینها فقط جنبه علمی داشت و با نیازمندی های جامعه آنچنان که باید و شاید تطبیق نمیکرد - ما معتقدیم که علم را برای خود علم نمیخواهیم بلکه بخاطر نیازمندی های جامعه اسلامی مورد توجه است - این نیازها را باید در قدم اول در حوزه علمیه کم کم شرفیاء م مورد توجه مردم بوده و مرکز روحانیت است جستجو کرد - در حوزه علمیه کم مسائل اقتصادی باید تدریس بشود و مسائل علوم اجتماعی باید تدریس بشود و تحلیلها سیاسی باید مورد بررسی قرار گیرد ضمناً فقه و اصول هم باید مورد تعلیم و تعلم باشند .

حجّه الاسلامها شمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران : این مردم هستند که در جمهوری اسلامی ایران همه کاره اند و مسئولین حدای از آنها هرگز نمیتوانستند گساری بکنند و نقش ما در برابر آنها یک نقش تعدیل کننده است نه نقش تعیین کننده و هر کسی از مسئولین

به مشکلی برخورد کنند به مردم مراجعه میکنند و در هیچ جای دنیا چنین نبوده و نیست که مردم خطوط جامعه را تعیین کنند .
راه مجاهد :

نه نباید مردم زده شدند و نه جدای از مردم بلکه قرائت مردم است . اینکه از مردم بگیریم و یا ملاک رب مردم بازگردانیم (تفسیر امام از سوره علق)
- قسمتی از کتاب ولایت فقیه و حاکمیت ملت "حجة الاسلام سید حسن طاهری خرم آبادی نمایند اما م و آیت ا... العظمی منتظری : و ذیت فقیه . . . ما نئی است الهی و مسئولیتی است که بفرمان خداوند فقیه عهده دار آن میشود و رای و انتخاب مردم در ثبوت آن هیچ نوع نقشی ندارد و چنان نیست که اگر مردم به کسی که از طرف خدا ولایت دار در ای ندادند و او را به رهبری انتخاب ننمودند او ولی امر و امام نباشد و دخالتش در امور داخلی غاصبه و بی دلیل باشد .

آیت ا... صانعی در مراسم تشییع جنازه ۱۰۲ تن از شهدای فتح در اصفهان : امام (امام خمینی) وجود تنزلی ولی عصر هستند .

اطلاعات ۶۱/۲/۹
در سمینار ائمه جمعه : پس از سخنرانیهای مستدل چند تن از ائمه جمعه نتیجه گیری شد که تنها کسی که میتواند خط امام را تداوم بخشد فقیه عالیقدر حضرت آیت ا... منتظری است .

کیهان ۶۱/۲/۹
آیت ا... فاضل قفقزازی مسئول امور حوزه علمیه قم در مصاحبه ای در مورد ایجاد نظم جدید در حوزه گفتند : ما معمدرسین با توجه به تاکید امام و وزعمای حوزه و مخصوصاً آیت ا... منتظری ، بر آن شدند که با طرح ریزی خاص مسائل حوزه را به نظم آورده و به بی نظمی خاتمه دهند ، طرحی تهیه شد و آنچه که دلایل طرح چشمگیر است این است که طلاب هر شهرستان با تعیین یک نفر بعنوان نماینده رابطه خویش را با مسائل حوزه برقرار کنند و از این راه ارتباط و هماهنگی میان تمام افراد حوزه بوجود خواهد آمد و ضمناً استعدادها مشخص و نیروها هر یک در مسیر متناسب خود بکارخواهند رفت .
برنامه های درسی حوزه علاوه بر برنامه سنتی قدیم متناسب با نیازهای جامعه اسلامی و جهان اسلام خواهد بود و طبقاً در این رابطه مسئله مهم تبلیغ جهانی اسلام و گرا بشی که جهان پیس از انقلاب ایران به اسلام نشان داده است . هدفهای این برنامه تربیست افرادی که بتوانند مسئولیتهای متناسب با حکومت اسلامی در رشته های مختلف و تربیت قضات

اسلامی در رشته های مختلف و تربیت افرادی که در ایدئولوژی اسلامی تخصص پیدا کرده و در نهادهای وارگانهای مختلف بتوانند به تعلیم آن بپردازند .

کیهان ۶۱/۲/۱۱
داستان کل کشور : یکی از امتیازات شیعه دژ برابرو حاکمیت غیرمسلمان و مسلمان غیر شیعه در طول تاریخ این بود که روحانیت و مرجعیت شیعه را مردم خودشان انتخاب میکردند . با ارزشهایی که از اسلام و کلمه ائمه اطهار گرفته بودند و شخص دارا ی شرایط را بدون اینکه منصوب کسی باشد دنبالش می رفتند .

جنگ

رادیو آمریکا ۶۱/۱/۱۱
بنقل از واشنگتن پست : جنگ ایران و عراق درگیریهای عراب و اسرائیل را از یادها محو کرده و همه دیده ها را متوجه خود ساخته است عقب نشینی عراق از دو موضع ، نقطه عطفی در جنگ پدید

که صدام متوجه شده تصمیم به جنگ با ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ القمه ای بزرگتر از دهانش بوده است . حال در صد دبر آمده که تا قبل از سپتامبر امسال خود را از این ماجرا بیرون کشاند مسئله ای که اکنون مطرح است دوام رژیم صدام است که بتواند عقب نشینی نظامی را پشت سر گذارد و وفاداری نیروهای نظامی - اش را همچنان حفظ کند ، دیگر اینکه سه گروه عمده در عراق با حکومت صدام مخالفت ورزیده اند یعنی اعراب شیعه ، کردها و کمونیستها در چنین موقعیتی آرام بنشینند ، یا اینکه سعی کنند از این مشکلات بترسند خود بهره برداری کنند که چنین وضعی می تواند به سقوط صدام کمک کند .

این نشریه خاتمه جنگ را و نشریه دیگر ادا مه جنگ را شیوه حفظ صدام میدانند .

کیهان ۶۱/۱/۱۴
آقای خامنه ای : تنها امنیتی که میتواند در نوشت آینه عراق را رقم بزند ملت و صاحبان سرزمینند اگر سلطه گبران بخواهند صدام جدیدی بترانند

عراق دارا گر آنها مانند مردم ایران حرکت کنند خواه است امپریالیسم بجائی نخواهد رسید
کیهان ۶۱/۱/۱۵
مصر که از نتایج پیروزیهای ایران در جنگ نگران است از آمریکا خواسته اقداماتی در این مورد انجام دهند . و احد مرکزی خبر رادیو آمریکا گفت نیروهای طرفدار آمریکا در خلیج از مصر خواسته اند که نیروی نظامی در اختیارشان گذارد .

اطلاعات ۶۱/۱/۱۵
سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی گفت : ما با پیروزی در عملیات فتح بزرگ موفق شدیم حداقل لشکر خود را صرفه جویی کنیم . وی ضمن اشاره به آینه حکومت صدام گفت : صدام سه راه بیشتر در پیش ندارد : یا اینکه فرار کند و یا اینکه و راه زودی خواهد گذشت و یا اینکه به فرمایش امام توجه خواهد کرد و انتخاب میکند .
راه مجاهد :
بنظر میرسد که منظور امام این است که کار صدام به آنجا بگردد که خودکشی کند و نه اینکه امام



آزرد
صدام در پیامی که برای ارتش عراق فرستاد گفت که ارتش ایران به پیچیده ترین سلاحها مجهز شده ، صدام برای نخستین بار در مورد هجوم نیروهای ایران به داخل خاک عراق ابراز نگرانی کرد . معذالک وی تاکید کرد عراق مصمم است جنگی را که ایران به این کشور تحمیل کرده ادا نمدهد .
رادیو آمریکا ۶۱/۱/۱۲
کریستین ساینر مانیاتور : عراق که از این تحول تکان خورده است در جستجوی یافتن راهی برای خاتمه جنگ است هنوز رود است که بتوان به یقین گفت عراق در زیر فشار نظامی ایران خرد می شود از چند هفته اخیر کاملاً آشکار شده
اطلاعات ۶۱/۱/۱۴
حجّه الاسلامها شمی رفسنجانی در بیان جلسه شورای عالی دفاع گفت : بنظر میرسد که افق آینده جنگ را میتوان روشنتر دید وی در مورد تعیین جانشین توسط استکبار جهانی بجای صدام گفت : بی شک امپریالیسم چه شرقی و چه غربی از منطقه بین السهرین (عراق) نسادگی نخواهد گذشت . این تلاش دارد در آنجا حضور داشته باشد و مایل نیستند مانند ایران مردم حاکم باشند و تلاش میکنند پیش از آنکه حکومت مردم تثبیت شود بهره جینی کنند ولی در مورد این که تا چه حد موفق می شوند بستگی به توان و تلاش مردم

حکم به خودکشی میکنند .
اطلاعات ۶۱/۱/۱۵
رویتر - عربستان از بیم اینکه ایران احتمالاً انقلاب اسلامی را به بخش عربی خلیج فارس صادر کند در این مناقشه طرف عراق را گرفته و به تلاشهای جنگی عراق کمک زیادی کرده است .
راه مجاهد :
سقوط شاه درس عبرتی برای سران وابسته به آمریکا نشده و باز هم به صدام روبه افول کمک نظامی میرسانند .
اطلاعات ۶۱/۱/۱۷
بگفته یک منبع بسیار موثق صدام ارتش عراق که اینک پی به واهی بودن جنگ برده اند به پناه حمله نیروهای مسلح بقیه در صفحه ۱۴

چاره‌خا مشی در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بنام خدای شهیدان

از مجموعه مصاحبه‌ها و خبرهای رادیوتلوویزیون و مطبوعات این طورا استنتاج می‌شود که چهار خط مشی در مورد سپاه پاسداران موجود است.

الف - خط مشی که می‌خواهد سپاه بعنوان یک "کیفیت محدود" انقلابی و جوهری عمل نموده و طوری عمل نماید که شهر با نیوژاندرمری ارتش وزارت خانه‌ها از روی میل و رغبت با سپاه همکاری نمایند در این خط مشی سپاه اینطور تعریف شده که وظیفه اش تنها حفظ آب و خاک نیست بلکه مهمترین وظیفه اش در رساندن پیام اسلام به مستضعفین جهان و همچنین مبارزه با توطئه‌های ضدانقلاب در داخل و خارج است. و نباید خود را مشغول کارهای دادگستری و شهر با نیوژاندرمری و دخالت در امور دیگر بنماید.

ب - خط مشی که می‌خواهد سپاه را زیر پوشش سیاسی ایدئولوژیک در آورده در آن خط مشی نیتها متفاوت است عده‌ای می‌گویند سپاه یک قدرت یک بعدی و نظا می شده و اگر زیر پوشش سیاسی نباید منحرف خواهد گشت. اینها بیسم دارند اگر سپاه زیر پوشش سیاسی ایدئولوژیک خط امام نباشد ضربه ۵۴ تکرار میشود. عده‌ای از آنجا که بنا به فرمان امام اعضاء و گروهها نباید در سپاه باشند می‌خواهند سپاه را از طریق دیگر زیر پوشش خود در دولت و نظا م جمهوری اسلامی در آورند.

ج - جریان‌هایی است که میخواهد سپاه بعنوان یک کمیت گسترده عمل نموده و همه جا دخالت کنند حتی دخالت در تعیین فرماندار، استاندار، رئیس آموزش و پرورش، گزینش، تصفیه‌ها و...
د - جریانی است که میخواهد استقلال سپاه را گرفته آن را تجزیه و در وزارت خانه‌ها ادغام نمایند. و احدا اطلاعات را در وزارت اطلاعات و احدهنضت‌های آزادبخش را در امور خارجه، و احده عملیات را در ارتش، و احده تبلیغات فرهنگی و ایدئولوژی را در وزارت ارشاد.

راه مجاهد:

ما امیدواریم از آنجا که امام خمینی آیت‌الله... منتظری را مشغول رسیدگی به امور سپاه کرده اند به نقطه نظرهای ایشان در مورد خط مشی سپاه توجه شود.

بنام خدای شهیدان

انگیزه نگارش برای جوانان این ابهام وجود دارد که امام زمان (عج) یک تنه چطور میتواند با ابرقدرت‌های زمانه مبارزه کند؟ چطور میتوانند یک تنه به سلاحهای زمان دست یابند؟ کجا درها و سربازان او کجا یابند؟ درحالی که باطل روزبه روز به سلاحهای مدرن تر و پیچیده تر و مخرب تر دست می‌یابد.

یک خیرا ستر تژیک: در اخبار این شماره از راه مجاهد می‌فراهم گه مهماتی که در جنبه اسلام علیه کفر بکا ر برده میشود هماتنها بی هستند که از خلع سلاح دشمن متجاوز بعث عراق بدست آمده، و عبارتی مهمات بکا ر برده شده در جنبه‌ها همان غنائم جنگی هستند که در پیروزیهای "ثامن الاقصه" و "طریق القدس" و "فتح المبین" بدست آمده است. در ابتدای جنگ سه خط مشی برای دفع تجاوز پیشنها میشود:

الف - دفع تجاوز از طریق صلح بین المللی که منجر به سازش بین المللی میشود و مواجه با توتوی ابرقدرتها میگشت این شیوه را اولاف پالعه‌ها و میا نجیهای دیگر تبلیغ میکردند.

ب - دفع تجاوز از طریق جنگ کلاسیک که لازمه اش تدارک ارتش کلاسیک و لازمه آن باز کردن شیرهای نفت به هر قیمت و خرید اسلحه و تجهیزات سنگین برای ادا مه جنگ بود. که این راه هم تدریجا ما را به وابستگی میکشاند یعنی اگر کارتلهای توطئه گرانفتی تصمیم بگیرند به یکباره نفت نخرند تداوم دفع تجاوز را مخدوش میکنند و تضمین برای ادا مه جنگ دراز مدت نیست.

ج - دفع تجاوز به شیوه فهمیده‌ای جنگ برهبری امام و بشیوه بسیج مستضعفین و با سلاح خودکفا و صبورانه و دراز مدت بعبارت دیگر دفع تجاوز از طریق اسلامی، انقلابی، و بقاء رزمنده و نه مرگ شتابان.

علائم ظهور
۱ - رشد و کادرسازی: بسیر دفع تجاوز با فرازونشیتها بیکی داشت با لخره در مسیر سوم فوق الذکر برهبری امام قرا ر گرفت. شیوه فهمیده‌ای جنگ، مشی استقلال طلبانه و خودکفائی است که ما را نه به کارتلهای نفت

درسهایی از بیت المقدس خونین

امام زمان و دستیابی به سلاح زمان

نفاق و بیچیدگی نفاق است چرا که منطق حق گسترش پیدا کرده و کسی را یا رای مقابله آشکارا آن نیست.

علامت ظهور امام زمان (عج) چنانکه بعضی ما ز ما نیها که خود را به آنحضرت می‌چسبانند و تبلیغ میکنند نیست. آنها علاقم ظهور را گسترش فساد و تائید تلویحی فساد و دامن زدن به آن میدانند. بعضی کمونیستهای ابزار رگرا هم منطقتان اینست که صبر کنیم تا ابزار پیچیده شده و میزان استثمار زیاد گردد تا جا معاید آله فراهم شود، که تلویحا نوعی تائید فساد است.

البته علامت واقعی ظهور همین رشد و گسترش حق و نیروهای حق طلب است. علامت ظهور همین منتظران شهادت و ظهور در جنبه‌ها و سنگرها هستند که روزها می‌فرزند و شبها عبادت میکنند و سر را به دیوار سنگرمی‌کوبند و درحالی که مجهز و مسلح و هوشیار و انقلابی عمل میکنند منتظر ظهور امام نیز هستند تا حکومت جهانی واحد را مستقر سازند. اینها رهپویان آزادی قدس از طریق کربلا به رهبری امام خمینی هستند اینها مکانیزم غلبه حق بر باطل را نشان میدهند و بریقین ما می‌افزایند و راه و روش شان پشتوانه مستضعفین جهان است. اینها ظهور امام زمان (عج) را برای ما ملموس میکنند.

راه مجاهد: از خواهان و برادران خواننده تقاضا میشود که با خبرهای استراتژیک برخورد فعال نموده و از این نوع مقالات برای ما بفرستند.

سلاح زمان به چه شکلی صورت میگیرد... دیری نمیگذرد که رشد و گسترش انقلاب اسلامی موجب میشود تا واکنشهای امریکایی هم که وظیفه عمده شان سرکوب نهضت‌های اسلامی است بدست جبهه مستضعفین بیفتد. اسلحه‌ای که در طی سیرجهاد و شهادت به آن دست یابیم همان حاکمیت خون بر شمشیر است هر چند سلاح پیچیده باشد.

۲ - گسترش و نفوذ حق در باطن: یک سنا تورا امریکایی در مجلس امریکا گفته بود که اگر آواکس به عربستان بدهیم موجب میشود توده‌های عربستان بسیج شوند و انقلابشان زودتر برسد. این سنا تور معتقد است که فساد و آواکس به عربستان موجب میشود که وابستگی عربستان به امریکا آشکار شده و لذا مستضعفین آنجا انگیزه مندگشته و بسیج شوند. رشد نهضت اسلامی به حدی از عمق و گسترش رسیده است که مستکبر امریکایی به استکبار باطل بودن و فساد بودن آل سعود شک نکرده و قیام می‌نمایند. اینجاست که نفوذ منطق کلمه حق را در درون باطل می‌بینیم. سنا تور امریکایی می‌ترسد آبروی ملک خالده بریزد و وابستگی اش به امام الفسادی روشن شود. اینجاست که امام الفسادی به فساد بودنش اعتراف میکند و این همان نقوذ حق در درون باطل میباشد.

۳ - از بین رفتن کفر آشکار و پیچیده تر شدن نفاق: همچنانکه در دعای افتتاح میخوانیم در آستانه ظهور امام زمان (عج) دیگر کفر آشکاری نیست، آنچه هست

و وابسته میسازد و نه ملزم به خرید اسلحه از فراملیتهای نظامی بلکه با تکیه به بسیج توده‌های مستضعف و مومن و فطری مبارز را قادر میسازد که کلیه ما یحتاج خود را اعم از ساز و برگ و تجهیزات و مهمات از دشمن متجاوز تهیه کنیم. امریکاییستها عراق را تا دندان مسلح میکنند و این اسلحه‌ها در جنبه‌های جنگ اسلام و کفر تدریجا بدست رزمندگان اسلام میرسد. در این رابطه هم دفع تجاوز کرده ایم و دفاع که بهترین عبادت است، و هم استقلال خود را حفظ نموده ایم. و خودسازی و کادرسازی نیز کرده ایم.

نکته نورانی و قابل تذکر مهمی که وجود دارد همانا ملموس شدن نحوه کار امام زمان (عج) است. منتظرین شهادت و ظهور آنچنان روشن ضمیر میگردند که علامت تعیین ظهور را در جنبه‌های اسلام و کفر کمپ دیویدی می‌بینند. می‌بینند که سلاحهای پیچیده و مدرن در عمل ما لحد دفع تجاوز بدست رزمندگان اسلام می‌افتد. می‌بینند که رمز پیروزیها در بسیج مستضعفین به رهبری امام و ایدئولوژی امام نهفته است. آنوقت جمع بندی میکنند می‌گویند وقتی نایب امام زمان طی انقلاب اسلامی به هفتاد میلیار دلار اسلحه‌ای که طاغوت فراهم کرده بود دست یافت، و وقتی که می‌بینند در طی دفع تجاوز و بشکل انقلابی به این همه اسلحه و مهمات دشمن دست می‌یابیم، آنوقت برای شان روشن خواهد شد که نحوه دستیابی امام زمان (عج) به

علائم ظهور
۱ - رشد و کادرسازی: بسیر دفع تجاوز با فرازونشیتها بیکی داشت با لخره در مسیر سوم فوق الذکر برهبری امام قرا ر گرفت. شیوه فهمیده‌ای جنگ، مشی استقلال طلبانه و خودکفائی است که ما را نه به کارتلهای نفت

برای جوانان ما این ابهام وجود دارد که امام زمان، یک تنه، چطور میتواند با ابرقدرت‌های زمان مبارزه کند؟ چطور میتواند یک تنه به سلاحهای زمان دست یابد... آنوقت جمع بندی میکنند و می‌گویند وقتی نایب امام زمان طی انقلاب به ۷۰ میلیارد دلار اسلحه‌ای که طاغوت فراهم کرده بود دست یافت، روشن خواهد شد که نحوه دستیابی امام زمان به سلاح زمان به چه شکل صورت میگیرد.

۲ - هرکس در هر جا با پیدر صددا یجا دو پیوند با تشکلهای الهی باشد...
۳ - هرچه انقلاب عمیقتر میشود و شتاب آن بیشتر میگردد چنین تشکلی لازم و فطری تر و اما متنی ترمیشود در شماره آینده بحث خواهیم نمود که نحوه دستیابی به چنین تشکلی چگونه است. "والسلام"

سازماندهی و مکتب
۱ - تشکل الهی و سازماندهی پرتحوالی که وسیله تقرب و تکامل انسانها باشد امری لازم و ضروری و حتمی است.
۲ - بدون چنین تشکلی رشد و تکامل انسان امکان پذیر نیست.

شما احتمال این معیاران دهید که گفتار ۳ و مدل شما پیروز شده است... آنچه شمارا پیروز کرد، ایمان شماست. امام خمینی



جمهوری اسلامی ایران به بغداد به سه لشکر بعثی دستور داده است تا بغداد را به محاصره خود در آورند

اطلاعات ۶۱/۱/۱۹
خبرگزاری فرانسه - عراق
صدام حسین با ردیگرپیوند عراق را به پیمان دوستی و همکاری منعقد با شورری در آوریل ۱۹۶۲ را طی پیامی مورد تأیید قرار داد. صدام در این پیام مینویسد: این پیمان نمونه‌ای از تقویت نبرد خلقها علیه امپریالیسم و برای جلوگیری از هرگونه مداخله در منطقه خواهد بود. این پیمان همچین نمونه‌ای از همکاری بر اساس منافع دو کشور در جهت یک صلح عادلانه است که استقلال مردم منطقه را مستحکم میکند.

راه مجاهد:

باشیم، امام حسین (ع) دلخون است... اگر میگویند باید تکیه کنیم امام در سال ۴۱ گفتند: در شرایطی که اساس اسلام در خطر است تکیه حرام است.

کیهان ۶۱/۱/۲۸
محسن رضائی: ما به جنگمان ادامه میدهم تا صلح عادلانه را دشمن بپذیرد و دنیا به این نتیجه برسد که با ید متجاوزان محاکمه کرد... همکارانی نیروهای مردمی همدوش دیگر رزمندگان نیز نوعی امداد غیبی است و ما بیاری خداوند و با ایثار رزمندگان حاضر در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها بملیاتمان راهمچنان ادامه میدهم و موفقیتمان را مساوی با تلاش مردم میدانیم.

اطلاعات ۶۱/۱/۲۸
آیتا... مشکینی در خطبه‌های نماز جمعه... بدانید این مردم هستند که تمام نیروها و مخارج جنگ

میدانند، اشتباه سوم صدام تکیه ملی‌گرائی او تحت پوشش قادیسه صدام و علت شروع جنگ توسط او است

کیهان ۶۱/۱/۳۱
احمدسکوتوره: ما ما یلیم جنگ بیایان برسد ولی نه هرپایانی ما به این امر واقفیم و ما نمی‌خواهیم هیچ یک از دو دولت تحمیل و توهینی بشود... رئیس‌جمهور: ... این جنگ با یستی به شکلی بیایان پذیرد که متجاوزان با طر تخاصم تشویق شود دوم اینکه نگوئید قاضی نیستیم زیرا هر نوع میا نگیری خود شامل نوعی قضاوت است.

اطلاعات ۶۱/۲/۲
تحلیل رئیس مجلس از حکومت آینده عراق: ... این اواخر دیگر این را نمی‌گویند بلکه می‌گویند عراق بدون مذاکره هم بیرون برود اما ما نمیدانیم که صدام این را پذیرفت یا خیر البته در



خبرگزاری فرانسه: ... سیاست اقتصادی جدید عراق بعد از این برای نیازها و کوششهای مربوط به جنگ نسبت به دیگر احتیاجات این کشور اولویت قائل شده است.

کیهان ۶۱/۲/۱۴
اکثر رسانه‌های گروهی و خبر-گزاریهای خارجی خبر پیروزیهای دلاوران اسلام را گفته‌اند.

کیهان ۶۱/۲/۱۶
معاون حقوقی وزارت خارجه: ... از نظر عرف بین الملل عراق با منفجر کردن هواپیماهای الجزایری مجرم بین المللی محسوب میشود.

راه مجاهد: با انفجار هواپیماهای الجزایری شاید امپریالیستها میخواهند با طر مجرم بودن صدام را سرنگون کنند و تا از موضع پیروزیهای جنگ اسلام بر قدرت اسلام نماند.

کیهان ۶۱/۲/۱۶

با این ستاد تماس حاصل نمایند

کیهان ۶۱/۲/۱۱
پیام تبریک حجت الاسلام حکیم به امام خمینی: با عرض سلام این پیروزی بزرگ که نیروهای اسلام در آغاز عملیات گسترده با رمز "یا علی" تحقق بخشیدند باعث شد تا انسان مسلمان ما به اسلام بزرگ ببالند و افتخار کند این پیروزی که در رهبری حکیمانانه شخص بزرگوارتان و این امت بزرگ که اسلام آن را به یک نیروی عظیم و مقتدر مبدل ساخت و این جباران و مستکبران را در برابر او حقیر و کوچک گرداند ما به شما تبریک و تهنیت میگوئیم از خداوند متعال مسئلت داریم که پیروزی نهائی اسلام و مستضعفین علیه نیروهای کفر و استکبار رجحانی را بدست مبارکشان بر آورده گرداند و فرخنده جمهوری اسلامی را در سرزمین عراق برپا کند...

کیهان ۶۱/۲/۱۱
پیام نخست وزیر بمناسبت جهلم شهدای فتح المین: ... تا زمانی که متجاوزان به شرایط ملت بپا خاسته ما تمکین ننموده ما به عنوان نمایندگان شما مردم غیور هیچ مصالحهای با آمریکا سلطه‌گر و کسانیکه دستشان بخون عزیزان ما آلوده است نخواهیم کرد.

بمب خوشه‌ای، بمب وصیت نامه

بنام خدای شهیدان

بعث عراق در خط مشی جوهرکشی خود بمب خوشه‌ای بکار می‌برد که چندین نفر را از پای در آورد.

هر شهیدی که از ده یا شهر خود تشییع جنازه میشود صدها و بلکه هزاران نفر را بسیج میکند و جبهه می‌آورد و مردم به محتوای وصیت نامه که توجه می‌کنند، وصیت نامه را که میخوانند خود می‌بازند (بوم تر جف الراجفه) از جا کنده می‌شوند (نازعات) و با خوشحالی به جبهه میروند (ناشطات) تا با سرود توحید (سابعات) در شهادت و عمل صالح سبقت گرفته (سابقات) و پیشتان مبارزه اسلامی ضد کمپ دیویدی شده و رهبویان آزادی قدس می‌گردند.

خون هر شهید راه خدا می‌جوشد و هزاران نفر را زنده میکند و بسیج می‌نماید. صدام با دیدن تسلیم اسلام شود و لاسیرش بسمتی است که روانی شده و خودکشی کند. بمب وصیت نامه و بسیج حاصل از آن نتیجه دنیوی شهادت است که در سایه رشد خود شهید بدست می‌آید.

اخبار داخلی

کیهان ۶۱/۱/۱۴
رئیس‌جمهور: غروری که ما را از کمک خدا و ندغا فل کند، سرت مستی و غفلتی که چشم ما را از کید مکر دشمن ببندد بزرگترین بلاي انقلاب ما است.

کیهان ۶۱/۱/۱۴
دکترو لایتی پس از بازگشت از سفرش به پاکستان در مورد یادداشت تفاهمی که در پاکستان مذاکرات با مقامات پاکستانی به امضاء رسید گفت: این یادداشت تفاهم در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی - تجارتي و نفتی به امضاء رسید.

کیهان ۶۱/۱/۱۴
احمد توکلی سخنگوی دولت:

کیهان ۶۱/۲/۱۲
خبرگزاری جمهوری اسلامی وزیر خارجه کویت در ملاقات با دکترو لایتی: ... این حق ایران است که اراضی اشغال شده اش را باز پس بگیرد.

کیهان ۶۱/۲/۱۳
حجت الاسلام خا منهای: ... شرایطی که ذکر کردیم یکی که همان رسیدن به مزه‌های بین المللی باشد بوسیله خودمان تأمین شده این دلیل آن نمیشود که ما آن دو شرط دیگر را که عبارت است از محاکمه صدام و رژیم متجاوز بغداد و همچنین گرفتن غرامت نادیده نگیریم آن دو شرط بقوت خود باقی است.

کیهان ۶۱/۲/۱۳

بین این هیاتها کسانی هستند که میخواهند جنگ تمام شود و همان چیزی است که ما هم میخواهیم جنگ تمام بشود منتها با حق.

کیهان ۶۱/۲/۴
عراق و ترکیه بر سر لوله نفت کرکوک - مدیترانه مذاکره کردند.

اطلاعات ۶۱/۲/۷
دعای وحدت و نماز جماعت اسرای عراقی در تهران برگزار شد.

کیهان ۶۱/۲/۹
ستاد اعزام روحانی به جبهه مستقر درجا مع روحانیت مبارز تهران در اطلاعیه‌ای از روحانیون تهران، شهرستانها و روستاها که جهت انجام وظایف تبلیغی قصد عزیمت به جبهه و ملحق شدن به رزمندگان عزیز را دارند خواست

را تا مین و رحمت آن را تحمل میکنند، این جنگ، جنگ دولتی نیست، جنگ ملی است... جبهه‌های ایران دانشگاه اسلامی و محل پیاپی شدن احکام قرآن است تفسیر راه مجاهد: قرآن راهنمای عمل شده است.

کیهان ۶۱/۱/۳۰
هفته‌نامه بزرگوار چاپ لندن: صدام مرتکب اشتباه شده است: اشتباه نخست او اخراج آیتا... خمینی از نجف برای حفظ روابط نزدیک و دوستانه خود با شاه معدم ایران، اشتباه دوم صدام اعدام رهبر مذهبی شیعیان عراق آیت محمد باقر صدر و خواهر بنت الهدی در آوریل ۱۹۸۰ بود که در قلوب مسلمانان کینه عمیقی نسبت به صدام بوجود آورد و مردم عراق آنرا جنایتی علیه اسلام

صدام امریکایی، شوروی را هم به بازی گرفته است از آن طرف شوروی میگوید نسا بدگذاشت صدام کا ملاب لرف عربستان رود غافل از اینکه بعد از کودتای بعثی هاعلیه عبدالکریم قاسم عراق در خط وابستگی به کمپانیهای نفتی بوده است و مسلح کردن عراق یعنی مسلح کردن کمپانیهای نفتی

اطلاعات ۶۱/۱/۲۰
الکساندر هیگ طی مصاحبه ای با الانزاب چاپ قاهره گفته است که امریکا هیچگونه تغییر ناشی از جنگ ایران و عراق اوضاع منطقه و یا فعالیت علیه حاکمیت - های حوزه خلیج فارس و عربستان را نخواهد پذیرفت که حفظ حاکمیت ارضی ممالک این منطقه برای امریکا، اروپا و کلیه کشورهای صنعتی اهمیت حیاتی دارد و مهمترین خطری که کشورهای منطقه را تهدید میکنند نیت و مقاصد شوروی است او افزود که شوروی این خطر را مستقیم یا غیر مستقیم با استفاده از نهضت‌های افراطی در منطقه و یا تشکیلات نهضت‌های نظامی متوجه ممالک این منطقه میکند.

راه مجاهد:
بنظر ما از فرمول هیگ توقف جنگ از طریق صلح آیکی در می‌آید.

جمهوری اسلامی ۶۱/۱/۲۴
صدام در مجلس ضمانت خواسته ایران شهرها پیش را بمباران نکند. از نیروهای خود خواسته در ایران بماند تا ضلعتی بگیرند که ایران شهرهای عراق را بمباران نکند.

راه مجاهد:
کوتاه آیدن تدریجی.

آیتا... صانعی در مراسم تشییع جنازه ۱۰۲ تن از شهدای فتح در اصفهان در راه بطه با عدم حرکت روحانیون در عراق گفتند: تاکی ما شهید بدهیم و منتظر حرکت شما



حوزه‌ها نیز هیئت‌هایی تشکیل و طلاب و محصلین همه و همه جز درصد بسیار ناچیزی همواره حامی انقلاب بوده و در راه پیش برد و بشمر رساندن آن کوشش کرده‌اند... آیا قلم این سرمقاله در دست دشمن نبوده است؟ یا همانطور که تذکر داده ایم لازم نیست دست‌اندر کاران و نویسنده‌گان کیهان مورد تصفیه جدی قرار گیرند، تا اگر

خارج آوردند که اینها در قم درس اسلامی بخوانند اینها جزو دارالتبلیغ هستند من بدولت میگویم بعضی از این دانشجویانی که از خارج آمدند و درس میخوانند قابل اعتماد نیستند اینها باید از کشور اخراج شوند.

درايران بودید و حسن نیت دولت و ملت و دستگای رهبری مارا مشاهده کردید و بخوبی دریافته‌اید که سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دوستی با دولتهای است که قصد تعرض ندارند مخصوصا همسایگان ما... اما میداورم در بازگشت به کشورتان بکوشید تا دولت شما نیز رفتار مسالمت جویانه دولت و ملت ما را سرمشق قرار دهد.

امپریالیستها سعی میکنند تا این جنگ را بین ایران و منطقه جنوب دهند. این جنگ بین یک تجاوزگر و ملتی است که از حق خود دفاع میکند. راه مجاهد. کلاکمپ دیوید با ما سرچنگ دارد.

اطلاعات ۶۱/۲/۴
فرمانده سپاه پاسداران... پس از پایان پیروزمندانسه و سریع جنگ نخست پس از ضد انقلاب داخلی در کردستان و شمال کشور و دوم شرکت فعال در کنار ملت فلسطین برای مقابله با صهیونیستها خواهد بود.

رادیو آمریکا ۶۱/۱/۱۶
اخبار رادیو آمریکا بعد از عملیات فتح برای این استوار بود که: تولید نفت از ۶ میلیون بشکه به کمتر از یک میلیون تقلیل یافته، وضع اقتصادی بد است و... بیکاری و هزینه جنگ زیاد است و... راه مجاهد:

اطلاعات ۶۱/۲/۲۴
آیت الله منتظری بمناسبت حرکت فلسطین... ملت و دولت ما آماده است پس از پایان جنگ تحمیلی صدام مزدور با تمام قدرت و امکانات خود همدوش بلدولتهای متوقی عربی به نجات قدس عزیز و ملت مظلوم فلسطین بشتابد.

۱ - امپریالیسم خبری رشد انسانها را به نداد و از رشد نیروی چریکی خود کفایت وحشت دارد لذا با بزرگ جلوه دادن مسائل اقتصادی میخواهد جو صلح آبگری زمین سازی کند.

اطلاعات ۶۱/۲/۶
حجت الاسلام رفسنجانی در دیدار با دانشجویان دفتر تحکیم وحدت: ... به منحرفان نیز با چشم عنایت نگاه نمیکنیم بلکه با آنان بصورت یک مریض برخورد میکنیم... ما باید در مواردی هم که بعضیها با دیدن جهت انحرافشان... ریبین میروند و به انسان خوب تبدیل میشوند توجه داشت و با نشان دادن ملامت و عفو اسلامی آنها را جذب کرد.

۲ - پس از پیروزی فتح المبین ولرزیدن موجودیت اسرائیل و همزمان با کنفرانس غیرمتعهدها در کویت و فشار زیاد برای صلح آبگری با عراق و محکوم نکردن تجاوز شوروی در این کنفرانس، حمله‌ای از طرف افغانستان به منطقه رباط در مرز پاکستان و افغانستان شد.

اطلاعات ۶۱/۲/۹
حجت الاسلام رفسنجانی در مجلس شورای اسلامی منجمله کمیسیون دفاع توجه کامل به رسالت عظیم سپاه پاسداران دارند و خدمات آنها را هیچکس نمیتواند نادیده بگیرد... فقط نگرانی آن بود که اختیارات وزیر پیش از حد لازم است، خوشبختانه مجلس طرح ویرانه ریزی را از وزیر گرفت... ما موریت سپاه که اساس آن مبارزه با ضدانقلاب است در اولین بخش آن قرار گرفت.

بنظر میرسد این حمله یک بازی سیاسی باشد تا عملیاتی نظیر فتح المبین ادا نمائید و در درون حاکمیت بر سر ادا جنگ و یا عمده کردن شوروی اختلاف افتد کیهان ۶۱/۱/۱۶
احمد عزیزی در ملاقات با سفیر شوروی: احساسات مردم مسلمان ایران که نسبت به قدرت‌های خارجی از عملکرد و چگونگی مواضع این قدرتها نسبت به انقلاب اسلامی ایران نشات میگیرد.

اطلاعات ۶۱/۲/۱۶
کیهان طی مصاحبه‌ای رهبری سازمان پیکا جنگ چریکی را از موضع مارکسیستی محکوم کرد و همچنین از این موضع حنیف نژاد راوی با جنبش ملی‌مجاهدین در این رابطه برخوردی نکرد.

دکترو لایتی با رئیس امارات عربی متحده دیدار و گفتگو کرد... در این ملاقات روابط بین دو کشور و وضع خاور میانه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. دکترو لایتی در مصاحبه‌ای گفت: با توجه به موضع مثبت اخیر امارات متحده عربی طبیعی است که در آینده روابط فیما بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی نزدیکتر شود.

اطلاعات ۶۱/۱/۲۸
کیهان فخرالدین حجازی نماینده مجلس... یک عده دانشجویان

کیهان ۶۱/۱/۱۹
رئیس جمهور در دیدار با سفیر شوروی: شما از اول انقلاب

مراحل توطئه‌ها و افول امپریالیسم:

- ۱- افشای حقوق بشر کارتر (جیمی کراسی عوام فریبانه)
- ۲- افشای حیلہ شرکتهای فراملیتی (جیمی کراسی فراملیتی‌ها جیمی کراسی - تراستها)
- ۳- افشای جیمی کراسی نظامی (دندان تیز امپریالیسم)
- ۴- افشای جیمی کراسی پلیسی یا حاکمیت سازمان مخوف سیا

قلم‌زنانی هستند که گویا هستند در پی فرصت میگردند تا هر وقت حادثه‌ای پیش آید و آب گل آلود شود و نفع ایده‌های باطل خود ما می‌گیرند تصفیه شوند.

کیهان ۶۱/۱/۳۰
کیهان در مقاله‌ای تحت عنوان نگاه اندرنگاها نوشت... نویسنده از فرزندان همین انقلاب و دلسوز و علاقه مند به روحانیت متعهد است... ما صریحا به اشتباه حاصل از:

۱ - نوعی عصیانیت موضعی حاکم از علاقه به اسلام و انقلاب اسلامی و امام م...
۲ - تراکم کار و عدم مذاقه سزاوار و مناسب در کلمه به کلمه مقاله‌ای اینچنین حساس...
۳ - به تاخیر زیاد از حد یک سخنرانی پیش از نماز جمعه، اعتراف میکنیم.

جمهوری اسلامی ۶۱/۱/۳۱
روزنامه جمهوری اسلامی پس از مقاله ۶۱/۱/۳۰ کیهان در مقاله - ای تحت عنوان فرجام نیک نوشت: ... پس از مطالعه توضیح شورای سردبیری و توضیح حضور یکی از اعضای شورای سردبیری و تحقیقی که در این زمینه شد معلوم شد نویسنده مقاله "آپ وقت آن نرسیده... از فرزندان همین انقلاب و دلسوز و علاقه مند به روحانیت متعهد است... بنا بر این از نظر ما مسئله خاسته یافته تلقی میشود و امیدواریم برادر متعهد و دلسوز از این رهگذر به این تجربه دست یافت باشند که هیچگاه از روی احساسات

از آنها فی که در ارتبلیغ اسلامی تشکیل میدهند و دانشجوی خارجی میا و روند که در اسلام میخوانند در خوابگاه‌ها دانشجویان دستگای بی‌سیم پیدا میشود یعنی چه خطرا اینجا است.

کیهان ۶۱/۱/۲۸
طی مقاله‌ای تحت عنوان "آیا وقت آن نرسیده است که روحانیت هم تصفیه شود؟" نوشته است... بزرگترین نیرویی که میتواند انقلاب را از محتوی تهی نموده از اسلام پوسته‌ای باقی گذارد و خون شهدای انقلاب را به ثمن بخش به ابرقدرتها بفروشد و روحانیت وابسته و ضدانقلاب است که در طی دورانی گذشته همواره خیانت‌های آشکارا روپنهان به اسلام و مسلمین روا داشته است... با آنکه امام خمینی با رها بر لزوم تصفیه روحانیت از عناصر فاسد تاکید فرموده اند و با رها یادآور شده اند که خطر روحانیت فاسد و درباری، بمراتب بیشتر از ساواکی، و ضدانقلابیون است... اما متاسفانه اقدامی در این مورد تا کنون صورت نگرفته است و... به نظر ما اکنون کم دست روحانیت فاسد در توطئه کودتا و قتل امام فاش شده است به همت مردم و با رهبری روحانیت آگاه و انقلابی پیرو خط امام خمینی تصفیه حوزه‌ها از جرثومه‌های فساد و تبااهی ملت‌ها باید آغاز و تاسا تثبیت کامل روحانیت انقلابی به پیش رود (پیشنها دمیشود هما نظر که هیئت‌های بازسازی در ادارات و موسسات دولتی تشکیل شده است، برای بازسازی

جمهوری اسلامی ۶۱/۱/۲۹
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مورد مقاله کیهان اطلاعیه‌ای صادر کرد تحت عنوان "آیا وقت آن نرسیده که روزنامه کیهان جدا تصفیه شود؟" ... تا امروز حوزه‌های علمیه بویژه حوزه علمیه قم در صدد بیرون و فرما نبردان آن حضرت بوده و در تمام فراز و نشیب‌های نهضت با الهام‌گیری از رهنمودهای پیامبرگونه امام تا حد زیادی رهبری نهضت را هم به عهده داشته است... مراجع و اساتید و فضلا

ما چون آشنا به کتاب فطرت نیستیم، خیال میکنیم که میخواهیم برسیم به یک قدرتی و در انحصار ما باشد. وقتی رسیدید ببینید باز در دل آشفتگی است.

«امام خمینی»



آنی اقدام به نوشتن نکنند - همین دلیل اعتقاد داریم مباحثه - ای که بین ما و برادران کیهان برسر این مسئله شروع شده بود به فرجام نیکی رسیده است .

اطلاعات ۶۱/۲/۱

اطلاعیه جامعه مدرسین : امت اسلامی طلاب و فضلاء حوزه های علمیه مردم مسلمان بویژه مردم متدین و غیر آن در ایام زویر - های اول نهضت مقدس اسلامی از آقای شریعتمداری امور بسیاری صادر میشود که دست اندرکاران نهضت بویژه جامعه مدرسین ، آنها را شایسته مقام مرجعیت شیعه نمیدانستند ، ولی برای حفظ وحدت و انسجام صف روحانیت از بازگویی کردن آنها سخت دوری میجستند ... لذا ضمن تاکید بر اینکه مراجع قضایی منحصر بایده این امر رسیدگی کنند بنا به وظیفه شرعی برخورد لازم دانستیم که سقوط مشار - الیه از شایستگی مرجعیت را بالصراحه اعلام نمائیم .

اطلاعات ۶۱/۲/۱

جامعه روحانیت ارومیه ، جامعه روحانیت تبریز ، انجمن اسلامی بازاری قم ، آیت ا... صدوقی طلاب و محصلین تهرانی حوزه علمیه قم ، بنیاد شهید ، از جامعه مدرسین حوزه علمیه در رابطه با خلع شریعتمداری حمایت کردند ، و همچنین حوزه علمیه اصفهان از سوی آیت ا... خادمی در حمایت جامعه مدرسین نیز تعطیل اعلام شد . و مردم قم و اصفهان نیز به عنوان اعتراض بگریان کودتا را هیما بی کردند

اطلاعات ۶۱/۲/۱

حجت الاسلام رفسنجان : جامعه مدرسین مجتهدند و اهل نظریه هستند و گروه بسیاری هم هستند بهر حال باین نتیجه رسیده اند و بایده نظرات آنها توجه شود .

اطلاعات ۶۱/۲/۱

جامعه روحانیت مبارز : روحانیت - با رزار نظر قضایی ، مراتب را به بررسی و حکم مقامات قضایی میسپارد ، لکن لازم می - دانند این نکته را صریحا اعلام دارد که آقای شریعتمداری شرایط احراز مرجعیت و صلاحیت تقلید را دارا نمیباشد .

جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۱

حجت الاسلام رفسنجانی : کوچکترین چیزی که در این رابطه وجود دارد اینست که ایشان (شریعتمداری) از توطئه کودتا مطلع شده و آنرا به امام و مسئولان امر اطلاع نداده اند اگر همین مقدار است که خودشان اعتراف کرده - اند با شکی چینی شخصی نمی - تواند مرجع تقلید باشد .

اطلاعات ۶۱/۲/۴

سید مهدی مهدوی : آقای قطب زاده در جلسه ای گفت : چون ما میخواهیم جمهوری اسلامی

واقعی ایجاد کنیم ، بایستی از مراجع که مخالف با جمهوری اسلامی فعلی هست انتخاب کنیم که ضمن همکاری با ما بعد از اینک - جمهوری اسلامی واقعی ایجاد کردیم ما را تایید کند که در این رابطه هیچکس را بهتر از آقای شریعتمداری ندیدیم .

اطلاعات ۶۱/۲/۴

فرمانده سپاه پاسداران : یکی از نکات مهم این طرح خائنه ارتباط کودتایان با خارج کشور بود ، که صادق قطب زاده از طریق شخصی بنام مهدوی با عده ای از تجار بازرگانی مشترک اروپا در ارتباط بوده و از آنها کمک مالی دریافت میکردند است

جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۵

امام جمعه باختران : مسئله خلع ایشان از مرجعیت چیزی نیست که فقط از سوی مدرسین حوزه علمیه ، ائمه جمعه و سایر بزرگان باشد بلکه قبل از همه امام صادق (ع) بحسب روایتی که از آن حضرت داریم این آقا را از مقام شایسته مرجعیت خلع کرده زیرا وی دارای ویژگیهایی که امام صادق (ع) برای یک مرجع و رهبر دینی فرموده نمیباشد .

کیهان ۶۱/۲/۴

آیت ا... شیخ ابوالحسن شیرازی : بر مقلدان شریعتمداری واجب است که از تقلید او دست بردارند و بیهوده مجتهدی که علم با شریعتمداری بنظر اینجانب امام خمینی در میان تمام فقهای عصر حاضر است . همه بصیر ، افقه و علم است .

جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۵

حزب جمهوری اسلامی در برابر سؤال چرا شریعتمداری افشا شد؟ : صواب آن بود که در برابر او سکوت بود تا او و طرفایش پلیدی سرشت خود را بنمایند بگذارند .

جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۵

دبیر جامعه مدرسین : جامعه مدرسین از اولین کسانی بودند که شاه را از حکومت خلع کردند و تمام مسئولین طاغوت را با استفاده از فرماندهان تاسوعا و عاشورا غیر قانونی خواندند .

راه مجاهد : جادداشت از مرحوم آیت ا... طالقانی دعوت کننده اول به راهپیمایی و روحانیت مبارز و نیروهای سیاسی دیگر هم اسی برده میشد .

جمهوری اسلامی ۶۱/۲/۵

آیت ا... جنتی : طبق شرع اسلام مقلدین شریعتمداری باید از ایشان عدول کنند .

کیهان ۶۱/۲/۵

گروهکهای ضد انقلاب در مقابل سفارت ایران در پاریس ضمن شعار دادن علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت خود را از شریعتمداری اعلام کردند .

کیهان ۶۱/۲/۵

نخست وزیر : مردم ممکن

است از یک فرد کلاهی که از طریق تقوی منحرف شده بگردن دولتی از یک فرد روحانی که لباس پیامبر خدا را بر تن کرد نمیگذرد برای مردم اصل اسلام است .

اطلاعات ۶۱/۲/۵

آیت ا... جنتی : در رابطه با افتلا شدن شریعتمداری گفت : اولاً به طرافت و کنایه گفته میشد ، ولی کسی توجه نمیکرد و ویل اگر طلبه ای روی منبر میرفت و هويت ایشان را مشخص مینمود برای مردم قابل قبول نبود که یک منبری از یک مرجع انتقاد کند ، ثانیاً ما نمیخواستیم مقام مرجعیت شیعه را لکه دار کنیم ما اول میخواهستیم که ایشان منزوی

شوند
اطلاعات ۶۱/۲/۶

دادستان کل انقلاب : مدرسین بزرگوار حوزه علمیه قم ایشان (شریعتمداری) را از مرجعیت خلع نکردند ، چون ایشان مرجع نبودند تا خلع شوند ، بلکه مدرسین قم فقط اعلام کردند که ایشان صلاحیت مرجعیت را ندارند .

..... اصولاً مرجعیت یک مقام یا منصب نیست که به آدم بدهند و بعد از او بگیرند مرجعیت بر پایه یک سری از ارزشهای واقعی استوار است ، اگر شخصی آن ارزشهای واقعی را داشته باشد مرجع است .

اطلاعات ۶۱/۲/۷

جامعه روحانیت پاکستان ضمن حمایت از جامعه مدرسین حوزه علمیه افشای توطئه کودتا را به امام و امت تبریک گفتند .

کیهان ۶۱/۲/۸

احمد عباسی در گفتگویی که با امیر عبداله در عربستان داشت در رابطه با اینک - شریعتمداری میتواند نبی عربستان بیاید سؤال کرد امیر عبداله گفت : از نظر ما ایرادی ندارد که بیایند ما ندانیم ما یک مسئله است که ایشان تنها تمدنش خشک و خالی چه فایده ای دارد ، اگر بیایند اینجا حرفی بزنند اطلاعیه ای بدهند اعتراضی بکنند به حکومت ایران خوب است .

کیهان ۶۱/۲/۹

حجت الاسلام خوئینیها : از قدیم که هر موقع صحبتی از این آقا (شریعتمداری) میشد که ایشان متدین نیست تقواندارد لا باالی در دین است می گفتند این حرفها را زنید و خودش متدین در دین است و ایس - اطرافیان او هستند که لا باالی هستند ، چطور میشود که آدم صالح باشد اما هر چه آدم در اطراف او هستند سدا شد با ید خود او فاسد سدا شد که همه عناصر فاسد را بسوی خود جذب کند و با آنها خط و راه بدهد .

کیهان ۶۱/۲/۹

نماینده امام در خراسان : مرجعیت را علمای بزرگ صاحب نظران ، دانشمندان و اندیشمندان اسلامی میتوانند از یک مرجع سلب کنند .

اطلاعات ۶۱/۲/۹

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دومین اطلاعیه در مورد شریعتمداری گفته است : از آنجمله که مکتب اسلام شرايطی از قبیل فقاها در علوم اسلامی عدالت و تقوای کامل عدم حرص به دنیا را برای تصدی مقام مرجعیت لازم میدانند ، حتی اگر کسی در ابتدا هم اینها و صاف را داشته باشد ولی در کشاکش حوادث و سیر اشراحت جاه و ریاست و هواهای

نفسانتی یکی از شرایط فوق راز دست داد خود بخود از مقام مرجعیت منعزل میشود .
در این اطلاعیه چند نکته را تذکر داده است : با ارزش والی روحانیت و مقام شایسته مرجعیت دینی و نبی است حضرت ولی عصر ارواحنا فدا ، که در طول تاریخ دز تسخیر ناپنجیری در حمایت از اسلام و معارف قرآن و حقوق محرومین و مقابله با هر گونه ظلم و بیاد دگری - بوده آنچنان از پایگاه اصیل فقهی و قداست اسلامی برخوردار است که حوادث فوق العاده نادری نظیر آنچه اکنون شاهدان هستیم نمی - تواند کوچکترین لطمه ای به آن وارد سازد . ۲۰ - ممکن است جریانهایی برای ایجاد اختلاف بین اقشار به هم پیوسته ملت قهرمان بعضی از افراد بیگناه اعم از روحانی ، غیر روحانی را به بهانه رابطه قبلی با شریعتمداری مورد تعرض قرار دهند ، لازم است تذکر است که صرف ارتباط قبلی با نامبرده بدون شناخت چهره واقعی او جرم محسوب نمی شود . ۳ - اعمال عبادی کسانی که در گذشته مقلدا و بودند از نظر موازین شرعی قابل تصحیح است .

کیهان ۶۱/۲/۱۱

دادستان کل کشور : شریعتمداری در اوچ قیام ۱۵ خرداد دوزندانی شدن امام همان روزها دارالتبلیغ قم را ایجاد میکنند و اختلاف عظیمی میان تشکیلات و صفوف محکم انقلابیون ایجاد میکند . با وجود همه جنایات شاه و شکنجه و اعدامها ایشان به شاه دعا میکند

کیهان ۶۱/۲/۱۱

امام جمعه رفسنجان : روحانیون ، از اول خواستار آزادی امام بودند ، رای دادند که به نمایندگی آنها آیت ا... نجفی آیت ا... ملی ، آیت ا... میلانی از طرف روحانیون برای آزادی امام فعالیت کنند ، این آقا یان در منزل آیت ا... میلانی جز شریعتمداری آمدند ، در آن روزها پیشنها دختر ناکی از طرف دکتر بقائی به یکی از روحانیون القاء شد بود که اسلام اهدا فبالتری از فکر آزادی آیت ا... خمینی داشته و شاه میخواهد آیت ا... خمینی را اعدام کند ، شما هم باید سکوت کرده و ... دیگر اینکه تحریم انتخابات شکسته شود ایس - پیشنها دات مطرح گردید .

آیت ا... میلانی را متوجه توطئه - ایکه انجام شده بود نمودم بعداً تمامی روحانیون خواستار آزادی امام از زندان شدند .

کیهان ۶۱/۲/۱۲

سید حمید روحانی مسورخ و نویسنده : با مطالعه روی موضع گیری و اعمال و رفتار شریعتمداری در طول تاریخ زندگی به این نکته میرسیم که

گرامی باد

۲۹ خرداد سالروز خلع ید

از شرکت غاصب نفت ایران

وانگلیس



وی بیشتر ما موربده تاجاه طلب
اطلاعات ۶۱/۲/۱۲۰
استنادلانه جاسوسی :.....
هدف از اقدام سیاسی ما در ایران
روی کار آوردن دولتی است که
نسبت به منافع ایالات متحده
نظر موافق داشته باشد. با آنکه
حزب شریعتمداری را بعنوان
یکی از راههای نیل به هدف خود
مورد توجه قرار دهیم لازم است که
قدرت و نفوذ آن را معین کنیم.
قصدا در تماس با شریعتمداری
کمک به ایجاد یک "راه حل میانه"
است..... شریعتمداری برای
بدست آوردن پیروان بیشتر نیاز
به پول دارد..... وجوه هسات
همچنین برای تامین مخارج
اضافه حزب استفاده خواهد شد.

کیهان ۶۱/۲/۱۲
استنادلانه جاسوسی :.....
شریعتمداری متذکر شد: که ایران
همان اندازه محتاج به فروش نفت
است که آمریکا محتاج به خرید آن
و خاطر نشان ساخت که ایران
برای محفوظ ماندن در مقابل
شوروی به کمک آمریکا احتیاج
دارد..... شریعتمداری در صحبت
با سولیان گفت: با اعمال
دادگاههای انقلاب به شدت نا-
امید شده است و امیدوار است که
دنیا ی غرب این اعمال را به
اسلام واقعی نسبت ندهد.

کیهان ۶۱/۲/۱۳
شریعتمداری در رابطه با
اطلاع ندادن به مقامات گفت:
..... و لامن از نیت خبیث اینها
مطلع شدم ولی چون کارشان در یک
مدت کوتاه غیر عملی به نظر می-
رسید و تقریباً خیال میکردم دولت
آگاهی دارد و تصور نمی کردم اینها
بتوانند کاری انجام دهند و اینکه
کار نشدن را خبر کنم و با عث
گرفتنی یک عده غیر خیل شود صحت
نداستم. بعلاوه احتمال دادم که
اگر بگویم خود ما را ترور کنند ما
در فکر جولان میکرد که راه حلی
بیدا کنیم و اعلام کنیم..... از اینکه
فکر صحیحی نکردم و آنرا راه دادم
و به مقامات اطلاع نداده ام خود
را در پیشگاه خداوند مقصر میدانم
و بسیار پشیمانم..... ملتزم میشوم
که در آینده امثال این امور
تکرار نشود و با این نوع افکار
و اعمال مبارزه کنیم..... از
آیت العظمی امام خمینی
درخواست میکنم..... از تبلیغات
رسانه های گروهی، رادیو و
تلویزیون و سخنرانیها بر علیه
ما جلوگیری کنند تا موجب ناامنی
و خطر جانی برای ما نگردد.

کیهان ۶۱/۱/۲۸
جمع کثیری از مسلمانان
متعهد و اشنگتن در مقابل وزارت
خارج آمریکا اجتماع کردند و پرچم
رژیم صهیونیستی را آتش زدند.

کیهان ۶۱/۱/۳۰
جهان سادات میوه سادات گفتند اگر
چه پیام انقلاب و جمهوری اسلامی
ایران در تمام کشورهای اسلامی
انعکاس یافته است لکن حکومت
مصر در صورت بهره گیری از کلیه
امکانات امنیتی میتواند پیا
برجا بماند.

کیهان ۶۱/۲/۲
اعدام کنندگان سادات تا
آخرین لحظات زندگی آیات قرآن
را زمزمه میکردند.

کیهان ۶۱/۲/۵
۳۵۰ تن از استادان پاکستان
دست به اعتصاب زدند.

کیهان ۶۱/۲/۶
تحلیل و احداثتها از ادیبخش
سپاه پاسداران: آفتی که شیوخ
ورهبان اخوان به آن مبتلا
شده اند، چیزی است شبیه آفت
انجمن حجتیه و آخوندهای درباری
در ایران است.

کرده اند و امپریالیستها آنها را
برای آینده بزرگ میکنند تا
حکومت حافظ طرفین (شرق و غرب).
بوجود بیاید لذا کمک ما به
انقلابیون واقعی افغانستان
جلوگیری از توافق های بی-
شرق و غرب است.

فلسطین - فهد کمپ دیوید

اطلاعات ۶۱/۱/۱۴
حجه الاسلام فرسنا سیدی در
پایان خطبه های نماز جمعه
خطاب به ملت مسلمان فلسطین
تا کید کرد با شیوه های انقلاب
اسلامی حرکت کنند و با همان
شیوه ای که مردم ما با صدام
جنگیدند با اسرائیل بجنگند.
راه مجاهد:

منظور شیوه فتح المین است



کیهان ۶۱/۱/۱۶
به گزارش واحد مرکزی خبر از
لندن روزنامه فانیسنا تا میز
به نقل از منابع جاسوسی آمریکا
می نویسد، تصور وجود آمدن اتحاد
میان ایران و رژیم جدیدی در
عراق که در آن مسلمانان شیعه
نقش مهمی داشته باشند تصور تلخی
است که کشورهای محافظه کار نفست
خیز منطقه و اکثر کشورهای صنعتی
جهان حاضر به پذیرش آن نیستند

کیهان ۶۱/۱/۱۶
ابوغزاله وزیر دفاع مصر به مقامات
آمریکا اظهار داشت در صورتیکه
امنیت عراق مورد تهدید قرار
گیرد به نفع این کشور را رد جنگ
خواهد شد.

روزنامه القیس چاپ کویت:
بی طرف بودن در جنگی که در قلب
خلیج فارس در جریان است غیر
ممکن است ایران نشان داده است
که برای تمام منطقه خطرناک
میشود.

کیهان ۶۱/۱/۱۶
کویت طی بیانیه رسمی دخالت
ایران در امور داخلی عراق را
محکوم کرد.

روزنامه اسرای عام چاپ کویت

کیهان ۶۱/۲/۲
درسهائی از شهید محمد منتظری
چه اگر ما (از جنبشها) حمایت
نکنیم فقط بلوک کمونیستی
حمایت خواهند کرد و آنها را بسوی
خود سوق میدهند.

کیهان ۶۱/۲/۸
نظامیان اندونزی تظاهرات
مسلمانان این کشور را برگزار
بستند.

کیهان ۶۱/۲/۸
بمناسبت سالگرد کودتای
ما رکبستی در افغانستان طی
راهیما ثنی هایی افغانستانی
مقیم ایران خواستار خروج بی قید
و شرط شوروی از افغانستان شدند.

کیهان ۶۱/۲/۱۶
درسهائی از استاد شهید محمد
منتظری :..... در ماههای اخیر
زمزمه هایی از توافق شرق و غرب
بگوش میرسد و علتش هم پیشروی
انقلاب اسلامی در آنجاست و قرار
است کنفرانسی ترتیب بدهند که
از ایران هم دعوت شده است ولی
ایران به این کنفرانس نمی رود
..... اخیراً شورای اتفافی بوجود
آمده وعده ای به اسم شیعه و سنی
بسوی پاکستان با ملاح قرار

اعراب با یستی این جنگ را به
جنگ اعراب با ایران تبدیل
کنند و در تمام جبهه ها از عراق
حمایت کنند تا ایران در مقابل
دیوار ربلند غیر قابل عبور اعراب
قرار گیرد.

راه مجاهد: کنفرانس غیر
متعهد در کشوری است که آشکارا
از تجاوز به ایران حمایت میکند

اطلاعات ۶۱/۱/۱۸
قسمتهایی از سرمقاله
روزنامه اطلاعات عنوان "سلام
بر فلسطین": ما ضمن اینکه
سازمان آزادیبخش فلسطین
(الفتح) را تنها نماینده رسمی
وقانونی فلسطینیها می شناسیم
و باید بطور همه جانبه یعنی
سیاسی، نظامی، اقتصادی و معنوی
از این سازمان پشتیبانی می-
کنیم.

اعراب ساکن شرق بیت المقدس
و کرانه باختری... دست نه
اعتصاب عمومی زدند تا مانی
مغازه ها تعطیل شدند. کارکنان
شرکت مستقل حمل و نقل نیز دست
از کار کشیدند کارکنان فلسطینی
که در فلسطین اشغالی کار میکنند
به سرکار نرفتند.

کیهان ۶۱/۱/۲۴
یا سرعفات در پیامی از شاه
خالد درخواست تشکیل اجلاس
فوری کنفرانس اسلامی را نمود.
عرفات در جلسه کمیته اجرائی
سازمان آزادیبخش فلسطین
خواست: تا مسلمانان جهان خشم
خود را متوجه آمریکا یعنی حامی
اسرائیل غاصب کنند.

کیهان ۶۱/۱/۲۴
رئیس جمهور ایران در دیدار
با کاردار سعودی گفتند: ما با
هرگونه حرکت مثبتی در مورد
فلسطین موافقیم..... که شرف
اسلامی ما و شرف صدمیلیون عرب
منوط بآن است.

کیهان ۶۱/۱/۲۴
رئیس مجلس: ملتهای اسلامی
و دولت های اسلامی از این نهضتی
که مطمئناً به آزادی فلسطین منجر
خواهد شد حمایت ما نباید در حدود
الفاظ و تالیف های لفظی باشد
..... مردم فلسطین توجه کنند اگر
خودشان در میدان نیابند از
بیرون برای آنها کار مثبتی
نمیشود و اگر خودشان بمیدان
آمدند دیگران مجبورند دنبال سر
آنها حرکت کنند، شما در میدان
بمانید و صبر کنید از شهید دادن
نهراسید از شقاوت اسرائیلیها
نهراسید.

راه مجاهد: وزارت خارجه
طی اطلاعیه روزنامه حزب جمهوری
اسلامی طی سرمقاله ای ضمن تایید
حرکت قدس تلویحا چنین نتیجه
گرفته بودند که شعرا را... اکبر
منطوی و دربرگیرنده میا رزات
مسلحانه نیست البته رئیس مجلس
در خطبه ۶۱/۱/۲۷ نماز جمعه حقی

مطلب را ادا نمودند و ما مقبلاً
گفته بودند: آادی قدس با
سلسله های متکی به ایمان امکان
پذیر است و شکل مسلحانه و قهر
آمیاز این مبارزه را تا شید کردند

کیهان ۶۱/۱/۲۸
سفیر فلسطین در تهران در
گفتگوشی گفت: ما معتقدیم که
انقلاب اسلامی ایران بر رهبری
امام خمینی بزرگترین رویداد
قرن بیستم است... ما معتقدیم
جمهوری اسلامی ایران عمیق
استراتژیک انقلاب فلسطین است

کیهان ۶۱/۱/۲۸
اطلاعه وزارت خارجه جمهوری
اسلامی:..... دولت جمهوری اسلامی
ایران بدین وسیله رسماً از
سازمان ملل میخواهد که شناسایی
خود را از اسرائیل پس بگیرد.

کیهان ۶۱/۱/۲۸
هیئت ایران در کنفرانس
بین المجالس صهیونیستی، ا
اکانون بحران در منطقه خوانند.

کیهان ۶۱/۱/۳۱
مصر و عراق مناسبات خود را
از سر میگیرند. اردن ورود کار
عراق را از اعوار رض گمرک معاف
کرد. کیهان ۶۱/۱/۳۱
فروش ۲۰۱۰ موشک ضدتانک
آمریکائی به عربستان سعودی
بحرین نیز ۱۱۴ میلیون دلار سلاح
از آمریکا دریافت خواهد کرد.

کیهان ۶۱/۲/۲
آلمان غربی، رژیم سعودی را
در تشکیل سازمان ضد مردمی امنیت
یاری میدهد.

کیهان ۶۱/۲/۲
مبارک به رژیم صهیونیستی
تضمین کتبی داد.

کیهان ۶۱/۲/۴
در حالیکه یکروزه به تخلیه
صحرای سینا نموده است، کمیسون
سه جانبه آمریکا، مصر، اسرائیلی
در قاهره آغار کار کرد.

کیهان ۶۱/۲/۵
مقررات روان دیدین مصر و
کشورهای عضو شورای همکاری
خلیج فارس لغو شد.

کیهان ۶۱/۲/۶
کمیسون امور خارجه مجلس
خواستار اخراج اسرائیل از سازمان
ملل شد.

کیهان ۶۱/۲/۷
انجمن اسلامی مانیس بر حسب
مسئولیت اسلامی و لیک به ندای
آیت ا... منتظری طرح تظاهرات
گسترده ای را بر علیه اسرائیل
غاصب برنامهریزی کرد شعرا:
الله اکبر، خمینی رهبر ما ست
مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل
ما خمینی را حمایت میکنیم و...
کیهان ۶۱/۲/۷
آمریکا ۱۱ فروندها پیمای
اف-۱۵ به رژیم اشغالگر فلسطین
میدهد.

کیهان ۶۱/۲/۷
فرانسه طی اعلامیه ای خشودی

نهضت های آزادیبخش

اقتصادی



خود را از تخلیه نهایی صحرای سینا از سوی اسرائیل ابراز داشت .

... شاه حسن مغربی و شاه حسین اردنی امروز تلگرامهای تبریکی به حسنی مبارک بمناسبت تحویل سینا به مصر فرستادند .
... رادیوی دولتی ریاض طی تفسیری با زگرداندن صحرای سینا را بمردم مصر تبریک گفت مبارک : صلح با اسرائیل ادامه دارد

کیهان ۶۱/۲/۸

اطلاعیه وزارت امور خارجه :
... تخلیه صحرای سینا نیز نه تنها به اشغال سرزمینهای سلامی خاتمه نداده است بلکه رژیم صهیونیستی غاصب را بر قاهره مسلط ساخته است .

کیهان ۶۱/۲/۸

عربستان سعودی فعالیتهای مذهبی خود را در آسیا گسترش میدهد

کیهان ۶۱/۲/۸

ملاحزواوی سفیر فلسطین در ایران طی گفتگویی با خبرنگاری فلسطینی وفا : خلق فلسطین ما مرکز به آنها اجازه نخواهد داد که توطئه خود مختاری اداری در کرانه غربی ونوار غزه را در ازاء عقب نشینی موهوم از سینا بمرحله اجرا در آورند و هر گرا جاره خواهند داد که در ازاء همین معامله ، دشمن جنوب لبنان را اشغال کند .

کیهان ۶۱/۲/۹

بدنبال ضربه ناشی از قطع لوله نفتی عراق توسط سوریه : هیات سه جانبه عراقی ، آمریکا ئی و اردنی امکان صدور نفت عراق از خلیج عقبه را بررسی می کند .

کیهان ۶۱/۲/۱۴

بدرخواست وزارت امور خارجه ترکیه سفرای کشورهای عضو ناتو دیروز در محل این وزارتخانه گرد آمدند .

کیهان ۶۱/۲/۱۶

خبرگزاری فرانسه : رادیو صهیونیستها اعلام کرد که از یک ماه دیگر یک ارتباط دریایی منظم بین حیفا و پورت سعید برقرار خواهد شد . پنجشنبه گذشته نیز یک خط اتوبوس منظم بین تل آویو و قاهره برقرار شد .

کیهان ۶۱/۲/۱۶

... یک شرکت انگلیسی با امضای یک قرارداد مشترک با رژیم مصریک کارخانه تولید دوربینهای نظامی و تجهیزات الکترونیکی در مصر احداث خواهد کرد .

اطلاعات ۶۱/۱/۲۸

حجت الاسلام رفسنجانی در خطبه نماز جمعه : ... در اسلام سه نوع مالکیت : مالکیت دولت مالکیت شخصی و مالکیت عمومی وجود دارد که حکومت شرعی با در اختیار گرفتن اهرام اقتصاد مانع از طغیان هر یک از این بخشها میشود .
... مالکیت انسان در طول مالکیت خداست و قرارداد نیست نه حقیقی قابل سلب است ، محدود است نه مطلق و گفتیم انسان خلیفه خداست .
... گفتیم انسان مالک کار خود است و کار انسان پیش از آنکه هر کسی حق بهره گیری از او را داشته باشد خود انسان محق است و گفتیم گرفتن کار مشروع دیگران استند ما را استند در استثمات و رفتار و نداد رده کار مستقیم را بگیریم یا کار متبلور را که در اموال مشروع تمرکز پیدا میکند .

اطلاعات ۶۱/۱/۷

آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه : یکی از چیزهایی که قطعی است این است که تمام جهان و عمل انسان ملک خداست و مالکیت واقعی هم اینجاست .
... مالکیت انسان و خدا در عرض هم واقع نشده ، هر چه را که فکر کنید قبل از انسان خدا مالک است . پس مالکیت خدا واقعیت دارد اما انسان اینچنین نیست ، مالکیت انسان قراردادی است ، اگر کسی مرتد شد این قرارداد بهم می خورد .

اطلاعات ۶۱/۱/۱۶

مباحث مطبوعاتی حجت الاسلام خاتمه ای با مجله پیام انقلاب :
... زیرا که معتقدیم شعار نه شرقی و نه غربی معنایش این نیست که نه با شرق معامله کنیم و نه با غرب ، نه با شرق رابطه برقرار کنیم نه با غرب ، ما هم با شرق رابطه برقرار میکنیم و هم با غرب هر جا منافع ما اقتضا کند با هر کسی که اقتضا بکند رابطه برقرار میکنیم در این میان یک استثناء ، است و آن آمریکا است .
... با اروپای غربی اروپای شرقی ، با کشورهای آفریقا ، با کشورهای آسیا ، با همه جا میتوانیم رابطه داشته باشیم ما در رابطه با هر روی خود نمی بینیم .

اطلاعات ۶۱/۱/۲۱

مدیرعامل مجتمع ایران و ژاپن : ... در مورد مذاکرات دولت ایران و ژاپن ... برای شروع کار سه دوره مذاکرات انجام شد که این مذاکرات موفق بود و در مذاکرات بعدی به توافق کامل خواهیم رسید .

اطلاعات ۶۱/۲/۱

... طبق قرارداد منعقد بین ایران و پاکستان : پاکستان از ایران نفت و خدمات دراز مدت نفتی دریافت خواهد کرد و در مقابل گندم و برنج و شکر و ... به ایران صادر خواهد کرد .

اطلاعات ۶۱/۲/۴

... منتظری در دیدار با مقامات قضایی - سیاسی اقتصادی کشور :
... ضمن اظهار تاسف از حمله وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان برادران پاسدار و ارتش و بسیج و نیروهای عشا یر مردمی شما با ایمان و قبول اهدی الحسین تمام موعده های قرآن را در حق خود و ملت شرافتمند خود با لعینان محقق دیدید ، خداوند این پیروزها و شهادتها را بر همه گنیم میا رک فرماید .
... شما رزمندگان آگاه توجه دارید ملت مظلوم و مسلمان عراق در انتظار ریا ری شماست ، فرا رویا عقب نشینی توطئه آمیز مزدوران فریب خورده صدام ، بیشر و شمشاد

اطلاعات ۶۱/۲/۱۹

مدافعان اسلام را متوقف نسازد ، نباید به آنها مهلت تدارک تجدید قواد داد ، باید شخص صدام که جانی شما ره یک این جنایت عظیم میباید شود سراسر ان خائن و وطن فروش بعث عراق را تعقیب نمایید و بدست عدالت بسپارید و نگذارید آنان از دست عدالت و مجازات که توسط ملت مسلمان عراق و به حکم اسلام اجرا شود فرار کنند .
... در این امر مهم بشتابید و فرصت فکر کردن و تجدید قوا را از دشمنان متجاوز بگیرید ، لازم است با قی مانندگان ارتش فریب خورده عراق از آخرین فرصت استفاده نموده و با سلاحهای خود تسلیم و به صف

کیهان ۶۱/۲/۲

وزیر بازرگانی : ... برای اینکه بتوانیم با زار مشترک اسلامی را تاسیس کنیم لازم است روابط اقتصادی خود را با کشور های برادر توسعه دهیم .
... در این مورد با سه کشور اسلامی سوریه ، ترکیه ، پاکستان قراردادها یی امضاء کرده ایم .
... در مورد تشکیل با زار مشترک اسلامی گفت : ... روابط بازرگانی در سه مرحله انجام میشود در مرحله اول این روابط شامل کشورهای برادر میشود و در مرحله دوم کشور های دوست و غیر متعهد و در آخرین مرحله کشورهایی که با ما دشمن

کیهان ۶۱/۲/۷

وزیر کشاورزی : ... راندمان کار رهیئت هفت نفری بهتر بوده و تشکیل وزارت اطلاعات ارضی از مزیست .

آیت الله العظمی منتظری

اقتصاد اسلامی ، نظامی مستقل است
بر اساس اصل مالکیت مطلقه خدا بر همه چیز که بر موازین قسط و رعایت حقوق همه افراد استوار شده است .

اطلاعات ۶۱/۲/۱۲

حجت الاسلام دکتر خاتمی در مصاحبه ای گفتند : ... ما باید وایم که دست اندر کاران محترم دولت نیز متوجه این جریان باشند که روابط نسبتا خوب اقتصاد با ید به قیمت سازش در برابر ماهیت سیاسی این کشورها تمام شود

کیهان ۶۱/۲/۴

... منتظری در دیدار با مقامات قضایی - سیاسی اقتصادی کشور :
... ضمن اظهار تاسف از حمله وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان برادران پاسدار و ارتش و بسیج و نیروهای عشا یر مردمی شما با ایمان و قبول اهدی الحسین تمام موعده های قرآن را در حق خود و ملت شرافتمند خود با لعینان محقق دیدید ، خداوند این پیروزها و شهادتها را بر همه گنیم میا رک فرماید .
... شما رزمندگان آگاه توجه دارید ملت مظلوم و مسلمان عراق در انتظار ریا ری شماست ، فرا رویا عقب نشینی توطئه آمیز مزدوران فریب خورده صدام ، بیشر و شمشاد

پیام مهم آیت الله العظمی منتظری به رزمندگان اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

رزمندگان قهرمان ، مجاهدان راه خدا ، سالکین سبیل حسینی سلام علیکم بما صیرتم .
درود و سلام و رحمت خداوند بر شما و شهدای عظیم الشان شما باد .
... پیروزیه و فتوحات چشمگیر و برق آسای شما عزیزان قلب مبارک ما م عصر ارواح فدا و نایب بزرگوارش را شاد نمود و دعا های آن حضرت را در حق شما سلحشوران ندا کا ربشرف اجابت رساند ، شما بندگان محبوب خدا و بند در این آزما یش افتخار آمیز نشان دادید که بحق سرباز اسلام و زجان نشانان اما م زمان (عج) میباید و در راه پیروزی اسلام و کفر از هیچگونه خداکاری دریغ نخواهید نمود هنی ان لکم ، شیرین و گوارا باد

ملت اسلام برگردند و ولت های عرب منطقه که با فریب و فشار آمریکا خود را در این فتنه گرفتار نموده و بجای جنگ با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین جنگ و دندان به برادران مسلمان خود نشان میدهند تا دیر نشده بخود آیند و از روزهای آخر صدام کا فرعیست بر گیرند و کاری نکنند که جنگ بیش از این بطول انجام مدویدانند تا این رژیم سفاک و دیوانه سرنوشت یک ملت مظلوم را در دست داشته باشد این منطقه مهم را مش را بخود نخواهد دید ، ملت مسلمان عراق پس از محاکمه و مجازات صدام و سایر مزدوران آمده است تا حکومت مورد قبول خود را با الهام از مکتب آزادی بخش اسلام انتخاب نماید و به هیچ قدرت خارجی خود خالت در آن را نخواهد داد .
... از خداوند متعال نصرت و عظمت اسلام و پیروزی نهایی رزمندگان مسلمان در تمام جبهه ها را از خدای بزرگ مسئلت دارم و السلام علیکم ورحمت الله .
۶۱/۲/۱۹ قم - حسین علی منتظری

القدس ، ما القدس ، و ما ادریک ما القدس

آیت الله منتظری

عاملی در جهت هدایت است . حضرت علی (ع) در خطبه ۸۲ نهج البلاغه می فرماید :

فا تقوا لله عبادا لله تقيه ذی لب شغل التفکر قلبه وانصب الخوف بدنه واسهر التهجذ غرار نومه

"پس ای بندگان خدا بترسید از خدا مانند ترسیدن خردمندی که فکرو اندیشه ، دل او را مشغول ساخته و خوف و ترس ، بدنش را رنجور نموده و عبادت و بندگی ، شب خواب اندک او را هم از دستش گرفته است ..."

باید توجه داشت که ترس از خدا ترس از این است که مبادا خطایی واقع شود که انسان را از خدا دور کرده و رضایت محبوب را فراهم نیاورد . ترس از خدا ، ناشی از عشق و نیایش خدا و تلاش برای رضای اوست ، شوق وصل به خدا است که ترس از خدا را هم به یار می آورد ، شوق به خدا ، ذاتی ابراهیم (ع) است و ترس از خدا تبعی آن شوق است .

ابراهیم (ع) به قومی که از خدا یا نذهنی خویش می هراسند و خشکالی و طوفان و زلزله رانلی از خشم آنان می شمارند ، می گوید که ترسیدن از خدا حق است ، اما نه از آنچه که شما بدان شرک می ورزید ، بلکه خشیه یا بدنسبت به خداوند واحد مستقل از ذهن حاکم بر پدیده ها باشد ، به این ترتیب ابراهیم (ع) خوف قلبی آنرا تا قید نمی نماید ، اما جهت آن را باطل شمرده و بسوی مسیر واقعی دعوت می کند .

دردنیا لیه آمده است : **وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا** "علم

پروردگار همه چیز را فرا گرفته است . "ابراهیم (ع) ، قومش را بسوی تعبد آن خدایی دعوت می کند که علم او همه چیز را گرفته و بر همه ما حاطه دارد ، خدایی که حاضر و ناظر بر لحظه لحظه زندگی مخلوقات است .

فَمَنْ يَمُنْ بِمَا عَلَى يَدَيْهِ مِنَ رَبِّهِ وَنَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنفُسًا كَانَتْ تُفْسِدُ

"پس هر کس به سنگینی یک ذره نیکی کند ، آن را ببیند و هر کس که به سنگینی یک ذره بدی کند ، آن را ببیند ."

به این ترتیب ابراهیم (ع) خوف از بتهایی را که علم و حکیم نیستند و نتیجتاً حاکمیتی بر انسانها ندارند نمی میکند و بسوی ترس از خداوندیکتا که وسعت و فراگیری علمش همه چیز را حاطه کرده ، فرامی خواند . در زمان حال می بینیم امام خمینی اصلی ترین ترمز حرکت خلقها را خوف از بر قدرتها می داند ، اگر این خوف شکسته شود ، پوکی آنها بر مردم آشکار می گردد و مبارزات خلقها اوج میگیرد .

برخورد هدایت آمیز و بر خورد عکس العملی

در آخرین قسمت آیه شیوه الهی ابراهیم (ع) را می بینیم که در برابر تهدیدها و منطقی خشک قومش ، می گوید : **"اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ"** آیا بیاد نمی آید و برید آن جوهر حق طلب درونی تا آنکه شما را نیا زمند پرستش کرده ، اما شما راه را اشتباه رفتید ، آیا بیاد نمی آید و برید نیاز واقعی و الهی را که به خدا داشتید ، اما آن نیا زاصل را با پرستش خدایان ساخته دست و ذهن خویش از یاد بردید ؟ حضرت ابراهیم (ع) نبی و فرستاده پروردگاری است که به

انسانها فطرت حق طلب و خدا جو را عطا کرده و در هر مقطع تاریخ و برای هر قومی رسولی فرستاده است تا این فطرت را به انسانها یاد آوری و ذکر نماید . ابراهیم (ع) به امر خداوند ، در جهت هدایت و تعالی قومش به تلاش مشغول است و آنقدر به مسئولیت الهی متوجه است ، که هرگز تابع و دنباله روی و جلدلها و تهدیدها نمی شود . وقتی انسان "مخاضا لله" عمل می کند و زندگی اش تحقق این آیه قرآنی است که : **بِأَنَّ الصَّلٰوةَ تُبۡسِطُ وَيَسۡكِي وَيُحۡيِي وَيُمۡتۡتِي لِلۡهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** در ریز ، ریز بر خورد .

هائیش رضای خدا را در نظر می گیرد در این صورت است که بر خورد آنرا که راه را گم کرده اند ، نه تنها انسان را به برخورد عکس العملی و مشا به نمی کشاند ، بلکه با دلسوزی و تأسف ، تلاش می کند که شاگردان را بیدار کند و راه را درست هنگامی که امام مکرراً مسئله آزادی زندانیان را که قایل هدایتند ، مطرح می کردند ، دشمنان اسلام برای اینکه مردم را به خشم آورده و خشم را تحمیل کنند ، بمبئی در میدان عشرت آباد منفجر کردند ، اما همان شب ، امام خمینی بدون عکس العمل مجدداً فرمان آزادی بسیاری از زندانیان قابل هدایت را صریح کردند و به همه مسلمین و مستضعفین آموختند که شیوه ها را با یاد از مکتب الهام گرفت و نه از آنچه که دشمن می کند .

یا هنگامی که ایشان در پاریس بودند و قصد آمدن به ایران را داشتند ، هم دشمنان و هم پیاران امام توصیه می کردند که امام به ایران نیا یند ، در حالیکه امام با خط مشی زندگی اخروی خود ، یک خط مکتبی خاص را می پییموند که انعکاس پذیر نبود ، نه دشمنان مغرض روی ایشان اثر گذاشتند و نه دوستان ساده اندیش . در آیه ۸۲ سوره انعام ، ابراهیم

(ع) می فرماید : **وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَكْفَرُنَا وَلَا كَفَرْنَا بَعْدَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبُرْهَانِ**

"و چگونه بترسم از آنچه که شرک می ورزید و نترسید شما از اینکه بخدا شرک ورزیدید ، آنرا که نفرستاده است به آن ، بر شما دلیل و برهانی . " در اینجا ابراهیم (ع) سؤال دیگری برای قوم خویش مطرح می کند تا شاید بپذیرد و بر حق روی آورند . می گوید که چگونه مرا از خدایان خویش می ترسانید و حال آنکه از طرف او بر شما هیچ دلیلی و هیچ نشانه ای نازل نشده است ؟ به این ترتیب سؤال بزرگی برای قوم مطرح می شود و آن اینکه خدایان تاکنون چه رابطه ای با ما داشته اند و از سوی ایشان چه چیزی بر ما نازل شده است ؟ ابراهیم (ع) خوف از خدا را رد نمی کند ، بلکه می گوید از خدایی بترسید که با نشانه ها و دلیلهایی که از جانب خود برای شما فرستاده ، هدایتان میکند و مسلمانان بتها از چنین عملی عاجزند . آنگاه می گوید :

أَلَا الْغُرُوثُ أَهْلُ الْأَسْنَانِ أَلَمْ تَعْلَمُوا "پس کدامیک از دو گروه (من و شما)

"راه مـ جـ اهد"

آنچه که باید در برخورد با بحث قرآنی ابراهیم مورد توجه قرار گیرد ، این است که ما تنها برداشت های خود را از سیر برخورد حضرت ابراهیم (ع) ذکر می کنیم که بی شک به تعالی و باروری نیا زمند است . در ضمن اینکه در این بحث از تفاسیر بسیاری از جمله تفسیر پرتوی از قرآن ، مفردات راغب ، مجمع البیان ، المیزان و ... همچنین از ترجمه های مختلف قرآن استفاده شده است . هر دو هم نظریه که امام در تفسیر سوره "الحمد" گفته اند :

"قرآن یک کتابی نیست که ما بتوانیم یا کسی دیگر ، یک تفسیر جامع آنطور که هست بنویسند . علوم قرآن یک علوم دیگری است ما واری آنچه ما می فهمیم . ما های یک صورتی ، یک پرده ای از پرده های کتاب خدا می فهمیم و باقی اش محتاج به تفسیر اهل عصمت است که معلم به تعلیمات رسول الله بوده اند"

نهضت حسینی ، صدور انقلاب بنابر توم شجاعت مولود سرور آزادگان

بنام خدای شهیدان مردم ما در طی انقلاب و پس از آن شعار مشهوری میدانند که "نهضت ما حسینیه ، رهبر ما خمیبه است" . ضمن اینکه بین انقلاب اسلامی و قیام امام حسین (ع) ویژگیهای مشترکی وجود دارد توطئه های مشابهی نیز علیه هر دو علیرغم اختلاف زمانی آنها وجود دارد . در مورد قیام امام حسین (ع) عده ای معتقد شدند که قیامی بود

اصطرازی ، چون امام حسین (ع) چاره دیگری نداشت یا می گویند نهضت امام حسین (ع) قیامی بود ناشی از نارضایتی و قیامی بود بومی و محلی و مخصوص کربلا و قیام امام حسین (ع) قابل صدور و پیله شدن و پیروی درجا های دیگر نیست ، این توطئه گران تاریخ سعی دارند که قیام امام حسین (ع) را از فلسفه توحیدی یعنی مادر آن جدا نمایند و آنرا به یک قیام بومی ، محلی تبدیل نمایند . در مقابل شیعه در پاسداری خون

امام حسین (ع) می گوید کل یوم عا شورا و کل ارض کرب و بلا یعنی هر مرحله ، هر روز ، هر لحظه ای عاشورا است و هر مکانی کرب و بلاست . و عا شورا و کربلا محدودیت زمانی و مکانی ندارد و یک خط مشی اسلامی جهانی است زندگی جان بکف یا زندگی اخروی است . توطئه سیاسی کردن خط امام توطئه ای است که خط اسلامی امام و نهضت اسلامی ایران را بیک خط سیاسی تبدیل نماید و بگویند انقلاب اسلامی خاص ایران است

و در کشورهای دیگر اسلامی و غیر ایدئولوژی امام را مشکل ، غیر اسلامی قابل پیاده شدن و صدور منطقی ، استثنائی و جدا از امام نیست ، این توطئه گران میخواهند خط امام را بیک خط سیاسی خود را کنار گذاشته و با چشم تبدیل کنند که با تغییر اوضاع و احوال قابل بقا ، پیروی و صدور نباشد اینها می خواهند خط امام را به فلسفه توحیدی اسلام منتسب ننمایند چرا که اگر به ما در خود یعنی اسلام وصل باشد در هر زمانی و مکانی قابل صدور است و محدودیت جغرافیایی ندارد ، و بقاء آن در قید حیات امام و خدای نکرده پس از آن قابل تضمین است . اینها بی که می خواستند رهبری مذهبی را از رهبری سیاسی جدا بنمایند اینها بی که سعی دارند

حسین ، ای انقلابی مرد آزاده به خون اطهرت سوگند که ما هرگز نیاستیم از پیوند راهت .
"عاجز شکر بیخیز"

راه مجاهد...

آنرا بشدت رد میکنند. ولی برخورد ما رکیسم با دموکراسی غربی نه از موضع نفی "اصالت اکثریت کمی" بلکه بیشتر از موضع این است که این شیوه حکومتی شیوه حکومتی سرمایه داری است و فقط در همین حدب آن برخورد کرده اند ولی خود آنها در نهایت به اکثریت نیروهای پرولتاریا اصالت میدهند بدین معنی که میگویند دموکراسی واقعی این است که پرولتاریا اکثریت گشته و حکومت او پس از حذف اکثریت برای اقلیت منطبق بورژوا اعمال شود. و اینجا است که در مقابل این سؤال که با شیوه حکومتی بورژوازی (که اصالت اکثریت کمی است) چه مبارزه ای می کنند پاسخی مطرح نشده و خود شیوه دیکتاتوری پرولتاریا از این نظر که به اکثریت کمی اصالت میدهد با آن سخیت دارد.

با بدیرسید اگر در جا معای پرولتاریا اکثریت نیروها را نداشت چه باید کرد؟ چنانچه ژرژ مارش در فرانسه از درون این منطق (اصالت اکثریت) بدین نتیجه رسید که چون نرخ رشد خرده بورژوازی از نظر کمی بیشتر از پرولتاریا است در نتیجه دیکتاتوری پرولتاریا قابل تحقق نیست و بدین سان به سازش با طبقات حاکم کشیده شد. واقع امر اینست که با این منطق اگر در جا معای پرولتاریا اکثریت نباشد، ناچاراً باید تسلیم اکثریت موجود در آن جا معی شود و طبیعتاً باید به این نتیجه برسیم که در چنین جا معای ما رکیسم قابل تحقق نبوده با یدسکوت کرد.

این تزد در حقیقت این معنی را دارد که اگر پرولتاریا اکثریت شد آنوقت حق بوده و حق حکومت خواهد داد و شواگر اکثریت نبود با ید حاکم شود و باید تن به حاکمیت سرمایه داری بدهد. در حالی که اگر پرولتاریا (طبقه کارگر) مستقل از اینکه اکثریت باشد یا شدا نباشد وجه رشدیابنده تاریخ است قادر خواهد بود چنانچه بینش رئالیستی داشته باشد، بقیه نیروهای کمی و بینا بینی را بسیج کرده و به حاکمیت برسد. خلاصه اینکه این تزد بدین شکل که حکومت باید اکثریت آراء و نیروها را داشته باشد تا حکومت بشود این همان سخیت این شیوه با شیوه حکومتی دموکراسی غربی است و ریشه سازشکاری معتقدین به این تفکر با امپریالیسم

را باید در این جا جست. چون وقتی می بینند پرولتاریا حتی در کشورهای صنعتی اکثریت نگشته است و وقتی می بینند که امپریالیسم از نظر کمی و کیفی گستره تر از آنهاست، لذا تن به شرایط موجود که شرایط امپریالیستی است داده و با آن به سازش کشیده می شوند. چنانکه در خود شوروی خروخف اعلام کرده که مبارزه ما با امپریالیسم از این بعد بر اساس رقابت اقتصادی است و باید با کشورهای بلوک غرب در همزیستی مسالمت آمیز باشیم چرا که شرایط موجود امپریالیستی را تمدن بشری نامید و این همان خود باختگی آنها در مقابل اکثریت کمی نیروهای امپریالیستی است. نتیجه: نتیجه اینکه ما رکیستها علی رغم اینکه با سرمایه داری در افتاده اند و خود را معتقد به حاکمیت طبقه کارگر یا شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا می دانند ولی در عمل با شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا به سازش می کنند و در دراز مدت با آن به سازش کشیده میشوند و تاکنون نیز در اغلب جاها به شرایط موجود تن داده اند.

دیکتاتوری پرولتاریا و سخیت آن با حکومتهای خودکامه مبنی بر استبداد فردی

گفتیم که حکومتهای خودکامه مبنی بر استبداد فردی سمبل ایده آل لیسم هستند. ایده آل لیسم این شیوه حکومتی در این است که همه قضا یا ما و مورس نوشت یک ملت مشروط میشود به ذهن یک فردی که بر اساس خواسته ها و تمایلات ذهنی و ایده آلیستی خود حرکت می کند.

حال در صدد آنیم که ببینیم که شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا چه مرز بندی مشخصی با حکومتهای خودکامه فردی دارد یکی از معضلاتی که جنبشهای انقلابی با راهنمای عمل ما رکیستی همیشه با آن دست بگیریم آن بوده اند کیفیت رابطه زیربنا و روبنا بوده است برای توضیح بیشتر باید بگوئیم که: رابطه زیربنا و روبنا و نقش اندیشمندان الف - عده ای زیربنا را

که در ما رکیسم ابزار و مناسبات تولیدی است اصل قرار داده و روبنا را که فرهنگ و... است تابع مدد مددزیربنا می دانند.

ب - عده ای دیگر معتقدند در عین حال که زیربنا اصل است لکن گاهی اوقات در مقاطع روبنا اساساً طررا گرفته و نقش تعیین کننده پیدا میکنند. این جریان بطور بارز در انقلاب فرهنگی چین برهبری ماوتزلی نمود. ما تو معتقد بود که انقلاب فرهنگی با ید ۲۵ بار و هر دفعه ۷ سال طول بکشد و می بینیم که دیگر زیربنا اصالت ندارد و روبنا بر زیربنا تقدم پیدا میکند. در جا معی خود ما نیز در زمان حاکمیت سلطنت در این مورد دو جریان وجود داشت. یکی جریان حزب توده که می گفت زیربنا اصل است و روبنا تابع لذا ابزار باید رشد کند تا طبقه کارگر حاکم اکثریت شده و با لخره حکومت پرولتاریا ایجاد گردد. دیگری خط مشی فدا نیها بود که میگفتند شرایط فعلی تقدم روبنا بر زیربنا نیست. و ما به کمک همین تقدم روبنا بر زیربنا گروه تشکیل داده در می آورد و بنا بر این در آینده به حکومت میرسیم.

مثال دیگر: "ماکس وبر" یکی از دانشمندان غرب گفته بود که بورژوازی غرب زائیده پروتستان است. یعنی مذهب پروتستان بورژوازی را بوجود آورده است حال آنکه ما رکیس معتقد بود

بورژوازی مذهب را بوجود آورده است و حتی یکی از متفکرین اسلامی تاثیر متقابل زیربنا و روبنا را مطرح کرده است و در اینجا است که به عدم انسجام غیر قابل حلی میرسیم که بالاخره در تائید متقابل مذهب و طبقه کد اصالت دارد. گذشته از این واضعین مکتب ما رکیسم اصل تاثیر متقابل را قبول دارند و ما رکیس معتقد بود که اگرچه ایدئولوژی روابط بوجود می آید اما ایدئولوژی رشد مستقل هم دارد و در نتیجه

باید پرسید اگر در جامعه ای پرولتاریا اکثریت نداشته باشد چه باید کرد؟

چنانچه ژرژ مارش در فرانسه از درون همین منطق (اصالت اکثریت کمی) بدین نتیجه رسید که چون نرخ رشد خرده بورژوازی... پس دیکتاتوری پرولتاریا قابل تحقق نیست

افراد ایدئولوگ بوجود می آید که در زمینه فکری رشد میکنند در اینجا با هم همان قضیه دور تقدم و تاخر زیربنا بر روبنا وجود دارد. در این تقسیم بندی که بر اساس تقدم شعور بر روابط اجتماعی استوار است، با هم به اشکالی بر می خوریم و سئوالی مطرح می شود که کد روابط؟ اگر منظور تقدم روابط گذشته بر شعور است که شعور در نتیجه آن به عقب باز خواهد گشت. و اگر منظور روابط و شیوه تولید مربوط به آن باشد است که هنوز اطلاعی از آن درست نیست که شعوری پیدا شود و اینجا است که این عدم انسجامها انسان را سردرگم میکند. سئوالی که مطرح می شود اینست که وقتی ما معتقدیم شیم که در بعضی مقاطع روبنا نسبت به زیربنا تعیین کننده بوده و اصالت دارد. این مقاطع را چه کسی باید تشخیص دهد. چگونه است که در یک شرایط مشخص دو جریان یکی حزب توده و دیگری چریکهای فدائی به دو روبنا را اصل و مقدم بر زیربنا گرفته و به مشی مسلحانه میرسد و دیگری با اصل گرفتن زیربنا

... اینجا است که واقعیت مشروط به تشخیص اندیشمندان میگردد
اینجا است که می بینیم شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا، نه واقعی و مستقل از ذهن، که موکول و مشروط به اراده رهبران است و در نهایت، یک نفر با تشخیص خود و بدون ملاک مستقل از ذهن و واقعی هر چه خودش خواست، تصمیم میگیرد.

در آن مقطع به تشکلهای صنفی سیاسی در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر روی آورده. ما رکیستها از کجا بفهمند که راه کد میک از این دو جریان صحیح تر است. وقتی در اصلی ترین و بنیادی ترین ملاک که رابطه زیربنا و روبنا است، مرز بندی مشخص و منسجم وجود ندارد پس ملاک و موضع گیری سیاسی چیست؟ می گویند اندیشمندان باید تصمیم بگیرند و اینجا است که واقعیت مشروط به تشخیص

اندیشمندان نمی گردد. اگر ذهنیتی هم در این تشخیص وجود داشته باشد دیگر قابل درک نیست و راه نفوذ برای جریانها نحرافی بازمی شود چرا؟ چون وقتی ملاک تشخیص رهبران حزب و یا گروه باشد و آنها فقط بتوا نند تصمیم بگیرند که در شرایط خاص روبنا مقدم بر زیربنا است یا زیربنا مقدم بر روبنا چنانچه در سطح روشنفکران حزب و رهبری عنصری نفوذی و منحرف باشد حرکت حزب موکول به اراده او میشود اینجا است که می بینیم شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا نه واقعی و مستقل از ذهن که موکول و مشروط به اراده رهبران است و در نهایت یک نفر با تشخیص خود بدون ملاک مستقل از ذهن و واقعی هر چه خودش خواست تصمیم گرفته و حزب و نیروها را به دنبال خود میکشاند و درست در همین جا است که مرز شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا با استبداد فردی و خودکامگی که سمبل ایده آل لیسم است مخدوش شده و عملاً خود تبدیل به آن می شود. در آنچه گذشت شیوه حکومتی دیکتاتوری پرولتاریا و سایر آن و رابطه آن با ما تریالیسم فلسفی و ما تریالیسم تاریخی را بررسی کردیم و پس از آنکه شیوه های حکومتی ایده آلیستی (حکومت مردم بر مردم - حکومت خودکامگی و استبداد فردی) را بررسی کردیم سخیت این شیوه (دیکتاتوری پرولتاریا) را با آنها بررسی نموده و دیدیم که از نظر ریشه، در نهایت این شیوه های حکومتی همگی مستقیم یا غیر مستقیم به خودکامگی و استبداد فردی منجر میشوند لذا نمیتوانند راهنمای عمل مبارزات انقلابیون قرار گرفته و راهگشای مستضعفین نیستند. در شماره آینده به بررسی شیوه های حکومتی خودکامگی یا دموکراسی مکتبی خواهیم پرداخت.

"والسلام"

زندگی اخروی

نمونه‌های ایثار و نجات در جبهه‌های نبرد اسلام و کفر

زندگی اخروی

و توطئه تخلیه شهرهای پشت جبهه

بنام خدای شهیدان

بمناسبت ۱۲ فروردین سالگرد تهاجم موشک‌های ۳ متری به مناطق مسکونی اهواز و ذوقول برای نشان دادن نقش معاددم مقابل با توطئه تخلیه شهرها و همچنین برای نشان دادن رمز پیروزیهای طریق القدس و فتح المبین و.....

در روز ۱۲ فروردین سال گذشته، همان هنگام که مردم شهادت طلب سالروز جمهوری اسلامی ایران را جشن گرفته بودند، صدام با موشک‌های ۳ متری شهرهای ذوقول و اهواز را مورد هدف قرار داد و بسیاری را به خاک و خون کشانید. اکنون که یکسال از آن واقعه میگذرد، قصد داریم که توطئه امپریالیسم رادرایسی مورد شیوه اسلامی مقابل با آن را بررسی کنیم.

آثار و عواقب ضد صدامی حملات موشکی به مناطق مسکونی

آنچه که در حمله‌های موشکی صدام کاملاً مشخص است اینکه هر بار موشکی به یک منطقه مسکونی اصابت می‌کند، موجی از خشم و کینه مردم را علیه صدامیان بهمراه می‌آورد. مردم داغ‌دیده با سوز دل به صدام نفرین میکنند و بی‌سیم می‌قی علیه کافران شکل میگیرد این کینه مقدس و انقلابی در محدوده مناطق جنگی باقی نمی‌ماند، بلکه سراسر کشور و مستضعفین منطقه را نیز در بر میگیرد و صدام در منطقه منزوی می‌شود.

همچنین رزمندگان اسلام با اطلاع از خبر شهادت مردم این شهرها، در مبارزه برای سقوط صدام و آزادی کربلا، ثابت قدم تر شده و شتاب حرکتشان تشدید می‌شود. این پراوران با شهادت پیمان می‌بندند که با دفع تجاوز و شیوه انقلابی، سقوط فاشیسم رادرایسی تسریع کنند. چرا که با این اعمال وحشیانه به این گفته امام میرسد که: "حزب بعث عراق چه در زمان جنگ و چه

در زمان صلح مشغول جنایت است". در نتیجه با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی، برای فتح واقعی که همانا سقوط صدام و آزادی مسلمین عراق است می‌کوشند. همین مردمند که با اتخاذ شیوه‌های مکتبی به تاکتیک‌های گره‌گشا دست می‌یاورند و دشمن را عقب می‌رانند.

از طرفی هر بار که صدام شهرها را به موشک می‌بندد، ماهیست فاشیستی او بیشتر رو شده و مظلومیت و حقانیت انقلاب اسلامی آشکارتر می‌گردد. در این میان مسلماً افکار عمومی جهان نیز بر علیه این اقدام وحشیانه شکل می‌گیرد و در مناطقی که دروغ‌پسند صدام که تهاجم خود را تنها تدافعی در برابر دخالت ایران در امور داخلی آن کشور مینامد نفی میکند.

پس چرا صدام مناطق مسکونی را بمباران میکند؟

علیرغم تمامی عوارض فوق، این سؤال مطرح می‌شود که پس چرا صدام اقدام به بمباران شهرها میکند؟

شاید بنظر آید که صدام با حملات موشکی خود میخواهد به جان و مال مردم زیان رسانده و آنها را از جنگ خسته کند تا مردم پشت جبهه، ضد جنگ شوند و از خط مشی انقلاب اسلامی که تداوم جنگ است ناراضی گردند. صدام میخواست نا رضایتیها را در شهرهای پشت جبهه بسیج کند که مسلمانان این افراد ناراضی و ضد جنگ وقتی به مناطق افتر می‌روند با خود موجی از نا رضایتی را همراه ببرند. و بدین که بنی‌صدر هم از نا رضایتی مناطق جنگ زده سو استفاده می‌کرد و به این مناطق دائماً رفت و آمد داشت. اما باید توجه داشت، درست است که تخریب شهرها توسط صدام هر روز به تعداد آوارگان جنگی می‌افزاید و فشار اقتصادی روی دولت را افزایش میدهد. اما بیشتر از آن، این مردم آواره نسبت به

صدام کینه پیدا میکنند و تمام مشکلات و مصائب خود را از جانب او می‌بینند. همچنین مردم با این دیدگاه به بهترین نحوی با نا رضایتیها مبارزه میکنند و از خواسته‌های رفاهی در برابر مسائل اصلیتر چشم‌پوشی میکنند. زیرا آنچه که برای مردم آزار و اذیت از هر چیز دیگر مطرح است تنبیه و دفع متجاوز است و طبیعتاً باید بیشترین نیروها در این جهت متمرکز شود. به این ترتیب بمباران مناطق مسکونی برای عراق یک موفقیت نیست بلکه برای مایک زحمت با شد و نا رضایتیها را بسیج کند. بلکه دامی است که بر سر راه انقلاب اسلامی می‌گسترند و خود طعمه آن می‌شود.

تقویت خط نجات

شاید هدف صدام از بمباران شهرها، تقویت خط نجاتی که معتقدند با بر قدرت آنها نمی‌شود در افتاد و با ایده‌های جنای قدرت را با خود داشت یا لااقل به یکی از جناحها تکیه کرد تا به زندگی ادامه داد. این عده در برابر شهادت مدعی سلاح و کودکان بی‌پناه، پیش از گذشته خوف از بر قدرت آنها در دل می‌پرورانند و از ترس اقدام جنگ و خصوصاً کمک‌های همه جانبه به دولت عراق، شعار پاپایان جنگ از طریق مصالحه را مطرح میکنند.

اما باید توجه داشت که علیرغم ضعف اینها ملت ما به خونبار بودن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" و "صداور انقلاب" بیشتر واقف می‌شوند. تبدیل انسانهای مکتبی - نظامی به انسانهای مکتبی - سیاسی یکی از اهداف توطئه صدام در حملات موشکی به شهرهای پشت جبهه این است که مقاومت نظامی می‌بومی را که در آن مناطق مانده اند و چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی صلاحیت کسب کرده اند، در هم بشکند. مردمی که در اهواز و ذوقول زندگی میکنند، در بسیج دفع تجاوز افرادی مکتبی، نظامی شده اند. وقتی شهرهای خود را که در واقع سنگر آنهاست تخلیه میکنند، تبدیل به آدم‌های مکتبی - سیاسی می‌شوند و در

شرایطی که امپریالیسم به مرحله عمل نظامی علیه انقلاب اسلامی رسیده است، هر مسلمانی که در فاجعه و حالت مکتبی - نظامی نباشد، نمی‌تواند بطور کامل با آن مبارزه کند و توطئه‌های دشمن را بفهمد. شیوه‌ها و تاکتیک‌ها نیز همچون صدام آن بود که جوانان حق طلب و مبارزان که به مرحله مبارزه قهرآمیز و مسلحانه مکتبی علیه رژیم رسیده بودند به افرادی عرفی سیاسی تبدیل کند. به همین دلیل ساواک در برخورد با مبارزین تلاش میکرد از یکطرف رژیم را یک قدرت بزرگ و استوار معرفی کند و از طرف دیگر مردم را طرفدار رژیم و یا لاقلاً خاموش قلمداد کند. تا از این طریق آنها را به این نتیجه برساند که از طریق قهرآمیز نمی‌توان با رژیم درگیر شد بلکه می‌بایست با شیوه‌های سیاسی کاری بدنیا آید تا تر شدن فضای سیاسی جامعه بود. به این ترتیب ساواک گروهی را از خط مشی مسلحانه به شیوه‌های صرف سیاسی و فرمیستی میکشاند

وقتی به شهرهای پشت جبهه می‌آیند و زندگی جا به کف توده‌ها را از زرد و مرد تا پیرو جوان می‌بینند، تعجب بیشتری احساس میکنند. حضور مردم، مسئولیت رزمندگان سپاه و ارتش و بسیج را مستمرا ذکر می‌کنند و به آنان روحیه‌ای تازه می‌بخشند تا در سنگرها با صبر و استقامت به طرح شیوه‌های تهاجم و دفع تجاوز بپردازند. توطئه صدام این بود که می‌خواست خوزستان منطقه نظامی شود. در جو صرفاً نظامی توده‌های بسیج شده در راه خدا که از دیدگاه اسلام بنیادی ترین نقش را دارا هستند، کم‌کم بی اهمیت تلقی می‌شوند و طبیعتاً شیوه کلاسیک نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه که گفته شد عوارض و پیامدهای خط تخلیه شهرهاست. اما باید ببینیم که هدف اصلی صدام چه بوده است که دستاوردهای فوق را نیز دنبال می‌آورد.

مقصد اصلی صدام مقابل با زندگی اخروی است

صدام پس از اشغال قسمتی از خاک ایران، دید که مردم منطقه



و حتی بسیاری از مرزها مناطق دیگر، مشتاقانه در شهرهای پشت جبهه زندگی می‌کنند. در حالیکه هر آن امکان پیشروی سربازان عراقی و اشغال خوزستان و سایر مناطق حمله موشکی هست، در نتیجه شهرها را به توپ و موشک می‌بندند تا مردم منطقه را تخلیه کنند. اما با مقاومت مردم روبرو می‌شود. می‌بینند که مردم ذوقول با اصابت موشک به خانه‌های مسکونی، از شهر که نمی‌روند هیچ، همه به بقیه در صفحه ۲۷

این گروه بی‌شک توان مبارزه بنیادین و نفی کامل رژیم شاه را نداشته و با شعارهایی نظیر اجرای قانون اساسی، آزادی زندانیان سیاسی و... بجای "مرگ بر شاه" عملاً با خط اصلی انقلاب تابه آخر همراهی نکردند. تبدیل عامل مکتبی - نظامی به عامل نظامی صرف صدام می‌خواهد از طریق تخلیه شهرها، پشت جبهه رزمندگان اسلام را خالی کند و سپر بی‌صاف مقدم جبهه مردم، خلاء بوجود آورد. رزمنده‌ها

امیدوارم این جنت، جنت لقاء باشد. امیدوارم که مشتری شما، شمارا در حضور خود پذیرائی کند. امام خمینی

خونین شهر ...

روبنایی قلمداد شده است ما فقط به یک موردش توجه داریم و آنهم تجا و زبه عنف می باشد که دکترا شریعتی یک مسئله رو بنایی قلمداد کرده بود ولی ما دیدیم که این مسئله از هر زبیر بنایی زیر بنا تراست و به عمق وجود انسان اصیل بر می گردد که ما این انسان را زیر بنا می دانیم و با تجا و زبه "ارحام مطهر" راه رشد انسانهای مستضعفی مثل خواهرها در خونین شهر که جوهرتاریخند و اینها زینب ها بی هستند که بچه هایشان عباسها و علی اکبرها و علی اصغرها خواهند بود. و دقیقاً همینها هستند که توطئه امپریالیسم را افشا کردند و بعث عراق میخواست ۵ روزه خوزستان را بگیرد و بر خط اما م فشار می آوردند تا آنرا با سازش بکشانند و الحمد لله که موفق نشدند و خواهرها و برادرها و پسرهای همین خواهرها بودند که تا دم شهادت پیش رفتند. بنا بر این تجا و زبه راه خدا شده و اینها سد راه خدا بند. و همین است که: "فاکتوا فیها الفساد دمعی" میشود.

برادر دیگرمان از آذربایجان به اهواز آمده بود و میگفت در جبهه بودم و با برادرهای آذربایجان که تماس می گرفتم تقریباً از هر ۱۰ نفرشان ۹ نفر می گفتند انگیزه آمدنمان به جبهه این بود که به خواهرها ایمان در خونین شهر تجا و زبه را ببینیم که این مسئله "عصمت" و "طهارت" و "ارحام مطهره" جقدر مهم است که عده زیادی با این انگیزه به جبهه آمده و شهید میشوند چونکه به خواهرها ایمان تجا و زبه شده است و یک نفر از این ده نفر گفته بود که انگیزه من اسلامی است بعد برادرمان می گفت که احساس کردم این یک نفر انگیزه اش اسلامی است و نفری تعصبات خاص آذربایجان نیامده اند. چون آذربایجانها غیرت خاصی دارند که این عمل را خیلی نکوهیده میدانند مثلاً تمام حماقت زنا نه و تمام حماقت مردان نه جدا از یکدیگر است حتی درهای آنها و نیاید هم دیگر را ببینند که این مسائل عفتی و طهارتی را خیلی بها میدهند. بعداً مجموعاً به این نتیجه رسیدیم که نه اتفاقاً این یک چیز نزدی یا غیرتی خاص آذربایجانها نیست و این ۹ نفر که با این انگیزه آمده اند انگیزه شان اسلامی تراست و درست دست روی جوهر اسلام گذاشته اند یعنی یک محوری از اسلام که راه رشد است که اصلاح جوهر اسلام است نه شکل اسلام، که از مسلمانها جدا نیست، بنا بر این اینها اسلامشان عمیقتر و پایدارتر است که برادرمان لرزید و تکتانی خورد که اصلاً برایش تبیین تاریخ یک جور دیگر شد و ما عتقا روی این مسئله فکری کردیم تا اینکه نشستیم و با هم این مسئله را جمع بندی کردیم و چیزی که به ذهنمان رسید گفتیم و برادرمان به آذربایجان رفت و این مسئله را گفته و خیلی انگیزاننده بود خیلی بطرف جبهه بسیج شدند و مسئله حل شد چرا که به اسلامی واقفتر شده بودیم که از مستضعفین جدا نیست

منهم یدبح بنا هم ویستحیی نسا هم نه کان من المقدر" (سوره قصص آیه ۳)
فرعون برتری جست و برتری طلب بود و جا معاش را به طبقات تبدیل کرد یک طبقه را مستضعف نگه داشت. بدین

و کلاست هر چه بیشتر با لامی بر نند و پیچیده می کنند در حقیقت نزاع تا ریخ بر سر این دوشیوه تولید است. یکی شیوه تولید اسلامی که شیوه تولید توده ها است

برود جوانان ما خوار نمیدانند: الم توفیق فعل ربك بصدام آیا ندیدی پروردگار تو با صدام چه کرد؟

و تولید مستضعفین است و این راه رشد توده ها است یکی شیوه تولید نعمات مادی و مالت دادن به تولید بزار و کلا رو اینطور چیزها ... ایندوشیوه در تضادند اینست که فرهنگ امپریالیستی فرمول مالتوس را مطرح میکنند که با بد جمعیت تصاعدی با لارود و بعد میگوید زمین برای کشت نیست و اینها مردم را از افزایش جمعیت می ترسانند و غرض ضدبایداری را مجانی توزیع میکنند در مملکتی که حتی فحش مجانی هم به آدم نمی دهند قرص مجانی میدهند که واقعا آدم تعجب میکند. اینها از توده ها و از زبیا دشمنان می ترسند. بدین علت که وقتی زبیا دشمنان می کنند روابط انسانی و تولیدی را عوض می کنند و تمام این زمینها زیر کشت برود و بیبا با آنها تمام ما زیر زراعت برود و مملکت خود کفا شود. امپریالیسم می آید در این مملکت و راه خدا را اینطور سد میکند و در کشور فحشا را زبیا دمیکند، فیلمهای سکسی می آورند و بهر حال هم جنس با زبیا مردان را ترویج میدهند و در انگلستان قانونش را در مجلس تصویب میکنند که دو مرد به هم تجا و زبیا کنند گناه نیست و نمی توان از این مسئله جلوگیری کنند یا تجا و زبیا پذیرد به دختر آزاد شد که پنجاه هزار نمونه در انگلستان وجود دارد که این مرتب رشد فحشا را ترویج میکند. شهید حنیف نژاد در بیدار دگاه شاه گفته بود: دو نوع فحشا داریم یک فحشا در شمال شهر که ناشی از فساد است مثلاً فلان خانم که پوست خرد و زرد گردن دارد به یک شوهر و دوشوهر قانع نیست و یا فلان مرد ثروتمند به یک زن و دوزن قانع نیست و هدف هر کدام رشد انسان نیست بلکه خوشگذرانی است و دیگری هم فحشا از فقر اقتصادی است که از لحاظ فقر به اینکار دست میزند پس درسی که از رفتنمان به جبهه گرفتیم

ترتیب که پسرهایشان را می کشت و زنهایشان را نگه میداشت که این خودش فساد است. وقتی باطلی به او جابطل بودن خودش میرسد. و قتی که: "فاکتوا فیها الفساد" میشود یعنی جلوی راه رشد آدمها را می گیرند اینجاست که با طلبها و فساد فساد رسیده است.
راه رشد چیست؟ راه رشد انسانها و توده ها بخصوص توده های مستضعف پیروان نبی است که جوهرتاریخند چیست؟ فرعون بچه ها را می کشت و مادران را نگه میداشت البته مادران را به این دلیل نگه میداشت که از آنها بعنوان برده میخواست استفاده و بهره برد. مثلاً در جایی سنگها و کارهای دیگر و گرنه تاب و تحمل مادرها را نیز نداشتند پس بنا بر این فرعون هم وقتی سقوط میکند که به او فساد میرسد دست به چنین اعمال زشت و شنیع میزند (جلوگیری از زاد و ولد و تولید نسل و کشتن نسل)

قوا لوط وعذاب الهی

هنگامی بر قوم لوط عذاب الهی نازل میشود که اکثریت قوم لوط به راه رشد انسانها لطمه میزنند، ضربه میزنند و عمل شنیع لوط را انجام می دهند که سبب سبیل الله شده اند. یعنی درست راه رشد را سد کرده اند که اینجاست عذاب خدا با یدبیا ید و دیگر وقتیکه لوط (ع) کارها و صحبتش را تمام میکند و حرفش اثر نمی کند وقتی زنش هم از او بر می گردد اینجاست که با یدبیا یدمان داشته با شیم عذاب خدا نازل شدنی است و با یدبیا ید روایت و جا معاشی خارج شویم و دیدیم که عذاب خدا هم می آید و بیه حضرت لوط هم وحی میشود و آن چند نفر تزکیه شده نجات پیدا میکنند.

راه رشد سرمایه داری و وحشت از راه رشد آدمها

اکنون خود امپریالیسم را بررسی می کنیم که در کشور های جهان سوم مثل ایران بوسیله قرص ضدبارداری جلوی راه رشد توده ها را سد می کرد و جلوی راه خدا را وسنت رسول اکرم (ص) را می گرفت با الاخره توده های مستضعف، توده های "الله اکبر" گو و توده های "لا اله الا الله" گو هستند و امپریالیسم از روزی می ترسد که الله اکبر را تحقق دهند.

۲- راه خدا، راه رشد انسانها است.

وقتی در طول تاریخ به چنین ارجام مطهر و چنین دخترهای متقی و خواهرهایی که زینب گونه بوده اند، تجاوز میشود، راه رشد یعنی راه خدا را سد میکنند و اینجاست که جوهر باطل آشکار میگردد... و وقتی باطل به این مرحله از تکاوت برسد، مراحل اول و زوالش شروع میشود.

فرعون وعذاب الهی

حالا مثلاً در طول تاریخ فرعون را در نظر میگیریم که تا چنانچه از راه رشد مستضعفین می ترسد و وحشت داشته باشد "ان فرعون عنقی ناری وجعل اهلها شیعا یستضعف طائفه"

مهمترین درسها همین بود که وقتی برادران و خواهرها را آنجا می شنیدند واقعا حالت لرز دست میداد و یکدفعه بدنشان میلرزید و یکدفعه تبیانشان از تاریخی عوض میشد و اینک ما می گوئیم اصالت انسان و اینکه ابزار در خدمت انسان است و اتفاقاً این انسان جقدر انگیزه است و این رحمتها و طلبها مردان جقدر مهم است و جقدر این دستورات پیغمبران و انبیا علیه السلام در پرورش اطفال و نقش اطفال و نقش مادران مهم است اینک رحمتها یشان را مظهر نگاه دارند تا آلوده نشود و بعد از تولد طفل در تربیت طفل طوری بکشوند که محیط آلوده روی اطفال اثر نکند و یک زینب یا علی اکبر پرورش دهند و انسانها یشان با شرافت تولید کنند می بینیم واقعا دستوراتی با ما می آید است حالا وقتی به موضع شهادت و خون رفتیم تازه حرف و دستورات انبیا را بهتر می فهمیم و حالا یدبیا ید کنیم از آن نکا و رد لاور که وقتی شنیده بودیم خواهش در خونین شهر تجا و زبیا شده که خود نیز از اهالی آنجا به دل نچنان نیرو بی پیدا کرده بود و واقعا نیروی الهی در جنگهای خونین - شهر چنان نشادتی از خود نشان داده بود که سی - چهل بعضی را نفله میکند. حتی بعضیها را خفه کرده است بهر حال انگیزه قوی است و ما واقعا متا سفیم که انشاء الله خدا نبخشد و مردم هم نمی بخشند چون بسج مردم در روز عا شورا با نطق بنی صدر از زمین رفت و اراطلا شاره ای به این جنایات فاشیستی بعث عراق نکرد و تازه میگفت که سربازهای عراقی شهیدند و سربازهای ما هم شهیدند و واقعا

تمامی افراد جبهه ها از همین مردم محروم زاغه نشین هستند. امام خمینی

نهضت مجاهدین و...

میدادند و اردا انقلاب شده و دم از انقلاب ورهبری مردم زدند که بخشی از توطئه های آنها در کتاب "توطئه ها علیه انقلاب" گفته شده است. با ید توجه کرده دشمن چقدر هوشیار و بیدار بوده است، شیوه ساواک در این بوده است که به تضا دین مراجع و امام خمینی تکیه کند و مراجع مخالف خط مشی نفی سلطنت امام را به طرق مختلف تقویت بنماید. ساواک در سال ۵۳ به بعضی از صنایع کمپرا دور نظیر خسرو شاهی - تکلیف کرده بود که بخشی از مالیات خورد را بصورت خمس بدفترایت ... شریعتمداری تحویل دهند و تدریجا آقا را به شیوه تولیدی کمپرداری وابسته نمایند و هم چنین سرمایه داران هم بخشی از سهم چند کارخانه را در اختیار آیت ... قرار دادند و آنگاه که خط امریکا برای این اساس بود که از طریق ایران در آفریقا نفوذ کند، مبلغین آقا برای تبلیغ اسلام به آفریقا می رفتند. آید در شرایطی که بهترین فرزندان خلق زیر شکنجه های رژیم قرار داشتند با ید اسلام را در آفریقا تبلیغ کردیا علیه وضع موجود مبارزه کرد؟

بعد از سال ۴۳ ما خمینی با کا پیتولاسیون که مقدمه نفوذ بیشتر سیا سی آمریکا بود به مخالفت برخاستند و تبعید شدند. آیت ... شریعتمداری ایشان را تنها گذاشته و هیچ مخالفتی با کا پیتولاسیون ننمودند. خط مشی ها بطور آشکارا زهم جدا شد. از آن به بعد ظلاب طرفدار امام را برای سربازی به پادگانها می فرستادند و یکبار آقای شریعتمداری گفته بودند که "خمینی در نجف اعلامیه می نویسد و در سرها یش به گردن ما می افتد". وقتی در سال ۵۵ خانواده های زندانیان مجاهد به نزد آقا رفته و در منزل ایشان تحصن کردند، ساواک یکی از خواهان مجاهد را با زداشت نموده و به او گفته بود که "کا شما موجب شده که آبروی آقا برود" وقتی ما گفته بودیم که "تا شاه نرود به ایران نمی آیم" آیت ... تقاضای بازگشت امام خمینی به ایران را میکنند تا امام منزوی شده و موضع رژیم تقویت گشته و انگیزه طرفداران امام از بین برود. وقت، امام فتوی دادند که سربازان و افسران با ید ارتش طاغوتی را رها کرده و فرار کنند. آیت ... شریعتمداری گفتند: "سربازان نباید به مردم تیراندازی کنند". در فتوای امام

ارتش نفی میشد و در این فتوی ما هیت ارتش تثبیت می گشت. در قبال حکومت خدا بر مردم (قرآن بر مردم) اما خمینی آیت ... شریعتمداری حکومت مردم بر مردم و با ید موکراسی غربی را مطرح می کردند و پرواضح است که با این شیوه حکومتی جناح های طاغوتی حاکم می شدند زیرا که پایگا ههای امپریالیسم که عبارت بودند از سلطنت، دربار، گارد شاهنشاهی و ارتش، حزب مخفی ساواک عناصر رستاخیزی و طرز تفکر آن، هم چنین بوروکراسی دولتی و صنایع و بانکها و تجارت وابسته و قرارداد طاغوتی نفت، خانه ها، فئودالها و هم چنین خرده بورژوازی راست (زیر طبقه کمپرا دور) بر سر جای خود باقی بود و اتحاد جناح های فوق الذکر با لیبرالیسم سازگار و فرم میسم مذهبی و خمینی - نما، حاکمیت را دومرتبه بدست می گرفتند.

شما مکتبی "خدا، قرآن، خمینی" که ولایت امام خمینی را در کا در توحید و نبوت مطرح میکند در کا در توحید و نبوت مطرح میکند موجب میشود که جلوی اتحاد فوق الذکر گرفته شود، و نهضتی است در برابر نظام و با ید موکراسی غربی عمیقاً در تضاد است. طرفداران حکومت مردم بر مردم آگاهانه و با ید

نبود و زندگی او هم چنین چیزی را نشان نداده بود. مخالفین این اختیارات طرفداران قانون اساسی و رژیم سلطنتی و طرفدار دموکراسی غربی بودند و مصدق را به فاشیسم و دیکتاتوری متهم می نمودند. انگلیس و آمریکا و ارتجاع از طرق گوناگون این اختلافات را دا من زده و مخالفین را بطور مرئی و غیر مرئی تقویت می نمودند. میرا شرافی ها - شمس قنات آبادی ها، بقاشی ها، مکی ها، حائری زاده ها، بهبهانی ها - و کلیه عناصر کودتا چی و توطئه گر خود را در پناه مقامات مذهبی مخفی نمودند. حالاهم تا ریخ تکرار می شود اما درمداری پیچیده تر. وقتی علم مخالفت علیه ما مو اختیارا ت اوبلند می شود، ساواک به تمام جناح های طرفدار خود دستور می دهد که مراجع مخالف خط امام را با ید تقویت کرد و همچنین ساواک (در گزارش خود) معتقد است که مخالفین امام را با ید متشکل کرد و آنها را از پراکندگی نجات داد.

با ید حا دثه قم و تبریز - زو اصفهان را در این رابطه بررسی نمود. ساده اندیشی که از موضع کارگری با لیبرالهای سازگار علیه فاشیسم و دیکتاتوری هم موضع شدند و با ید توطئه لیبرالها افتادند، با ید به خود آیند. در قبال شعار "نفی نظام شاهنشاهی" امام خمینی، "شاه را بکش" با ید سلطنت کننده حکومت "آیت ... شریعتمداری مطرح شد که موجب تثبیت نظام شاهنشاهی میگردد.

گام به گام را داشتند، اینها هم سالم ماندند و مردم ما هیت آنها را شناختند. مثلاً روحانیت رفور میسم دولت با زرگان را تا فید میکرد. شرح مکتب جلسه ۱۲ صفحه آخر "جریانی که در تبریز اتفاق افتاد عین کودتای ۲۸ مرداد بود ... حال در تبریز چه شد؟ عین همان اتفاق افتاد اختیارات امام خمینی بعنوان ولایت فقیه در فرماندهی ارتش، دادستانی تصویب صلاحیت رئیس جمهور مطرح بود. آیت ... شریعتمداری با این اختیارات مخالفت کرد تمام مخالفین انقلاب هم دور او جمع شدند، سرمایه داری کمپرادور فئودالها و مراغه ایها از او حمایت کردند و بعد را دیو تلویزیون را گرفتند و ارتش هم از آنها حمایت کرد و اتحادیک جناح از ارتش با یکی جناح های مردم شدیک مینی کودتا، حالابا یدی ساده اندیشی را کنا ریگذا ریم و ببینیم کودتای اجنبی در قدیمی ماست و اگر که ما بر خورد جدی با ارتش و روحانیت لیبرال و سلطنت طلبان و فرمیستها نکنیم کلاهما ن پس معرکه است.

شرح مکتب جلسه ۱۵ - ۱۹ - ۱۶ بهمن ۵۸ - صفحه ۴۴

در قبال حکومت خدا بر مردم (قرآن بر مردم)، امام خمینی، آیت ... شریعتمداری حکومت - مردم بر مردم و با ید موکراسی غربی را مطرح میکند... شعار مکتبی "خدا، قرآن، خمینی" که ولایت امام خمینی را در کا در توحید و نبوت مطرح میکند، نهضتی است و با ید موکراسی غربی عمیقاً در تضاد است. طرفداران حکومت مردم بر مردم، آگاهانه یا نا آگاهانه در خط امپریالیسم کار می کردند و اگر نقطه نظرهای خود را عوض نکنند از این بعد جنبه خصمیت و یا توطئه خواهد گرفت.

کتاب شیوه های ساواک. اسفند ۵۸

گام به گام به قرآن و از قرآن به خدا برسند و لذا با این روش ما در برابر سواالات دردناک زیر قرآ ر میگیریم

۱ - ملاک انتخاب مرجع چیست؟ و با چه ملاکی اشتباهات او را تشخیص دهیم؟ یا با ملاکهای ذهنی یا منافع فردی و طبقاتی خودمان؟

۲ - ملاک تشخیص امامت چیست؟

۳ - ملاک استنباط از قرآن و خارج شدن از دور طیبه محکم و متشابه در قرآن و روایت چیست؟ همه اینها بدون پاسخ میماند مگر اینکه از توحید به قرآن و از قرآن به امامت و مرجعیت برسیم. و در غیر این صورت شیوه تفسیر به رای و با حاکم کردن ذهن به جهان خارج و با حاکم نمودن ذهن به قانون بیان نگارین جهان یعنی قرآن می باشد و این شیوه بصورت خطرناکترین و راستگرا ترین گرایش مذهبی در اسلام در آمده که به ایده آل لیسم مشروعیت داده و به استبداد شرعی تبدیل میگردد شیوه ای که مطلقاً از تسلیم میرا بوده و به استکبار مشروع منجر میگردد و مذهب موبد طبقات چیزی جز این شیوه نخواهد بود (۱).

راه مجاهد: تحقق این شعار از ابحا دپوروش شریعتمداریها جلوگیری میکند.

با ورقی (۱): توده های که در انقلاب اسلامی ایران شهید شدند همه میگفتند "اینست شعرا رملی خدا، قرآن، خمینی" که در حقیقت امام را در کا در توحید و نبوت به رهبری خود برگزیدند.

* * * * *

کتاب قیام شبان شکن تبریز تیرماه ۵۹ - صفحه ۹۳

"بعد از قیام ۲۹ بهمن" قیام تبریز به علت ویژگی ثبات شکنی اش نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران شده هر گونه راه سازش را بست و سنت چله های خونین را بنا گذاشت و در استمرار این چله ها بود که ۲۲ بهمن ها آفریده شد.

بعد از این روز (۲۹ بهمن) رژیم و عناصر سازشکار، از آنجا که فروریختن پایه های حاکمیت خود را احساس میکردند، به دست و پا افتادند.

بعد از استقرار ارتش و کنترل نسبی شهر، دستگیریها را رژیم در سطح وسیعی آغاز کرد تا جو ترور و وحشت ایجا دکنند بطوریکه حدود یک هفته بعد از ۲۹ بهمن تعداد دستگیرشدگان به ۶۲۸ نفر میرسد.

در عدم پیش بینی قیام رژیم ارزش زیادی به دانشگا ه و نیروی روشنفکری بعنوان پیشتا ز میا - زرات قائل بود. بطوریکه در ۲۹ بقیه در صفحه ۲۴

نهضت مجاهدین

بهمین، غیر از نیروی خودگارد کماندوها را نیز در دانهنگاه مستقر کرده بود (الذین کذبوا بآياتنا سنستدر جهنم من حیث لا یعلمون سوره اعراف آیه ۱۸۲: "آنها تیکه آيات ما را تکذیب کردند بتدریج از جایی ضربه به آنها میزنیم که خود نمیدانند.)

علل مهم این جمع بندی رژیم را میتوان در عوامل زیر جستجو کرد: بعد از ۱۵ خرداد بجز گروه مؤتلفه تمام حرکات، دانشجویی و دانش آموزی بودند مثل حزب ملل اسلامی، مجاهدین گروه جزئی فدائیان، گروه فلسطین و گروههای خودجوش، از ترکیب زندانها نیز ۹۹٪ دانشجویان دانش آموزان و بقیه از اقشار دیگر مانند بازرگانان بود و بدین ترتیب تحلیل رژیم این بود که اگر ضربه ای بخورد از جانب روشنفکران خواهد بود.

از سوی دیگر رژیم روحانیت را زیر سلطه آیتا... شریعتمداری میدید و با مطرح کردن اصل رفرمیسم...، تمام نیازهای سرمایه داری وابسته را ارضا میکرد از نقاط قوت این قیام یکی این بود که توده های شهرهای دیگر به جمع بندی حرکات مستقل رسیدند.

بعد از قیام ۲۹ بهمن، امام خمینی نفسی نظام سلطنتی را که تا آن موقع به صورت آموزشی در اعلامیه های مطبوعاتی مطرح کرده بودند (کتاب ولایت فقیه و محکوم کردن جشنهای ۲۵۰۰ ساله و... بصورت یک شعار سیاسی و نتوای لازم الاجرا در آورده اند که شور و شوق میا رزین راه حق را در چندان نمود و منجر به بسیج هر چه بیشتر مردم شد و این در واقع از نتایج قیام ۲۹ بهمن بود که امام آما دگی مردم را برای لبیک گفتن به شعار نفی نظام سلطنتی دریا-فتند.

مراجعی مانند آیتا... شریعتمداری و سیاستمداران جیمی کرات ضد دیکتاتور بودند که خواست سرمایه طلبی وابسته خصوصی نیز بود.

از سوی دیگر رژیم روحانیت را کاملاً تحت نفوذ خود میدید مثلاً بقراری که شنیده ایم در حوزه طبع تم ساواک و اوقاف شاه ۵۰۰ منبع داشت که بعد از انقلاب کشف شد. بعد از ۱۵ خرداد، بیشتر طلبه های طرفدار امام خمینی را تبعید میکردند، و به زندان می-انداختند و یا به سرپازی میبردند. رژیم نسبت به قدرت بسیج امام در بین روحانیت و مردم و نیز نسبت به مواضع مکتبی و ضد امپریالیستی امام مذهبت وجهالت داشت و باید

داشته باشد تا ضربه بخورد منافع طبقاتی رژیم وابسته، باعث استمرار نفس اما ره بالسوء او میشد (اصالت کامل به ذهن و منافع طبقاتی اش) که رژیم با ما رکهای نظیر: آنها بیکه در قیام تبریز شرکت داشتند اجنبی بودند و از روسیه و فلسطین آمده اند حاضر نبود قبول کنند این قیام زودتر خود مردم جوشیده است.

... با وجود همه این دسائش و تفرقه افکنی ها قیام به حدی عمیق بود که حتی رژیم را مجبور به اعتراف به بخشهایی از فساد موجود کرد و ااشا ره به وجود نارسا-ثیهای در سیستم بوروکراسی و اقتصاد نمود و سعی کرد انگیزه

های حرکت خلق را در خواستهای رفاهی و رفرمیستی محدود کند به همین جهت هیئتی به فرمان شاه، روز اول اسفند عازم تبریز شدند، سرپرستی این هیئت را ارتش و شفتت بر عهده داشت و اعضاء عمده آن سپهبد فیروز مند سر لشکر بیت الهی و سر لشکر رحیمی بودند این هیئت با روسای انجمن های ملی، بازاریان روحانیون و دانشگاهیان بحث و گفتگو کردند.

(کیهان ۵۶/۱۲/۳)

رفرمیسم مذهبی نیز با پذیرش این هیئت، نخستین تلاش خود را برای به سازش کشانیدن و رام کردن خلق قیام مگر غرگران تبریز آغاز کرد، قسمتی از نامه جا مع روحانیت تبریز به رئیس هیئت اعزامی چنین است:

"اینک جا مع روحانیت تبریز با کمال دلسوزی و واقع بینی و وظیفه مقدس ارشادی که دارند از مقامات حکومت خواستارند با واقع بینی از ارشادات مراجع بزرگ دینی در این روزگار آشفته جهانی استفاده کرده و مملکت عزیز شیعه ایران را که نمونه کاملی از اسلام است، نگارید دست خوش یک عده انگشت شمار ضد مذهب و ضد روحانیت شیع قرار بگیرد، بیا بید عموما با پیروی از مراجع تقلید سلامت و عزت تمامیت و استقلال این مملکت مبارکه را با تمام مقدسات آن تا ظهور فرج امام زمان نگهداری نماییم؟"

آیتا... شریعتمداری نیز بلافاصله بعد از قیام طی تلگرامی به مراجع مذهبی شیوه های قهر-آمیز مردم را محکوم کرد که اتاق اصناف نیز با استفاده از همین تلگرام با صدور اعلامیه ای از مردم خواست که مغازه های خود را باز کنند (رستا خیز ۵۶/۱۲/۱)

همچنین رژیم برای تخطئه حرکت مردم و تبلیغات به نفع خود درست یک هفته بعد از قیام مقدمات میتینگ معسروف ۳۰

فروردین را فراهم کرد.

یکی از نموده های حاکمیت رفرمیسم در تبریز چهارم شهردای ۲۹ بهمن بود که یکی از روحانیون طرفدار آیتا... شریعتمداری بنام وحدت طی یک سخنرانی مردم را از تظاهرات منع کرد، در حالیکه به همین مناسبت در شهرهای دیگر بخصوص یزد، حرکت قهرآمیزی روی داد که تقریباً ویزگیهای ۲۹ بهمن را در سطحی محدودتر داشت. میتینگ ۲۰ فروردین رژیم به زور سر نیزه برگزار شد کارگران و دانش آموزان و دهقانان اطراف با تهدید و اوعاب و عوام فریبی و گاه تطمیع به سخنرانی آورده شدند هدفهای کلی که از برگزاری این میتینگ دنبال میشد جا-انداختن این منطق در اذهان بود.

- ۱ - شرکت کنندگان در قیام آذربایجانی نبودند.
- ۲ - ضد مذهبی بودن شیوه های

وتوده ای ۲۹ بهمن میتوان نتیجه حاکمیت سازشکاران مذهبی (جناح آیتا... شریعتمداری و حکم آبادی و بنا بی و وحدت) افزای از روحانیت ساده اندیش و روحانیت رفرمیست (شریانی) جستجو کرد اگر چه اقدامات اصلاحی مذهبی نمایی و آرام سازی و دستگیریهای گسترده و تهدیدات تیمسار شفتت را بعنوان شرط نمیتوان فراموش کرد.

تظاهرات دانشجویی ۱۸ اردیبهشت ۵۷ که به دادن چندین شهید منجر شد ادامه منطق ۲۹ بهمن بود که قشر موجود آورده این حرکت دانشجویان مسلمان بودند که رفرمیسم مذهبی نتوانسته در آن نغذو کند.

در واقع دو جناح انقلابیون و رفرمیستهای مذهبی همیشه در درگیری بوده اند، منطق رفرمیسم مذهبی در مقابل انقلابیونی که تداوم انقلاب را در شهادت جستجو



میکردند ترش از خونریزی بود.

رژیم نیز به علت ترس از خونریزی نیروهای مسلح و از هم پاشیدن آنها، با منطق جلوگیری از خونریزی به تئانی بار رفرمیستهای مذهبی اعم از روحانی و غیر روحانی میپرداخت، بطوریکه سدا حدی در کند کردن حرکت مردم شده بودند در صورتیکه اگر بپذیریم حق و باطلی وجود دارد الزاماً خونریزی نیز وجود خواهد داشت. ولی کلاترس از خونریزی ترس از ریختن خون رژیم بود، زیرا اگر حرکت قهرآمیز مردم ادامه پیدا میکرد با ضربه خوردن ارتشها با

مردم در روز قیام ۳ - مذهبی بودن شاه ۴ - اگر اعتراضی به دولت وجود دارد باید از راههای دمکراتیک مطرح شود. (بحث آزاد) در اعتراض به این مانور تبلیغاتی کارگران کارخانه ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز که در پیوند با دانشجویان قیام مگر بودند اعلام اعتصاب غذا کردند.

در تبریز بعد از قیام ۲۹ بهمن حرکت چشمگیر قهرآمیزی رخ نداد. علت مبنایی سکوت تبریز را بعد از قیام شکوه مند و قهرآمیز

اوج گیری ساواک کشی جلوی سازش گرفته میشد. خط آمریکا این بود که نیروهای مسلح و ساواک علیه رژیم پاسیدگی اش سالم بمانند، بنابراین این اینان با سازش خود در خط آمریکا بودند.

ولی علیرغم میل آقایان در همه شهرستانها میا رزه قهرآمیز ادامه یافت. اصولاً نظر مکتبی، ترس از خونریزی منطق شیطان است. (برای توضیح بیشتر به داستان آدم در قرآن مراجعه شود.)

عملکرد های رفرمیسم مذهبی را در تبریز، میتوان در مقاطع مختلف بعد از قیام ۲۹ بهمن مشاهده کرد: محدود کردن تظاهرات مردم در محوطه بازار، مقاومت در برابر شهردار این موارد و هم موضع شدن با ارتش که این نمایشگاهها را برهم میزد از شهر بیرون انداختن روحانیون انقلابی که با سخنرانی های خود میا رزه را به طرف هر

چه قهرآمیز شدن سوق میدادند (تبعید آیتا... مدنی و حجت الاسلام حمیدزاده). در این موارد از همکاری ارتش هم بی نصیب نبوده اند (شفقت و بیداد با دی) بعد از حکومت نظامی و روی کار آمدن سر لشکر معدوم بیداد با دی روحانیون طرفدار آیتا... شریعتمداری در برنا مه ریزیهای تظاهرات و جلوگیری از تظاهرات قهرآمیز مرتباً با او مشورت می-کرده اند تا جا تیکه خود بیداد با دی معدوم بعد از دستگیری هنگام محاکمه در دادگاه اعتراف میکند که با همکاری عده ای از آقایان بوده است که از زمان استقرار حکومت نظامی توانسته است شهردار آرام نگهدارد!!

نقطه اوج سازش روحانیت رفرمیست و سر لشکر بیداد با دی، در قیام ۲۲ بهمن بود که بیداد با دی تکیه بر این سازش تظا هر به-انقلابی بودن و ضد ساواک بودن کرد و در واقع در صدد انجام توطئه ای بزرگ بر علیه انقلاب بود که با پیام تاریخی امام خمینی خطاب به مردم تبریز این توطئه درهم شکسته شد و انقلاب همچنان پیش میرود.

حال در خاتمه، چند سوال مطرح میشود که با دریافت جواب منطقی آنها با توجه به متن کتاب رهنمود ما برای درک حرکت خلق میباشد.

۱ - آقای بنی صدر همزمان با ورود جا مع بین المللی سوسیالیستها، گفته بودند: انقلاب ایران یک انقلاب سیاسی بود آیا ایشان در قیام قهرآمیز تبریز بوده اند و جریاناتش را میدادند و در قیام چه نقشی داشتند؟

نهضت مجاهدین

۰۰۰

۲ - آنچه مسلم است قیام تبریز یک قیام اسلامی نبود و بنیانگذاران سازمان مجاهدین هم در صدد چنین قیامی بودند که ضربه خوردند ولی در خط مشی شان حتی قیامی وسیع تر از این - پیش بینی شده بود.

۳ - یا چنین پیش بینی ای می تواند از ایدئولوژی التقاطی و یا ایدئولوژی بازیربندی مارکسیستی ناشی شود؟

۴ - آیا قیام تبریز واکشهای مذبحخانه و ما یوسا نه خرده بورژوازی سنتی در حال اضمحلال بود و یا حرکتی بودا میدوارانه، در جهت گسترش امت واحد (جامعه توحیدی بدون طبقات استثمارگر) و نقی نظام سلطنتی و حاکمیت امپریالیستی و صهیونیستی اش؟

جزوه "تصرف لانه جاسوسی آمریکا صفحه ۳۳ تا ۵۸

۲ - رفرمیسم مذهبی با روحانیت رفرمیست یعنی تأیید قانون اساسی بدون شاه، بازیر بنای فکری دموکراسی غربی و به علت شرایط، خمینی نمایی دارد.

صفحه ۱۸ - ۳ - خمینی نمایی، مشکل اصلی درون جنبش است. کلیه رفرمیستها و نیروهای اصلاح طلب نیز خود را به خط امام منتسب میکنند، و هر کسی به نحو دلخواه خود خط امام را تفسیر و تعبیر مینماید، تا جاییکه این توهم پیش آمده بود که هر کسی خط مشی نداشت خود را به خط امام وصل مینمود... حرکت اخیر مرز بین خط امام و سایر خطهای سازگارانه را تا حدی روشن نمود.

سیاست کامبکام - زمستان ۵۹ صفحه ۲۰۱

... عده ای هستند که با آقای بازرگان مخالف بوده و ولیکن هیچ انتقادی به شیوه تفکر و نحوه برداشته شدن ایشان از اسلام ندارند و بدین جهت عمل کردشان یکسان بوده و اختلافشان در امر رهبری است، به عنوان مثال شیوه حکومت آقای مهندس دمکراسی غربی یا دیکتاتوری بورژوازی (دیکتاتوری طبقه) است، که عینی آن اصلت دادن به رای اکثریت کمی (بدون توجه به مستضعف بودن یا نبودن و بالنده بودن و یا نبودن آن) است و همین شیوه را جریانهای رفرمیستی و سازمانهای دیگر (جبهه ملی، حزب توده، آیتا... شریعتمداری جنبش ملی مجاهدین) به

اشکال مختلف منجمله حکومت، با اصطلاح مردم بر مردم و یا خلیفه الهی عامه مردم و یا مشروط کردن انتخاب فقیه به پذیرش کمی عامه مردم، در مواضع مکتبی و یا بیانی و مصاحبه های خود اعلام کرده اند.

صفحه ۲۵ - آقای بازرگان بعد از آزادی از زندان در سال ۴۶ فعالیت سیاسی خود را محدود به انجمن اسلامی مهندسين و پزشکان میکنند و به آقای شریعتمداری نزدیک شد و یک بار به قم رفتند و در دارالتبلیغ سخنرانی کردند که با این کار خود را از جنبش جوانان جدا کردند.

از انقلاب پنج اصل رفرمیسم خود را (اجرای کامل قانون اساسی، انحلال ساواک، انحلال رستاخیز با زگشت امام، آزادی زندانیان سیاسی) در برابر شیوه قهرآمیز مردم ارائه کرد فردی که سخنگوی بنی احمد عنصر وابسته به رژیم بود هم او بود که بعد از ۱۷ شهریور بر نامه های اصلاحی شریف امامی را تأیید میکرد.

عملکرد چندین ماهه بعد از انقلاب نشان میدهد که جنبش ملی مجاهدین با شریعتمداری و خلق مسلمان با راهام موضع شده است از جمله حمایت از تشکیل مجلس مؤسسان و حمله به نهادهای امام

آیتا... شریعتمداری در بولتن ویژه نخست وزیری در تاریخ ۵۷.۷.۲ چنین گفته بود: یکی از پایگاههای ضد رژیم سلطنتی ایران، خفاست، که من صد در صد با این پایگاه مخالفم و من برای حفظ مملکت و دیانت و سلطنت فکر میکنم. من برای خنثی کردن و تخریب متکی به قانون اساسی شده ام.

در برابر نهادهای دولت، لیبرال دموکراسی بر خط مشی تداوم مبارزه با امپریالیسم و پایگاههای لیبرالیش ترجیح داده میشود. صفحه ۱۱ - اگر منظور از ارتجاع سپاه پاسداران است، در آن زمان (پس از انقلاب) که رهبران سپاه با عناصرا واک و دربار مباحره می کردند، جنبش ملی مجاهدین در برابرش موضع گرفت و در جریان دستگیری مجتبی طالقانی توسط یکی از گروههای سپاه در صف لیبرالهایی که میخواهند سپاه را منهدم کنند قرار گرفت که در نهایت منجر به تصفیه جناحی که عملکردش ضد ساواک بود شد و در حقیقت جنبش ملی مجاهدین با متین دفتری حزب خلق مسلمان یزدی و قطب زاده و... در یک موضع قرار گرفتند.

جنبش ملی و کودتا - سال ۵۸ صفحه ۱۹

آیتا... شریعتمداری قبل از انقلاب نه تنها فعالیتش در خلاف جهت مصالح رژیم دست نشانده سلطنتی انجام نمیداد بلکه در خدمت آنهم قرار میگرفت. در بولتن ویژه نخست وزیری (اطلاعات و امنیت کشور) در تاریخ ۵۷/۷/۲ چنین گفته بود: یکی از پایگاههای ضد رژیم سلطنتی ایران نجف است که من صد در صد با این پایگاه مخالفم و من برای حفظ مملکت و دیانت و سلطنت فکر میکنم. من برای حفظ تاج و تخت و رژیم متکی به قانون اساسی شده ام و راه میان راه را انتخاب کرده ام. به همین خاطر بود که دوماه به شریف امامی مهره جدید

گرفتند که گروههای ضد انقلاب چون جبهه دموکراتیک ملی و حزب کارگان سوسیالیست و فرقه آزادخواه آذربایجان و... آنها پشتیبانی کردند و جبهه الاسلام! محمدی رئیس حزب خلق مسلمان در تبریز بعد از زلفی راهپیمایی گفته بود برای این که عملاً "عمق بعد از ختنه قران نشان دهیم از همه گروهها و آزادخواهها برای شرکت در راهپیمایی دعوت کردیم و طرفداران راستین آزادی! با ما اعلام همبستگی کردند، آیا تعطیل روزنامه آمریکا - تعطیل آبندگان دلیل بر اختناق است؟ شریعتمداری و حزب وی از تعطیل شدن چنین روزنامه ای فریاد و آزادی سر میدهند، ملاک اینها برای آزادی چیست؟ آیا آزادی برای فعالیت بر علیه انقلاب است؟

۴ - موضع در مقابل اشغال لانه جاسوسی: حزب خلق مسلمان در تبریز شعار مرگ بر خمینی و مرگ برداشجوی پیرو خط شیطان میداد و با عمل انقلابی اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان خط امام مخالفت آشکار می نمود.

قرآن راهنمای عمل - ۵ - سخنرانی برادر میثقی، مهرماه ۵۹ - صفحه ۱۱

"سال ۵۲ که ما مخفی بودیم آقای خسروشاهی که از تجار بزرگ و وابسته میباشد ساواک به او دستور داده بود که توی جای مالیات میروی و خمس و زکات را به شریعتمداری میدی و با دادن این خمس طبعاً شریعتمداری بد تو یعنی صنایع کمپرادور و صنایع وابسته، وابسته خواهد شد و خط مشی اش را در جهت حفظ منافع کمپرادور و این طبقه باطل و میورا

رژیم مهلت داد تا اصل رفرمیستی و سازشکارانه اش را اجرا کند که عبارت بودند از: اجرای کامل قانون اساسی - انحلال ساواک - انحلال حزب رستاخیز با زگشت امام - خمینی و آزادی زندانیان سیاسی... و این شیوه را در مقابل شیوه قهرآمیز نافرمانی سلطنت امام امت عنوان نمود که محتوای کلامش چیزی جز تأیید سلطنت نبود، در شرایطی که امام ملاقات با امینی را رد کردند - آیتا... شریعتمداری با امینی ملاقات کرد و ضمن مصاحبه اش با رادیو لندن هنگامی که مردم در کوچه و بازار و خیابان شهید میدادند نخست وزیری صدیقی عرض جبهه ملی را تأیید نمود که خط آمریکا روی کار آوردن عناصر وابسته جبهه ملی بود.

آیتا... شریعتمداری پس از انقلاب برای مقابله با خط امام حزب خلق مسلمان را تشکیل داد. سردمداران این حزب طبق استاد منتشره عناصر وابسته به ساواک و سیا همچون حکم آبادی واعظی، شریبانی و مقدم مراغه ای و علیزاده بودند و گردانندگان دیگر این حزب سرمایه داران و فئودالهایی مثل صدقیانیسی توکلی، برق لامع و... بوده اند. آیتا... شریعتمداری علاوه بر حمایت از سرمایه داران خود نیز در شرکت "سیاک" نود میلیون ریال سهم گذاری کرده است. برخی از مواضع آیتا... شریعتمداری و جنبش بدین قرار است:

۱ - در مقابل مجلس خبرگان؛ آیتا... شریعتمداری در مقابل مجلس خبرگان، بخاطر ضدیت با خط امام مجلس مؤسسان را مطرح کرد و بعد هم نمایندگان چون مقدم مراغه ای خائن و وابسته به به سایر آیتا... شریعتمداری و به مجلس فرستاد.

شریعتمداری که قانون اساسی شاه را تأیید میکرد، از موضع مخالفت با اصل ولایت فقیه (امامت) با قانون اساسی مخالفت کرد و خواستار حکومت مردم بر مردم شد.

۲ - قانون اساسی شریعتمداری که قانون اساسی شاه را تأیید می کرد، از موضع مخالفت با اصل ولایت فقیه (امامت) با قانون اساسی مخالفت کرد و خواستار حکومت مردم بر مردم شد. آیتا... شریعتمداری و به مجلس فرستاد.

۳ - روزنامه آبندگان شریعتمداری و حزبش خلق مسلمان بخاطر حمایت از روزنامه آمریکا آبندگان تصمیم به راهپیمایی

فطرت

نما یدولی این تحلیل و از ارزش و الای بر خوردا راست که بعدا مبنای ادا مه کار ایدئولوژیک در درون زندان گردیدا و به منطق فطرت راه یافته بودنتوانست در تمام وجود آنرا تحقق دهد .

ویژگی پایداری خدا جویی در انسان را میتوان در رابطه با تمام صفات خدا تحقق داد که بحث بیشتر در باره آن را به بعد موکول میکنیم .

ایمان به نظم و اجدها ن: ویژگی پایداری بشرایمان به نظم و اجدها ن است . ایمان به نظم و اجدها ن یک امر فطریست که در کلیه انسانها وجود دارد . ایمان فطری به نظم و اجدها ن از تجلیات توحید است و بدین ایمان به خدای واحد نمیتوان به نظم و اجدها ن مومن بود . فطرت بدین دلیل بازی نمیخورد که به نظم و اجدها ن مومن است چرا که هیچگونه بی نظمی فطوری با رگی و یا عدم انسجام و سستی در نظم عالم را ندارد . " مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَأَرْجِعُ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُتُورٍ " در اینجا قرآن استدلال میکند که در نظم عالم اختلافی و عدم انسجامی نیست ، آیا میتوانی فطوری عدم انسجامی ببینی ؟ " ثُمَّ ارْجِعُ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ " سپس اگر چنین است در بینش خود شک کن و دو مرتبه به نظم عالم نگاه کن .

ینغلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر

ایمان در تلاش پیگیر میکنند تا به نظم جدید برسند و تصویر جدیدی از جهان برسند چنانکه دکتر پلانک نام کتاب خود را چنین انتخاب میکند " تصویر جهان در فیزیک جدید " یعنی ضمن ایمان به نظم و اجدها ن که مستقل از ذهن است دانشمندان تصویری از این نظم عالم هم دارند و خود پلانک معتقد است چه بسا ده سال دیگر تصویر جدیدتری پیدا شود که با تصویر من از جهان متفاوت باشد ، صولاهرا نسانی به نظم واحد جهان ایمان دارد و به قانون واحدی که بیانگر جهان باشد ایمان دارد .

شهادت حقیقت آنرا ایمان به نظم و اجدها ن را جزو ارکان شناخت بیان کرده بود و این چیز است - بهت که بنظر نا شناخته مانده است ، و معتقد بود که قبل از هر شناختی ایمان فطری به خدا و نظم و اجدها ن وجود دارد ، و به مقوله تقدیم ایمان بر شناخت رسیده بود گرچه کلاما بازی نشده بود منظور از تقدیم ایمان بر شناخت همانا تقدم ایمان به نظم و اجدها ن بر شناخت " و " تقدم ایمان به خدای واحد بر شناخت است " اینجا است که تقدم ایمان بر شناخت را همه دانشمندان هم حتی بطور فطری قبول دارند ولی بصورت یک نظام معرفتی و مدون و منسجم ارائه نشده است .

شهادت حقیقتی در سال ۵۲ در ملاقات با برادران گفته بودند گرچه تصور مقدم بر تصدیق است و اصولا تصور و تصدیق با هم میباشند ولی تقدم ایمان بر شناخت را قبول داشتند و مورد خاص آنرا که تقدم ایمان به نظم و اجدها ن در هر گونه معرفت و شناخت باشد را پذیرفته بودند .

فطرت به آن دلیل بازی نمیخورد که انسجام طلب و مومن به نظم و اجدها ن است و به هیچ چیزی کمتر از قانون واحد و نظم واحد قانع نیست و به همین دلیل است که سازش نمیپذیرد .

در زمینه علمی ، فطرت انسجام طلب وقتی قادر به تبیین جهان با قانون نیوتن نیست ما یوس نمیگردد بلکه تلاش پیگیر می کند تا به قانون واحد جدیدی برسد که بتواند به تبیین برتر از عالم برسد و وقتی عدم انسجامی در فرمولها یا دانشمندان ملاحظه میکنند آن تن نمیدهد و به نظم عالم شک نمی نماید بلکه با ایمان به نظم و اجدها ن ذهنیت خود را تصحیح میکند و به نظم جدیدتری میرسد و در این رهگذر رشد و تعالی هم مییابد بنظر ما عقل را هم اگر از فطرت بینهایت طلب و فطرت انسجام طلب جدا کنیم به یک بت جدید گشتی تبدیل میگردد

میزند و لافطرت منسجم و فطرت انسجام طلب هما نظور که بازی نمیخورد و سازش نمیپذیرد ضرب پذیر هم نیست .

ایمان به امت واحد: از تجلیات توحید در هر انسانی از قدیم الایام تا کنون ایمان به حکومت جهانی واحد و ایمان به امت واحد است که در مذهب ما بصورت ایمان به جا معه توحیدی اما زمان است که برقرار کننده قسط و عدل میباشند . فطرت وحدت طلب مستقیما به حکومت جهانی واحد مومن است و فطرت عدل طلب مستقیما به جا معه قسط

برهان صدیقین : برهانی است که ما را مستقیما به خدا میرساند و ضمن راهیابی به وجود به صفات او هم ما را رهنمون میکند و هم به منطق وجود و رابطه خدا و بندگها که منطق فطرت باشد .

بیانیم به منطق فطرت مسلح شویم تا بازی نخوریم .

و عدل و مسلماً چنین فطرتی بازی نمیخورد و به چیزی کمتر از حکومت جهانی واحد و حکومت عدل امام زمان قانع نیست و لذا فطرت نهضت آفرین و حرکت آفرین است ، زیرا روکننده است هر چیزی را در سر جای طبیعی الهی خودش میگذارد ، من جمله اسرائیل را و از اینجا است که با تمامیت وجود باطل یعنی کمپ دیوید و طرح فهد مبارزه میکند ، فطرت خدا جوی انسان در جهان بصورت ایمان به نظم و اجدها ن در میآید و در تاریخ بصورت ایمان به امت واحد ، این فطرت انسجام طلب

میبینیم همین توده های فطری و حضرت عباسی که با رستگاری قبا مهای ۱۷ شهریور و قبا م تبریز و اصفهان و قم و ۲۲ بهمن و جنگ اسلام و کفر بدوش آنها بوده است بازی نمیخورند ، اگر چه بنی صدر چند صاخی به حاکمیت میرسد ولی فوراً عدم انسجام او در روغهای او را تشخیص میدهند و او را از گون میکنند .

فطرت بمعنای گسیختگی و پارگی و سستی و عدم انسجام و مدول از فطرت آمده است ، هر کجا سستی و فطرتی شد ضربه پذیر خواهد بود و شیطان از همانجا ضربه

است که به شعرا مکتبی " خدا قرآن ، خمینی " میرسد و آنرا تحقق میدهد شعاری که میخواهد از توحید به کتاب فطرت یعنی قرآن برسد و با ملاکهای توحیدی ، قرآنی به انتخاب مرجع خویش میرسد و مسلماً چنین فطرتی بازی نمیخورد و به خوب کسی میرسد ، فطرت حساب و کتاب در قرآن قانون فطرت است قرآن کتاب فطرت است و در قرآن هیچگونه عدم انسجام و اختلافی دیده نمیشود . فطرتی شدن یعنی قرآنی شدن یعنی قرآن را راهنمای عمل خویشتن قرار دادن بقول امام بائید سالها زحمت بکشیم تا به فطرت خود بازرگردیم .

برهان صدیقین امت واحد خود وسیله ای است برای رغبت بیشتر بسوی خدا ، امت واحد هدف نهایی نیست و توقف و سکون در آنجا راه ندارد در همه حال صیروت الی الله است ، آیا شیطان میتواند در هر آن چنین امتی را بازی دهد ؟

برهان صدیقین برهان صدیقین است که ما را مستقیما به خدا میرساند و ضمن راهیابی به وجود به صفات او هم ما را رهنمون میکند و هم به منطق وجود و رابطه خدا و بندگها که منطق فطرت باشد .

تا بازی نخوریم .

منابع برای تحقیقات بیشتر : (کتاب روش رقابلیسم جلده ۵ برهان صدیقین با پاروقیه های استاد شهید مطهری - کتاب مبدا وجود) از انتشارات تهذیب مجاهدین خلق - درس اسفار آیت الله العظمی در راه دین برنا مه دوم سیرت طور برهان صدیقین صحبتها و پیا مهای امام خمینی و تفسیر الحمد دعای سحر

راه مجاهد: ۱ - خط تداوم جنگ تا دفع تجاوز و زکامل رسیدن به استقلال ۲ - اما مدرصحتها یشان نحوه پیدایش حکومت رضا شاه را که شکل مذهبی داشت شکافتند و بنظر میرسد که میخواهند ملت مسلمان را از الگوهای غربی نظیر رضا شاه آگاه نمایند که فریب نخورند و دیگر جمهوری اسلامی را با حکومتهای گذشته مقایسه نمودند و بنظر میرسد جوابی باشد که بکسانی که قیاس شیطانیه نموده و میخواهند ارزشهای اسلام و انقلاب اسلامی را محو نمایند و نمود کنند که جمهوری اسلامی عین فاشیسم هیتلریسم است .

سخن امام

۶۱/۱/۲۲ " پیا م ما مدردیدار با عشا یی کاکرکان صدا و سیما ، خیرگزاری جمهوری اسلامی

این گروه های مختلفی که امروز تشریف آوردند ما از نزدیک خدمتان رسیدیم که همه در ارتباط با این جنگ و در خدمت در جبهه بوده اند ، از همه آنها من تشکر میکنم ، امیدوارم که همه آنها موفق باشند ، همانطور که تا کنون دین خودشان را به اسلام و کشور خودشان ادا کردند ، این خدمت را ادا می دهند تا انشاء الله

سایه باید زحمت کشید تا به فطرت خود بازرگردیم : امام خمینی

زندگی اخروی و توطئه.....

طرف خرابیها میشتا بند فروشنده در حالیکه در مغازه اش با زاسته مردم در حالیکه خانه هارا با در باز باقی می گذارند..... همه وهمه با شتاب میروند تا مجروحین را از زیر آوار نجات دهند. جنازه پاره پاره شهدار را جمع آوری و دفن می کنند. در شهیدآباد بر سر مزار خانواده ها بی که هرگاه حتی ۱۳ نفری با هم شهید شده اند، اشک می ریزند و بعد به خانه خویش بازگشته و با کینه بیشتر علیه صدام زندگی را ادامه می دهند و هیچ ترس و واهمه ای هم ندارند. گویا که اصلاحات دهه ای رخ ن داده است.

صدام از موضع استکبار رفوعی و زندگی دنیوی و غرور شیطانسی با زندگی جان برکف این توده هلو شهادت طلب دشمنی دارد. زندگی اخروی آدمهایی که می دانند هر لحظه ممکن است کشته شوند اما شهرهای پشت جبهه را رها نمی کنند زندگی اخروی این انسانها موی دماغ امپریالیسم است.

امپریالیسم با دیدن انسانها بی که علی رغم حملات موشکی صدام به زندگی عادی خود ادامه می دهند وحشت میکند از یک طرف از ادامه این شیوه که همانا زندگی جان برکف است می ترسد و از طرف دیگر از عالمگیر شدن این فلسفه و این شیوه زندگی می هراسد. زیرا که تمامی صنایع نفتی و نظامی امپریالیسم در برابر این انسانها از کار می افتد. (منظور شیوه زندگی خودکفا و جان برکفی است که نه اجازت تجارت نفت را می دهد و نه با این پول نفت سلاح می خرد) آری، آنچه موجب بمباران شهرها و مناطق مسکونی می شود یک تضاد تاریخی و بنیادی است تضاد بین خط دنیا و خط آخرت آنها که به دنیا اصالت می دهند. از زندگی اخروی بیزارند و فقط میخواهند بزعم خود شرانسانهای جان برکف را کم و جلوی رشد امت واحده را بگیرند صدام ناچار است شهرها را به توپ و موشک ببندد.

خونین شهر.....

حالت آوار است در مملکتی که اسلامی با شد و ایمن جنایات را ببینند و علاوه بر اینکه کمک برای این مدافعین در خونین شهر و خواهرهای مسجدیمان نمی فرستند. حتی دستور عقب نشینی هم میدهند و بعد میگویند نه اسلامی هست نه آزادی هست نه استقلال هست و در جریان حق و باطل معلوم نیست که ما حق باشیم و بعدا ما را به نام اینگونه مسائل و تمام کارهایی که بعضیها انجام دادند در سیدگی و اشاره نکرد. در مقام رئیس جمهوری اگر این مسائل را در روز عا شورا میگفت مردم چقدر بسیج میشدند و چقدر بسیجشان افزوده میشد چقدر از عراقیها مجبور به برگشت بودند و خاک ما را ترک میکردند. تقی محمد ۱۲ دی ماه ۵۹

پاورقی (۱): واژه "کیف" در قرآن همین چگونگی و

به عنوان فاشیست معرفی شوند برایشان مهم نبود که هیپی هم مظلوم شوند و جوانان دیگر را جنب خود کنند. فقط میخواستند که اینها هیپی نباشند.

شیطان بزرگ برای از میان بردن شیوه زندگی آنها که در محتوا مبارزه بر علیه فساد و تحمیل بود، در بین آنها نفوذ کرد و آنان را که به عشق زندگی ساده از روابط سرمایه داری بریده بودند به عشرت و فساد دکشا نید. طوریکه به شکل وحشی، بی قید و ضدمدن و فساد جنسی معرفی شدند که البته بایک نظر اجمالی اینطور هم هستند.

زندگی اخروی تمامی حسابهای امپریالیسم را بهم میریزد عقل حسابگر امپریالیسم تا حدودی کار آیی دارد و می تواند عواقب کارها را بسنجد، ولی وقتی زیر بمباران، نماز جمعه برپا می شود، دیگر عقل حسابگر مادی از کار می افتد. وقتی که بچه ها با قلبهای کوچک و شجاع خود، در شهرها زیر توپ و موشک مقاومت می کنند، عقل صدام حسابگری را از دست می دهد آنقدر بیست می شود کم از خون ریختن لذت می برد و شخصا به طرف این اطفال پاک او معصوم موشک پرتاب میکند. عقل حسابگر امپریالیسم، در مقابل خط مشی زندگی اخروی از کار می افتد و فقط میخواهد هر طور شده زندگی اخروی را که جوهر انقلاب اسلام است، بکشد و نابود کند.

جنگ اسلام و کفر، تضاد بین دنیا و آخرت تضاد انقلاب اسلامی با رژیم بعث عراق، تضاد بین دنیا و آخرت است. آنچه برای صدام اصل است نابودی خط مشی اخروی این نهضت است. زندگی جان برکف رزمندگان اسلام با صدام و تمامی شیاطین مبارزه بنیادی و ریشه ای می کند. در نتیجه ساده اندیشی است اگر فکر کنیم امروز که صدام خواستار مصالحه و پایان جنگ است، بر استی دست از دشمنی برداشته است. صدام روز بروز کینه بیشتری پیدا می کند خصوصا اکنون با گذشت حدود یک سال و نیم از آغاز جنگ، صدام بیشتر می ترسد.

والسلام قسمتی از سرود "فتح قدس"

دنباله درسیهای از انقلاب چهارم

بمبعد فاصله قطب زاده از اول اصلی انقلاب به رهبری امام بیشتر می شد تا به حدی رسید که از داشته اند. با ادامه با زجوشی از کودتا چنان بایستی شبکه سیار رابطه اش با ساواک را افشا کردم و برخوردی جدی و قاطع نمود و الا همکاری با سیا مشروعیت پیدا مینماید. در کودتای اول خلق مسلمان یعنی اشغال رادیو و تلویزیون تبریز جریان ریشه با بی کمال نشد و دیدیم که دو مرتبه در بعد وسیعتری تکرار شد.

۴ - ضد استبداد، و نه ضد امپریالیسم

قطب زاده در روزی که با هواپیمای امام به ایران آمد به یکی از برادران گفته بود بعضیها به غلط امپریالیسم را بزرگ میکنند در حالیکه ما فقط با استبداد شاه سر جنگ داریم و به محض واژگونی سلطنت، دیگر دشمن چندانی نداریم و امپریالیسم چیزی نیست! کسانیکه فقط ضد استبدادند و نه ضد امپریالیسم و برای آن ارزشی قائل نیستند نمی توانند در خط امام با شند چرا که خط اسلامی امام، چه قبل و چه بعد از قیام ۱۵ خرداد، نفوذ صهیونیسم در ایران و وابستگی سلطنت به آمریکا را با رها خاطر نشان کرده بود و مبارزات ضد سلطنتی از مبارزات ضد امپریالیستی جدا نبود و می بینیم قطب زاده وقتی از انقلاب زاویه گرفت که به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به لانه جاسوسی آمریکا حمله کردند و بقول امام انقلاب دوم که بزرگتر از انقلاب اول بود شروع شد و انقلاب به مرحله مبارزات ضد امپریالیستی آشکار رسید، از آن

۵ - تصحیح ذهنیت درس دیگر قابل آموختن اینک عده ای از نیروهای مبارزان، حاکمیت انقلاب را به دو جناح لیبرال و ارتجاع تقسیم بندی می کردند در حالیکه چه قبل و چه بعد از انقلاب ارتجاع امپریالیستی مشترکی وجود داشت که چه در داخل روحانیت و چه در بیرون آن با خط صیل امام مبارزه می کردند و انقلاب آنقدر اصالت داشته که این دو جناح ضد انقلاب را بهم پیوند می دهد یا دیدی که مشترک آنها را پیدا نمود. و بجای این تقسیم بندی های غیر اصولی به تضاد بین اسلام و کفر رسید.

۶ - سخنی با هوا داران ساده اندیش رجوی بیائید از خط مشی هم خطی با شریعتمداری و ساواک و سیا دست بردارید آنرا که عیان است چه حاجت به بیان است. سالهای قبل بردرود یوار تهران شعار آیتا... سید کاظم رجوی نوشته شد و آیا وقت پندگیری فیرا نرسیده است؟

پیام اینه پیام اینه
پیام اینه پیام اینه

برخی از خلق قهرمان
درستیز با ستمگران
در صدور انقلابمان
به جهان مستضعفان
مقاومت مقاومت مقاومت
مقاومت مقاومت مقاومت
ای تو خواهر شهید
رفتیه در راه می
میروم به راه تو
بشنوم پیام تو
ای که گفتی اینچنین
آخرین سخن همین
در بند برد ظالمان
بر علیه دشمنان
مقاومت مقاومت مقاومت
مقاومت مقاومت مقاومت

بروزن سرود شلیخه در خون

پیام خواهرم زینب چینه

نیایش استضعاف

جنابت ۱۵ شعبان، روز جهانی مستضعفین

اللَّهُمَّ عَرِّفْ فِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْ فِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ
رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْ فِي سَوْلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْ فِي سَوْلِكَ
لَمْ أَعْرِفْ جُنُودَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْ فِي جُنُودِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْ فِي
جُنُودِكَ لَمْ أَعْرِفْ ضَلَّتْ عَنْ دِينِي

نیایش در غیبت صغری توسط ابوعمرو نایب اول امام قاسم به
ابوعلی محمد بن همام
(ترجمه: "پروردگارا وجودت را بمن شناسان که اگر نفست
را بمن شناسانی فرستاده‌ات را نخواهم شناخت، پروردگارا رسالت
را بمن شناسان که اگر شناسانی هرگز حجت روی زمین را نخواهم
شناخت، پروردگارا امام و حجت را بمن شناسان که اگر شناسانی
از دین گمراه شده‌ام."

شرح دعا:
این دعا، دعای مؤمنین عاشقی است که همواره و در هر لحظه
نیازمند درک رابطه مستقیم خویش با خداوند می‌باشند و همه چیز را
تجلی ذات می‌دانند.
دعای مؤمنینی که می‌گویند: "و اجعل جها دنیا فیک وهمتنا
فی طاعتک... (۱) خداوند! جها دنیا را در راه معرفت خود قرار بده و
همت ما را در راه عبادت خود.

این دعا، دعای کسانی است که می‌خواهند از طریق خدا و صفات
خدا به شناخت نبوت و رسول اکرم (ص) برسند و حتی رسول اکرم (ص)
ول شخصیت اسلام را بنده خدا میدانند که با فرد پرستی و شخصیت پرستی
زمین تا آسمان متفاوت است.
این دعا، دعای مؤمنینی است که ایمانشان به خدا و صفاتش
کلیدی است برای فهم نبوت و قرآن و با ملاک خدا و قرآن است که به
امام و ولی و مرجع خود می‌رسند.

این دعا، دعای کسانی است که مشتاقانه به دنبال حجت و امام
زمان خود می‌گردند و اگر یک لحظه بویایی خود را در این راه از دست
بدهند آن را گمراهی از دین میدانند.
این دعا، دعای مستضعفینی است که با خون خود شعرا را "خدا
قرآن، حمینی" را تحقق دادند و شاه، بنی صدرها و شرعیتمداریه‌ها را
سرنگون کردند.

این دعا، دعای کسانی نیست که می‌خواهند منافع فردی و یا
طبقاتی خود را ملاک قرار داده و با این دیدگاه به دنبال مرجعی
می‌گردند تا منافع آنها را تأیید کند و آنوقت به کمک چنین مرجعی
برداشت‌های خاصی از آیات قرآن می‌کنند و به خدایی می‌رسند کلی
که در اقصا دو مسائل روزمره نقشی ندارد و یک پنجم زمالشان را به
چنین مرجعی می‌دهند تا حافظ ۴ دیگر باشد.
این دعا، دعای کسانی نیست که خدا و رسول و امام را هم عرض
دانسته و در آن تقدم و تأخری قائل نیستند.

پاورقی (۱) - دعای خمسه عشر



مبارزه با یأس در زمان غیبت

جنابت ۱۵ شعبان، روز جهانی مستضعفین

صفات خدا به امامت برسی به
ایمانی محکم رسیده‌ای و در هر
شرایطی حق را تشخیص داده و ایمان
خود را حفظ می‌کنی.

۲ - این دعا همان برهان
صدیقین است که از چیزی کمتر از
خدا به خدا نمی‌رسیم و اینکه وجود
خدا بیدیهی است و نه میتوان آنرا
انکار و نه در آن شک کرد و از وجود
خدا صفات خدا را میتوان شناخت
و بقول ائمه صا دق (ع) تنها باین
شیوه تفکرات که در همه شرایط
در خط امامت حقه میتوان فعال
بود.

۳ - این رهنمود امام صادق
بما درس میدهد آنها که خدا و رسول
و امام را هم عرض دانسته و معتقدند
خدا را از روی امام شناخته‌اند
نمی‌توانند در شرایط انزوای -
اصولی نهضت اسلامی ایمان
خود را حفظ کنند و با یستی در شیوه
تفکر خود تجدید نظر کرد. و از طریق
برهان صدیقین و بی‌واسطه
پدیده‌ها به خدا برسند و با ملاک
صفات خدا رهبر و مرجع خود را تبیین
نمایند تا به یاس کشیده نشوند.
(رجوع شود به دعای مستضعفین همین
شماره - مقاله تبیین مکتبی
امامت و ولایت فقیه راه مجاهد
شماره ۶)

۳ - رهبران کسب‌اند
مدعیان دروغین - افرادی چون
جعفر کذاب بودند که مدعی امامت
میشدند.
۴ - عدم تبیین ایدئولوژیک
از امامت و رابطه توحید و امامت
در چنین شرایطی فقط بسا
تبیین مکتبی داشتن از اصل
امامت و ولایت فقیه است که
میتوان در ایمان خود نسبت به
مکتب و رهبری استوار مانده و در
فتنه نیفتاد.

امام صادق (ع) چینی -
شرایطی را که نهضت اسلامی ظاهراً
در آنزوا بسر میبرد برای یارانش
تشریح میکند. صحابه می‌پرسد در آن
وضع چه کنیم تا در امامت شک
نکنیم امام میفرماید این دعا
شما را نجات میدهد: (اصول کافی
جلد ۲ کتاب حجت)

"اللهم عرفنی نفسک فانک ان
لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک
اللهم عرفنی رسولک فانک ان
لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک
اللهم عرفنی حجتک فانک ان
لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی
۱ - یعنی اگر با ملاک خدا

بنام خدای شهیدان
شرایط زمان غیبت صغری:
دوران بارداری مادر حضرت
مهدی (ع) و تولد آنحضرت بطور
مخفی انجام شد، شرایط پلیسی
بنحوی بود که در دوره غیبت
صغری اسامی امام، محل اقامت
و روابط تشکیلاتی ایشان کاملاً
سری بود. غیر از اربابین خاص
و محدود که نواب با شند آنهم در حد
لزوم کسی دیگر از این مسائل
مطلع نبود.

عواملی زمینه‌ساز در اصل
امامت و تداوم آن میگردید
۱ - امام زمان گرچه بطور
واقع و عملاً در راه نهضت اسلامی
بوده و نقش داشتند ولی ایمن
مسئله شکل عینی و علنی نداشته
نقش امامت در حرکتها تظاهر
اجتماعی نداشت.

۲ - تبلیغات شدید رژیم
حاکم علیه امامت - که اگر امام
هست چرا آشکارا نمیشود، اگر هست
اسمش چیست؟ چرا عملی انجام
نمیدهد؟ اساساً "بعد از امام
سکری رهبری وجود ندارد، و...

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم اجرة. این جستی که
مشرقی به شما عطا می‌کند با جستی که دیگران برای آنها تحق پیدا میکنند
فرق دارد. امیدوارم که این عالم هم که هستند به غیر خدا سرگرم نیستند
نعمتای بهشت را از شما می‌گذرند و متوجه حق تعالی هستند. امام خمینی

پروانه رسمی انتشار راه مجاهد
ماه مجاهد
در راه خدا پیشروان نهضت مجاهدین خلق ایران
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
ریزنظر شورای نویسندگان
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهندس لطف الله میثمی
صندوق پستی: ۷۱/۵۴۴
این هفتمین شماره راه مجاهد است که با اهداف
مذکور در آئین نامه منتشر شده است.
کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت
بهبود کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار
دهید. با تشکر، راه مجاهد

آقای لطف میثمی
بزرگوار است که تاکنون مجاهدات مبارک ۱۳۵۸، ۵، ۲۰
پر از آثار راه مجاهد به روش سیاسی ایدئولوژی
تجزیه بنفشگی، در تهران، تهران، با هم تالیف
و شماره ۲۵۵۲ تاریخ ۲۷/۱/۵۶ ثبت گردید.
بنا بر این توافق بر مبنای مقررات و قوانین مربوطه
تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۷

با گروههای دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید. امام خمینی

* ویژه نامه *

خرداد ماه خون ماه شهادت

فَاتَمَعَ الْعَسْرَةَ
إِنَّ مَعَ الْعَسْرَةَ نَصْرًا

لا محب هـ

در راه خدا بفرست که در بهشت بر تو هم صاحب و سخترتا

نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
سال اول شماره ۷ (ویژه نامه) / ۱ خرداد / ۱۳۶۱
بها ۲۵ ریال

خردا دایران همیشه ماه رزم و خون
فصل پیروزی بر خصم زبون
از پانزده تا چهار خرداد ماه پر خروش
سارود گردیده خای لاله گون

خردا در آن ماه محرم نیمه خرداد
نما داریم آن ماه خرمی و خمینیها
خروش خشم انسانهای آزاده
ما را اندیشیم در تاریخ میببینیم
کدامش انقلاب گریز است
همواره تا با ناست

حسین ای انقلابی مرد آزاده
که ما هرگز نیا ما غم
به خون اطهرت سوگند
به عزم از است سوگند
از بیمودن راه است
همواره تا با ناست
"مجا هدشید سعید محسن"

طرف سرچشمه و بهارستان و
تخریب دولت تظاهرات بر راه میافتد
در خیابان شاهرضا (انقلاب) و
جلوی دانشگاه صفوف هم منظم
بود و هم شعارها هدفدار، شعار
جهت ضد دیکتاتور و ضد امپریالیستی
داشت. بعد از خیابان سی متری
(کارگر) یا تین می آید و بطرف
کاخ شاه می آید. در خیابان سپه
(امام خمینی) به طرف کاخ شاه
اشاره کرده و می گویند "خمینی

می خواستند راه را دیورا تصرف
کنند و قصد از گونی رژیم را
داشتند، عده ای رفتند با شگاه

۱۵ خرداد را بشناسید

قسمتی از سخنرانی امام خمینی بمناسبت ۱۵ خرداد
که در مدرسه فیضیه در تاریخ ۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۸ ایراد شد
"پانزدهم خرداد دجرا بوجود آمد و منبدا وجود آن چه بود.
و دنیا له آن در سابق چه بود و الان چیست و بعدا چه خواهد بود
۱۵ خرداد را کی بوجود آورد و دنیا له آن را کی تعقیب کرد و الان
کی همان دنیا له را تعقیب میکنند و پس از آن امید به کیست
۱۵ خرداد دبرای چه مقصدی بود و تا کنون برای چه مقصدی است و
بعدا برای چه مقصدی خواهد بود. ۱۵ خرداد را بشناسید و کسان
که ۱۵ خرداد را بوجود آوردند بشناسید و کسانیکه ۱۵ خرداد را
را دنیا له کردند بشناسید و کسانیکه از این بعدا امید تعقیب
آنها است بشناسید و مخالفین ۱۵ خرداد دو مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید
۱۵ خرداد دبرای سلام بود و به اسم سلام بود و به مقطعیست
اسلام و روحانی و روحانیست و همین جمعیتها که الان اینجاست
هستند اینها بودند که ۱۵ خرداد را بوجود آوردند
آنها بی که برای شکستن سد رژیم فعلی لیت کردند آنها شیکه به
خیابانها ریختند و فریاد الله اکبر کردند همین قشر از جمعیت
بودند. حق ما همین قشر از جمعیت است دیگران هیچ حقی ندارند
..... بررسی کنید. اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند
سنگهای قبرهای آنها را ببینید اینها چه افرادی بودند؟
هر چه است این قشر یا شین است. این قشر کشا و رزاسته این
قشر کارگرونا جرم مسلم است این کاسم مسلم است. این روحانی
متعهد است. هر چه هست از این قشر است. ۱۰۰ روز روزی است که
اسلام با بد تحقیق پیدا کند. ۱۵ خرداد دبرای همین بود....."



۱۵ خرداد

و

نفوس مطمئنه

بسم الله رب الشهداء
۱۵ خرداد را بشناسید -
امام خمینی
برای بررسی ۱۵ خرداد
شناخت هدف و ماهیت آن و نیز
برای بررسی تحلیلی کمی
در این باره شده کمی بعقب
برمی گردیم. یعنی ترا از حدود
عید سال ۴۲ بررسی میکنیم.
عید سال ۴۲ تقریبا مواضع همه
نیروها مشخص شده بود.
مواضع امام خمینی خیلی صریح
و قاطع بود. مثلا ما گفته بودیم
"شاه می گوید یک میلیون تومان
بگیر و از مملکت برو بیرون من
به تو (شاه) ده میلیون تومان
میدهم تو از این مملکت برو"
و یا گفته بودند آن آمریکا از انگلیس
بدتر و انگلیس از آمریکا بدتر
و شوروی از هر دو بدتر لیکن روزا
سروکار ما با آمریکا است. کم
جهت ضد امپریالیستی حرکت
خصوصا آمریکا بوضوح روشن شده
بود.

بت شکن، ملت ترا می خواهد
که این امر جهت ضد سلطنتی حرکت
را نشان میدهد.
شب ۱۵ خرداد امام دستگیر
میشوند و خیرش با تهران میرسد.
از مینه خیلی آمده بود مردم سیخ
شده بودند و آماده حرکت. به محض
اطلاع از دستگیری امام به خیابانها
میریزند، عده ای با چوبدستی در
میدان ارک برای اشغال رادیو
عده ای بطرف بی سیم پهلوی میروند
و عده ای هم بطرف بی سیم نجف آباد
بیشترین شهادت در اطراف
میدان ارک (۱۵ خرداد) بود مردم

شعبان جعفری را آتش زدند عده ای
با شگاه با رک شهر را که چون مقاری
کتاب کف آن ریخته بود شاه اعلام
کرد که کتابخانه را آتش زدند که این
نورش را کور نشان دهد. دستهای
در کا ربود که قبرستان یهودیها
و بهایشها را آتش زدند و به بعضی
از سازمانهای خیریه یهود حمله
کردند و در خیابانهای خارجی بیشتر
این خیرها منعکس می شد. در میدان
شاه (میدان خلق) خیابان ری
کیوسک پلیس و از گون شده و رویش
نوشته بودند میدان خمینی
نیروی زیادی بسیج شده بود.

تیراندازی هوایی زیاد شده بود
بعد مردم را برگبار بستند. شاه
فرا ر کرده و رنگ پریده بخانه
نصیری میرود و از آنجا فرماندهی
سرکوب را بعهده میگیرد.
شعارهای مردم "دورد بر خمینی"
و بعضی جاها "مرگ بر شاه" بود
در سیه نزدیکی حسن آباد "دورد
بر خمینی زنده باد مصدق" بر
دیوارها همه جا "مرگ بر شاه"
نوشته بودند بطوریکه چند روز
قبل از ۱۵ خرداد دیواری نبود
که شاه آرویش نوشته نشده باشد.
بقیه در صفحه ۲

۱۵ خرداد و ...

این شیوه واقعا رژیم را بوخت انداخته بود که اگر این سیبر ادا می‌شد خمینی حاکم است. در آن روزها همه جا نام خمینی بود روی آسفالتهای نوشته بود دور در خمینی بردیوارها بر تابلوها خلاصه همه جا این بود که رژیم وحشت کرد و تصمیم به دستگیری اما گرفت. اینجا ممکن است گفته شود که چون امام را دستگیر کردند مردم خود بخودی بخیا با آنها ریختند، پس قیام کور بوده است برای روشن تر شدن مطلب باید مقدما تشریح را بررسی کنیم. که مقداری از آن توضیح داده شد. قبل از این حرکت وعاظ روی منا بر مواضع آشکار داشتند و حرکت ۱۲ خرداد هم بود و حرکت های دیگر، البته وقتی امام را دستگیر کردند، مردم به خیابانها ریختند ولی این حرکت کور نبود و هدف را برود. با ارتش سفاک انگلیسی و آمریکایی درگیر شدند. با شگاه شعبان بیمه گودتاجی را آتش زدند. به رادیو حمله کردند. میخواستند نظام سلطنتی را واژگون کنند حال به بررسی و تحلیل قیام و دیدگاه های مختلف میپردازیم

الف: نفوس مطمئنه
عدل اسلامی

وقتی ما ۱۵ خرداد را بررسی میکنیم میبینیم که واقعا خروش خشم انسانهای آزاده بوده است جوهر این قیام نیروهای عدل طلب و بینهایت طلب بودند. نیروهای که طالب عدلند نه عدل میانگین و عدل ارسطویی.

عدل میانگین چیست؟

عدل میانگین اینست که بگوئیم: نصفی و نصفی لگ یعنی ما که هستیم، رژیم هم هست سازش میکنیم با این صورتی که یک امتیاز رژیم میدهد یک امتیاز هم ما میدهیم. نه خواست توده ها چنین عدلی نبوده و نیست خواست توده های ۱۵ خرداد عدل اسلامی بود عدل الهی بود به این معنی که هر چیزی سر جای خودش قرار گیرد شاه به زباله دان تاریخ سپرده شود و مستضعفین و توده ها حاکم شوند. این میشود عدل الهی بود دنیا ز توده ها این ویژگی جوهر قیام بود. این توده های عدل طلب نفس مطمئنه بودند. اینها اکثرا

از افراد معروف و یا بازاری دگر و مهندس نبودند. اکثر افراد کم نامی بودند که از جنوب تهران بودند. یا برهنه های جنوب شهر بودند اینها که ستم را احساس میکردند و واقعا چیزی جز عدل نمیخواستند. ما جوهر شیعه را این میگیریم. این سوال که چرا عدل در اصول شیعه آمده خداوند این همه صفت دارد چرا شیعه عدل را انتخاب کرده است؟ اینجا روشن میشود زیرا وقتی عدل قبول شود حتما با بد با ظلم مبارزه شود و ظلم با بد از ریشه برانداخته شود این اصلترین زمینه مبارزه با ظلم است به این لحاظ است که عدل شیعی عدل سازشکار نیست مساوات مکانیکی نیست عدل شیعه اینست که هر چیزی سر جای طبیعی خودش قرار بگیرد وقتی که میریای لیزم بطور مصنوعی آمده است و نفوذ کرده است و شاه بزور حاکم شده. این حاکمیت با بد از بین برود توده های مستضعف با بد حاکم زمین بشوند این جوهر قیام بود اینها نفس مطمئنه بودند.

مترقی است و شیوه تولید سنتی شهری که کسبه باشند و یا زاریها و دلالتها میخواهند جلوی این حرکت مترقی باشند. بنا بر این شورش میکنند و سرکوب هم میشوند. منطق این دسته این بود که شیوه تولید سنتی در مقابل شیوه تولید مدرن مقاومت میکنند در حالی که باید به آنها گفت شیوه تولید مدرن شیوه ای وابسته امپریالیستی بود و اینها با این تحلیل سیستم وابسته را بر خورده بورژوازی سنتی بزم خودشان ترجیح میدادند و به کمک امپریالیزم با خلیق نمیکنیدند. وعده ای از آنها میگفتند این حرکت کور بوده چون کیوسک تلفن شکستند اتوبوس آتش زدند و مغازه ها و قبرستانها را آتش زدند، در اینجا هم نفس اماره میخواهد که اینگونه تحلیل کند، و گرنه تمام زمینه ها قیام مشخص بوده، آنچه بیش از هر چیزی در قیام چشم میخورد عکس امام بود و امام هم مواضعشان کاملاً روشن بود. هدف را برودن قیام

با ارتش هم موضع شدند اینها تحلیلهایی وابسته بود که عظمت شهدا را نمی توانست درک کند

نفوس لوامه (ملا متگر) جمع بنند

گفتیم که یک عده نفس مطمئنه بودند که با شهید شدند و یا روح شهادت داشتند یک عده هم نفس اماره بودند. دسته سوم نفس لوامه بودند. نفس ملا متگر نفس سرزنشگر اینها دائما خود را ملامت میکردند که چرا از توده ها عقب افتاده اند. توده ها شهید میدهند توده ها فداکاری میکنند و ما عقبیم چرا ما بسرعت با آنها نمیرویم اینها دائما با خودشان درگیری دارند و از آن جمله بود شهید حنیفه نژاد.

در زندان قصر در عصر ۱۵ خرداد مرتباً راه میرفته و فکر میکرد "چرا ما از توده ها عقب افتادیم؟" ما این شهدا را نمیتوانیم درک کنیم "و همانجا بود که بطور اجمالی به جمعیت میسازد

استو با تکیه به انگلیس را بیرون می کنیم وعده ای میگفتند "ما به کمک انگلیس آمریکا را بیرون میکنیم" حال همه آنها به وحدت رسیده اند حتی خبرگزاری تسلیس هم قیام را ارتجاعی دانست و این راه هم بسته

ولی این قیام راه دریا بیگانه خلق را گشود که ما باید به ایس خلقی که خون داد و خون جوانان داد تکیه کنیم به بسیج توده تکیه کنیم و از اینجا بود که محمد آقا به جنگ دراز مدت خلقی رسید رسید به اینکه امپریالیسم آمریکا و انگلیس و شوروی در صورت اصالت حرکت خلق اختلافات را کنار میگذارد و متحد میشوند بنا بر این فرجی از این راه نیست تنها فرج و گشایشها ن پیوستن به توده ها است پیوستن به توده های قیامگر اینها جمعیت نفوس لوامه بود بعد از قیام ۱۵ خرداد میبینیم که تمام گروهها به جمعیت میسازد مبارزه مسلحانه میروند. تمام گروهها کم و بیش به کارمخفی میروند به کار دراز مدت میروند اینها جمعیت یهایی بود که بعد از ۱۵ خرداد برادران به آن رسیدند

نتیجه گیری

وقتی یک حرکت درجا مع ما هست قیام می شود خود محورانه به این قیام نگاه نکنیم فکر نکنیم که خودمان اصالت داریم و نخواهیم از موضع ذهن خودمان این قیام را تبیین کنیم. بلکه این مفاهیم باید به کمک واقعیات بشنا بندیم باید این قیامها اصالت بدهیم و سعی کنیم خود را با آن تطبیق دهیم.

اگر گروهی عمل میکند و عملش پیشتر از واقعا نیاید پورتو نیستی بر خورد کرد و گفت ما پیشتر ازیم و اینها با بد دنبال ما باشند واقعا خطتها از همینجا رشد میکنند بعد آدم به ضد انقلاب تبدیل میشود چون میگوید من اطمینان و این قیام فرع و باید تابع من باشد و حال که نمیشود باید مبارزه کرد.

اینها در سبایی است که قیام ۱۵ خرداد به ما میدهد. ما همه باید نفس لوامه باشیم و خودمان را در عقب افتادگی ها سرزنش کنیم خواب راحت را از خودمان بگیریم باید پر کاریمان بیشتر شود تا آنکه واقعا بتوانیم خون شهدا را تبیین کنیم و قانونمندی شهدای انقلاب را درک کنیم

والسلام



هر چه هست این قشر
پائین است، این قشر
کثرت است، این قشر
کارگرو تاجر مسلم است
این کاسب مسلم است
این روحانی متعهد است
" امام خمینی "

فحلی آشکار بود. بعضی می گفتند فئودالیسم تبدیل به بورژوازی میشود بورژوازی هم به سوسیالیسم لذا اصلاحات ارضی قابل تأیید می دانستند این چیزی بود که حزب توده هم می گفت اینها نفس اماره بودند که نمی توانستند وجود قیام و این همه شهدا خودشان زو خط مشی شان و ایدئولوژی شان را تصحیح کنند "قی قلبهیم مرض فزادهم الله مرضا اینها با این نفس اماره و تحلیل های شان بسرعت بطرف بدی رفتند دیدیم که پس از ۱۵ خرداد اینها با رژیم هم موضع شدند

فحلی آشکار بود. بعضی می گفتند فئودالیسم تبدیل به بورژوازی میشود بورژوازی هم به سوسیالیسم لذا اصلاحات ارضی قابل تأیید می دانستند این چیزی بود که حزب توده هم می گفت اینها نفس اماره بودند که نمی توانستند وجود قیام و این همه شهدا خودشان زو خط مشی شان و ایدئولوژی شان را تصحیح کنند "قی قلبهیم مرض فزادهم الله مرضا اینها با این نفس اماره و تحلیل های شان بسرعت بطرف بدی رفتند دیدیم که پس از ۱۵ خرداد اینها با رژیم هم موضع شدند

پانزده خرداد را بشناسید و گمانیکه پانزده خرداد را وجود آورند بشناسید و گمانیکه از این بعد امید تعقیب آنهاست بشناسید و مخالفین پانزده خرداد و مقصد پانزده خرداد را بشناسید.

" امام خمینی "

۴ خرداد و اسلام راهنمای عمل

بنام حدای شهیدان

۴ خرداد سالروز شهادت ۵ مجاهد دلیر است ۵ تن از مجاهدین بینانگزار که در سحرگاه پنجشنبه روزی در پیش پای نیکسون آمریکا ایستادند که به ایران میآمد بدست جلادان رژیم تیرباران شدند.

"شهید محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان، محمود عسگری زاده، رسول مشکین فام"

ما برای یادبود خاطره این شهدا و لزوم برخورد واقع بینانه که در شرایط فعلی جامعه ما احساس میکنیم بر آن شدیم که نگاه هر چند مختصر بر تلاشها و انگیزه های اسلامی این مجاهدان بیندازیم با شکر انصاف را پیشه سازیم و با ارج نهادن به خون همه شهدای انقلاب اسلامی انگیزه و هدف آنها را دقیق بشناسیم و در جهت تمحیق آن بکوشیم.

"۴ خرداد - و اسلام راهنمای عمل"

در مسیر وحدت تعالی بخش نیروهای انقلاب اسلامی لازم است برخوردی منصفانه با جریانها داشته باشیم، و در محیطی سالم و بدور از حساسیتها و بدبینی و خوش بینی های فردی و گروهی و صنفی به تحلیل واقعی آنها بپردازیم از عمده ترین آنها جریان مجاهدین بنیانگزار شهید حنیف نژاد و دو یارانش است. خیانت مسعود جوی که با دفاع از مجاهدین شهیدان انجام گرفت خود ما ملل مخدوش شدن جریان حق و باطل و لکه دار کردن شهدای مجاهد گردید.

و از طرف دیگر عده ای نیز غیر منصفانه علیه رزمندگان خط رجوی و خط اسلامی حنیف نژاد همه را بیک چوب برانده و حتی بنا م دفاع از امام و اسلام بیشتر به کوبیدن شهدای مجاهد و بینانگزاران سازمان پرداختند که هم قدری رجوی را تبرئه میکنند و هم خود باعث راندن جوانان ساده اندیش به سمت رجوی و تغذیه آن جریان میگرددند.

کمترسی شده است که جریان مجاهدین با در نظر گرفتن ارزشهای اسلامی و انقلابی بررسی کرده و با کشف نارسا ثبها و علل ضربه ۵۴ از تکرار آن در سطح وسیع تر جلوگیری شود.

شیوه نادرستی در نیروهای انقلاب هست که وقتی از جریانی دفاع میکنند آنچنان او را مطلق جلوه میدهند که فرصت هیچگونه انتقاد و بیان نارسائی نمیدهند و چون نارسائیهای طبیعی جریان آشکار میشود شروع به نفی مطلق آن میکنند.

قبل از سال ۵۴ برخی هرگونه انتقاد به سازمان مجاهدین را مارک ساواکی، ارتجاعی، حافظه کاری میزدند و بعد از ضربه خود شروع به نفی کرده و ارزشهای اسلامی جریان را هم از یاد بردند. در برخورد با جریان انقلاب و امام نیز همین شیوه در حال تکرار است.

وقتی برادران در زندان شروع بکار مکتبی و رفع علل ضربه ۵۴ کردند و در عدم انسجامهای ایدئولوژیک تجدید نظر نمودند در عین حال از ارزشهای اسلامی مجاهدین دفاع میکردند، از طرف همین جریان مارک تعصب

و التقاط و قیاس با رجوی میخوردند بعد از سالهای ۴۰ - ۴۱ قیام ۱۵ خرداد جمع بندی های جدیدی در نیروهای انقلاب شکل میگرفت و بخصوص بعد از قیام ۱۵ خرداد به نگر چاره ای نوین برای نجات مستضعفین ایران افتادند. آموزشهای مذهبی رایج عمدتاً در خط فکری مهندس بازرگان بود. همه متفکرین اسلامی معتقد بودند راه اسلام و راه علم یکی است و تضادی ندارد. منتهی علم در یکسری مسائل صاحب نظر است و اسلام در حوزه های دیگر، و راهی که علم میپیماید تنها مخالف اسلام نیست بلکه نهایتاً بهمراه میرسد.

مسائل روز مره و با اصطلاح مادی مثل زندگی، شیوه اقتصادی، شیوه سازماندهی، شیوه های مبارزه، علوم آزما یشگانه ای و ریاضیات و... علم راهنمای عمل بود. آنچه تجربیاتی و دستاوردهای بشری نشان میدهد اینک اسلام را در همه جوانب و کارها ملاک قرار داده و در شیوه ها پیاده کنیم جا ذبه ای نداشت، و اسلام فقط در مسائل کلی و فردی بوجه عنوان انگیزه نه روش کاربرد داشت.

راه مجاهدین راه اسلام راهنمای عمل

۱ - بعد از جریان تظاهرات دانشگاه سال ۴۰، جوانهای نهضت آزادی منجمله شهید حنیف نژاد با این فکرافتادند که: "ما تابع مسائل سیاسی روز شده ایم خودمان مینا نیستیم یک روز میرویم دانشگاه، میبینیم میتینگ است، یک روز دیگر نیست یعنی خودمان

خط مشی مشخص سیاسی نداریم، این درست است که مسلمانی، صدقی هستیم و تابع قانون اساسی میباشیم ولی آخر مسائل روز چه میشود؟ باید یک نیروی بشویم و در برابر مسائل موضعگیری کنیم و خودمان ابتکار عمل داشته باشیم.

چند نفر با هم دیگر برخورد کردند که شهید حنیف نژاد و سعید محسن جزو آنها بودند مجموعاً "الله طالقانی، استاد شهید ۹ ماه طول کشید آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان در منزل آیت الله طالقانی ملاقات کردند. محتوی نامه ای که با آنها مطرح شد این بود که "نارسایی در نهضت آزادی زیاد است ما دعای داریم مسلمانی و ایدئولوژی راهنمای عمل نداریم آموزش ایدئولوژی در بین کارها بهیچ وجه نیست و شکل اصلی نهضت آزادی این شده که با جبهه ملی پیوند بخوریم یا نه؟ گز میگوئیم ما مسلمانی باید در عمل این را ثابت کنیم که خط مشی مشخص ما چیست؟ فرق ما با جبهه ملی چیست؟

بعد از طرح این نامه آیت الله طالقانی از خوشحالی حکومت جهانی واحد سخنرانی گریه شان گرفت که یک چنین کردند، رژیم را اینکا روحت جوانهای پرشوری وجود دارند زده شده بود که دانشجویان روشنفکری که بفکر اسلامند و این مسائل طرح برای نیمه شعبان جشن بگیرند و شده قانعان نمیکند و میخواهند روحانیت در دانشگاه صحبت بکنند اسلام را راهنمای عمل قرار دهند. این یک عمل انقلابی و ابتکاری و آقای بازرگان هم گفته بدلیل بود و الحق با یستی شهید حنیف اشتغالات زیاد وقت چنین کاری نژاد را عامل پیوند روحانی راندارم و....."

۲ - شهید حنیف نژاد هنگامیکه بدانیم و با این عمل باعث ایجاد در تریزندگی میکرد به روزه ها و رابطه نزدیکی بین خود و مجامع اسلامی میرفت و در جلسات روحانیت نیز شرکت میکرد.

ما محکوم امر وزیر باران شدند

شماره ۴ خرداد ماه ۱۳۵۱ - شماره ۸۲۸

پنهان

سازمان مطابقتنامه برتالی
مطابقت اسلامی، و اخلاقی
معاون: محمد و دولت سبزواری
پهرین رئیس حکومت سرود
شماره ۴ خرداد ماه ۱۳۵۱ - شماره ۸۲۸

سال اول - شماره ۷
تاریخ - ۶۱/۳/۱

خط مشی مشخص سیاسی نداریم، این درست است که مسلمانی، صدقی هستیم و تابع قانون اساسی میباشیم ولی آخر مسائل روز چه میشود؟ باید یک نیروی بشویم و در برابر مسائل موضعگیری کنیم و خودمان ابتکار عمل داشته باشیم.

چند نفر با هم دیگر برخورد کردند که شهید حنیف نژاد و سعید محسن جزو آنها بودند مجموعاً "الله طالقانی، استاد شهید ۹ ماه طول کشید آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان در منزل آیت الله طالقانی ملاقات کردند. محتوی نامه ای که با آنها مطرح شد این بود که "نارسایی در نهضت آزادی زیاد است ما دعای داریم مسلمانی و ایدئولوژی راهنمای عمل نداریم آموزش ایدئولوژی در بین کارها بهیچ وجه نیست و شکل اصلی نهضت آزادی این شده که با جبهه ملی پیوند بخوریم یا نه؟ گز میگوئیم ما مسلمانی باید در عمل این را ثابت کنیم که خط مشی مشخص ما چیست؟ فرق ما با جبهه ملی چیست؟

بعد از طرح این نامه آیت الله طالقانی از خوشحالی حکومت جهانی واحد سخنرانی گریه شان گرفت که یک چنین کردند، رژیم را اینکا روحت جوانهای پرشوری وجود دارند زده شده بود که دانشجویان روشنفکری که بفکر اسلامند و این مسائل طرح برای نیمه شعبان جشن بگیرند و شده قانعان نمیکند و میخواهند روحانیت در دانشگاه صحبت بکنند اسلام را راهنمای عمل قرار دهند. این یک عمل انقلابی و ابتکاری و آقای بازرگان هم گفته بدلیل بود و الحق با یستی شهید حنیف اشتغالات زیاد وقت چنین کاری نژاد را عامل پیوند روحانی راندارم و....."

۲ - شهید حنیف نژاد هنگامیکه بدانیم و با این عمل باعث ایجاد در تریزندگی میکرد به روزه ها و رابطه نزدیکی بین خود و مجامع اسلامی میرفت و در جلسات روحانیت نیز شرکت میکرد.



عبدالرسول مشگین فام



علی اصغر بدیع زادگان



محمد حنیف نژاد



سعید محسن



محمود عسگری زاده

بنام بخت ۲۹ خرداد

یادی از

معلم شهید دکتر شریعتی



بنام خدای شهیدان
۲۹ خرداد ماه، سالروز شهادت
دکتر علی شریعتی است. از آن
زمان که مبارزات اسلامی ضد
امپریالیستی به شکل نوین اش
در ایران جریان پیدا کرده
همراه با هر جریان جبهه‌ای نیز
مطرح شده است، شهید مدرس، مرحوم
مصدق، شهید فاطمی - در قیام
۱۵ خرداد امام خمینی مجاهدین
شریعتی و... آیت ا... طالقانی
مانند یه وقت تاریخ یکی
تمام میشود و چهره‌ای جدید مطرح
گشت قبلی را کوبیده و فقط چهره
جدید تر را تا شید کنیم که اینک
جریان تاریخی وجود دارند که میخواهند
اسمی از آیت ا... طالقانی و
مجاهدین نباشد، اسمی شریعتی
نباشد، میخواهند اسم صدق را
محو کنند، و خبری از مدرس
نباشد، اینها خدای ناکرده بعد
از امام خمینی چه خواهند کرد، آیا
سعی خواهند کرد اسمی از امام هم
نباشد.

جریان تاریخی گذشته و بطور
بنیادی برخورد سیاسی -
ایدئولوژیک بشود. زیرا تاریخ
امروز ما میبینیم مجموعه
حرکتهای قبلی است، مسلمان
است، لذا برخورد فعال با گذشته
ما را در حل بارها ثبتهای فعلی
ورشدا انقلاب کمک بسیاری خواهد
کرد.

یکی از این جریان تاریخی
است که توسط شهید شریعتی در
ایران مطرح گشت و خیال عظیمی
از جوانان و مبارزین متوجه
آن گشتند و تا تیر بسیاری در رشد
جریانهای اسلامی انقلابی گذاشتند
امروز جریان تاریخی هستند که خود را
ادامه دهنده، راه و میدانند.

لازم میبینیم که با تفکر شهید
شریعتی برخورد های اصولی
و بنیادی بشود. نسبت به شریعتی
دو جریان وجود دارد، یک جریان
مطلقاً "شریعتی" را میگویند بدون
آنکه تفکر او را نقد کنند جریانهای
دیگری او را مطلق کرده و هر کدام
بر دیگری سبقت میگیرند و هر کدام
که مطلق تر دکتر را پذیرفته اند
خود را بیشتر بیروا میدانسته
اینکه برخورد فعال با دکتر بکنند
و هیچ انتقادی نیز در رابطه
ایشان مطرح نمی نمایند.

پاسخ میدهند که: تعالیم شریعتی
برخی بحثها و اختلافات را در میان
علما برانگیخت ولی در عین
حال نقش بزرگی در هدایت
جوانان و روشنفکران بسوی اسلام
ایفا کرد. ایشان همچنین بدوست
من میگویند که پیروان شریعتی
با یاد از آنچه دکتر شریعتی به
ایشان عرضه داشته است فراتر
روند و در اسلام سنتی نیز تحقیق
کنند و بهمین ترتیب پیروان
علمای سنتی نیز با پدید آمدن حقیقت
را در بابند که آنچه علما مطرح
کرده اند کلام آخرین نیست. پس
نیاز به مرور و ارزیابی دقیق
مباحثی که دکتر شریعتی مطرح
کرده است احساس میشود.

"نقل از کتاب انقلاب اسلامی
در ایران، چهار سخنرانی از
پرفسور حامد الگار ص ۱۱۶ -
پاراگراف آخر، چاپ انتشارات
قلم. ترجمه: مرتضی - اسعدی
و حسن چیززی.

ما ضمن لازم دانستن چنین
برخوردی اصولی و ضمن آنکه
بررسی را به عدم موقوف می کنیم
در این مقاله بطور مختصریادی
از شهید شریعتی با ذکر نظرات
ایشان در مورد شهادت جناب شهید
نظر شهید شریعتی در مورد
"شهادت"
شهید شریعتی در مورد شهادت
نظراتی دارد که ما با توجه به
نوشته های ایشان در این مورد
به بررسی آنها میپردازیم ایشان
در کتابهای مختلفی که در این
قضیه صحبت کرده است، تبیین
مختلف ارائه می نماید.

می بود این انتخاب را نمیگردد، او
انگیزه امام را را رشد و گسترش امت
واحد نمیداند بلکه میگوید قصد
او شهادت بوده است تا رژیم حاکم
را رسوا کند. گرچه افشای و رسوا
کردن یکی از نتایج شهادت است
اما بنیادگرها ملقا شهادت نیست
شهید شریعتی ضمن اینکه
متأثر از خون شهادت مجاهدین به
خون اصالت میداد آن جمله معروف
را میگوید: "آنها که رفتند کفاری
حسینی کردند و آنها که ماندند
باید کفاری زینبی بکنند و گرنه
باز در مدار پیام مجاهدین را در مدار
خون قرار داده و برای مدار خون
اصالت قائل بود. در حالی که ما
نمیگوئیم کسی که در جبهه است در
مدار خون است و کسایکه در پشت
جبهه اند در مدار پیام اند بلکه
این مدار را از هم جدا نکرده و معتقدیم
که پیام هم اگر عمل ما لحیا شویم
است، دعا هم در جهت صحیح خونبارند.
یک تحلیل صحیح از جبهه
ممکن است خونبار تر باشد و آدم
حین خطا به سخنرانی پیش خدا
حضور داشته و خون را ببینند. گاهی
اوقات انتقاد از خود سخت تر از شهادت
در جبهه است و عمل صالح همین
انتقاد دینا مگویند خونبار است ضمن
اینکه دکتر مسئله شهادت را برای
خود حل کرده بود ولی این جمله اش
بعلت عدم مرز بندی دقیق توسط
بعضی جریانها عاقبت طلب مورد
سوء استفاده قرار گرفت.

مرگ سیا بهرانه است
تا بر هر قطره خون ملت را حیات
بخشی و تاریخی را به طبعش
آری و کالبد مرده و فسرده عصری
را گرم کنی و بدان جوش و خروش
زندگی و عشق و امید دهی."
در اینجا علاوه بر شهید
می بینیم که شهید شریعتی، تسبیح
زنده هاشمی از خون شهید را هم
ریا ببارتی تا تیر متقابل
خون شهید در تاریخ را مطرح میکند.
اما این جمله دکتر که: "اگر
میتوانی بمیران و اگر نمیتوانی
بمیر" در اینجا دکتر ضمن اینکه
با محافظه کاری به شدیدترین
وجهی مبارزه میکند با نقطه نظر
ایشان در بالاتفاق و در ده که تا
حدی متأثر از "نظریه فدایی" است
که میگوید: ما قیام می کنیم
پیروز میشویم و حکومت را میگیریم
و یا میمیریم و مردم تحت تاثیر
خونهای ما قیام میکنند که در اینجا
رشد خود شهید مطرح نشده است.
در جای دیگر دکتر در این
مورد که امام حسین برای رفتن به
صحرای کربلا انگیزه اش شهادت
بود. یا حکومت؟ میگوید: "حسین
را نگاه کنید، او شمر خویش بیرون
میآید، زندگیش را رها میکند و
برمیخیزد تا بمیرد. زیرا جز این
سلاحی برای مبارزه خویش برای
رسو کردن دشمن و برای دریدن
این پرده های فریبی که بر آن
قیام کرده نظام حاکم رده اند،
ندارد. برای اینکه اگر نمیتواند
دشمن را بشکند لاقبل به این
وسيله رسوا کند، اگر نمیتواند
قدرت حاکم را مغلوب سازد آنرا
محکوم کند... او یک انسان
تنهای بی سلاحی توان است، و در
عین حال مسئول جاهد، جز مگردن
و جز انتخاب مرگ سرخ خویش،
سلاحی و جاره ای ندارد...
از این تحلیل شهید شریعتی
چنین بر میآید که حسین (ع) اگر
شبهه های دیگر افشای و غیره

بقیه در صفحه ۶

درسهایی از زندگی مجاهد شهید

رضارضائی



بنام خدای شهیدان

براستی خردار با ایدما شهیدان نامید، ماه شهیدانی که هم چون ستارگان درخشان در آسمان تاریک و ظلمانی درخشیده و پیروزی حق بر باطل را در دل تاریکی ها به اثبات رساندند؛ براستی که شهیدان ما با ایمان براه خویش نشان دادند که توده ها وجه حق تاریخ اند و قاطعاً بیایند همانها بی که در طی شرایط خفقان و تئورپلیسی حاکم توانستند رژیم و پلیس سیاسی را به زانو در آورند و در راه آرزو و در راه آرزو ضربه های مهلکی بر پیکر نظام آراسته و پیچیده ساواک زدند.

۲۵ خرداد سالروز شهادت مجاهد شهید رضا رضائی است. مجاهد شهید رضا رضائی در سال ۱۳۲۵ در یک محله جنوب تهران در تارتکیهای شب چون ستاره ای درخشید. دانش آموز دبیرستان بود که در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ قرا گرفت او به چشم

خود دید که رژیم وابسته سلطنتی چگونه فریاد حق طلبانه خلق دلاورمان را با توپ و تانک جواب داد. همیشه با جوانان هم سن و سالش بر سر مسائل سیاسی به بحث و گفتگو می پرداخت. رضاز میان توده مردم برخاسته بود. قسمت عمده ای از دوران زندگی اش را در محلات قدیمی جنوب شهر با بچه های جنوب و در محلاتی مانند ما مزاده یحیی میدان خلق (شاه سابق) آبخار و... سپری کرده بود. او اکثر اوقات که به کوه میرفت در راه بازگشت مسیر خود را به روستا هم می کشا ندوباً مردم محروم روستا هم برخوردار بود. نزدیک داشت همیشه در توده ها، خطتها و شیوه زندگی را میآموخت و راهنمای عمل خود قرار میداد. هر چه بیشتر در کنار خلق زحمتکش بود و پیوندش را با توده ریشه دارتر میدید. دردها و رنجهای آنها را ریشه با بی میگرد و کینه اش نسبت به امپریالیسم و نوکران داخلی اش عمیق تر میشد. در دوران دبیرستان خود که برای درس خواندن به پارک شهر میرفت میدید که چگونه معتادان علفها را نمک میزنند و میخورند تا خون خود را بفروشد. رضا نمیتوانست اینها را ببیند و چشم بر هم بگذارد و دل خود را به درس خواندن خوش کند. چه درسی؟ جامعه به انسان فداکار دنیا زدارد، نه به دانشمندی که در خدمت رژیمهای وابسته است. تمام کردن دوره دبیرستان خود وارد دانشکده دندان پزشکی دانشگاه تهران شد. او در سال ۴۷ به سازمان پیوست. او از همان آغاز با تمام وجود به مبارزه حرفه ای رو آورد و در سال ۴۹ جزو برادرانی بود که برای آموزش نظامی به اردوگاههای الفتح اعزام شدند. در جنگ سینا مبره ۷ که نیروهای مزدور ملک حسین آمریکا پی اردوگاههای اردن را در هم کوبیدند و دوش بدوش همسنگران فلسطینی اش به دفاع از آرمان مقدس خلقهای منطقه و بخصوص خلق فلسطین پرداخت. رضا پس از بازگشت از فلسطین در ضربات شهریوره ۵ و یورش وحشیانه شاه به سنگرهای مجاهدین همراه عده زیادهای زهموزمانش دستگیر شد و به زندان افتاد. رضا پس از فرار

از زندان به صف مجاهدین پیوست و اسلحه به کمر به دفاع از سنگر پیوست تا انقلاب را به پیش برد. پس از شهادت مجاهد شهید احمد رضایی با مسئولیت رضا بسی سنگینتر شد. او به کمک مجاهدانی چون کاظم ذوالانوار، مصطفی خوشدل راه را ادامه داد. تا اینکه این دو برادر نیز در مهر ۵۱ دستگیر شدند و رضا بیش از پیش تنها شد. رضا در جمع بندی شهریور در توقف عمل شده بود. شروع کار را بدو لوزی، سازماندهی مجدد و تیمی و بالاخره تدوین تجربیات ضربه تحت عنوان کتاب "سازماندهی و تاکتیکها نقش اول را داشت.

برای شناخت ویژگیهای انقلابی رضا کافی است به نامه ها و پیامهای این مجاهد رجوع کنیم. تا در عشقش به خدا و خلق و اسلام صداقت او را درک کنیم. او در روز ۲۵ خرداد ۵۲ در خیابان غیاثی پس از فرار از خانه از طریق پشت با موموضع گرفتن در زیر یک ماشین و درگیری با مزدوران ساواک با شهادت رسید.

رضا طراح عدا ما انقلابی طاهر جلاد، ژنرال ها و کنیز و پرایس بود. ولی طراح عدا ما کنیز بقول مجاهد شهید کاظم ذوالانوار بسیار برای سازمان گران تمام شد و باعث شد که پلیس به شدت بر علیه سازمان بسیج شده و از این طریق به رضا دست پیدا کرده و این امر منجر به شهادت او شد. زندگی رضا درسهایی بسیاری به ما می آموزد. بسیاری درسهایی که میتوانیم از او در مبارزه با دشمن عمده ما، آمریکا، جنتیتکار یاری دهیم. رضا در دوران دانشگاهی تمام انرژی خود را صرف مبارزه و کار در سازمان میکرد. حتی از تخصص خود در جهت مبارزه استفاده میکرد. او توانست با خمیرهای دندانسازی مهرهای جعلی بسازد. یا پاسپورت جعلی و شناسنامه جعلی درست کند و این کار خود را در خدمت انقلابیون فلسطینی قرار داد.

ویژگیهای با رزم مجاهد شهید رضا
یکی از ویژگیهای رضا روحیه

سازش ناپذیری او در مقابل دشمن بود که میگفت: "مسلم بداند که ما با دشمنان خود جز با گلوله با هیچ چیز دیگری نخواهیم گفت. این ویژگی رضا درسی است که او از خلق مسلمان ما گرفته بود. او از قیام ۱۵ خرداد این درس را گرفت و امروز این ویژگی در خط سازش ناپذیر انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی مشهود و با رزاست. ما میبینیم که امام در مورد جنگ اسلام و کفر چه گفتند و عاقبت دفع تجاوز از طریق نظامی بهترین شیوه رزمندگان ما شده است. جقدر سعی کردند که انقلاب را به سازش بکشانند و صلح را بر ما تحمیل کنند ولی خط سرخ انقلاب اسلامی که از خون شهدای بیاری گشته است هیچگاه صلح تحمیلی را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت.

دیگر از ویژگیهای رضا اعتقاد او به خودکفایی بود و در عملش این اعتقاد را به خوبی به اثبات رساند. رضا اسلحه های گهنه و قراضه را تعمیر میکرد و از آنها سلاحهای قابل استفاده میساخت. امروز نیز میبینیم که ما در حالیکه با شیطان بزرگ و مرتجعین منطقه میجنگیم باز در نهایت متکی به خود هستیم و وابستگی به هیچ قدرت نداریم. چنانچه میدانیم ۹۰٪ سلاحهای بکار برده ما شده در عملیات بیت المقدس همان غنائمی بود که در فتح المبین از دشمن گرفتیم و بیاد داریم وقتی رضا شهید شد اسلحه ای که حمل میکرد همان سلاحی بود که پس از اعدام سر لشکر طاهری بدست آورده بود و این پیوند خط شهادی مجاهدین

است. دیگر از ویژگیهای شهید رضا قلب سرشار از امید و بود. او میگفت: "در سختترین شرایط با ایدتا مغز استخوان امیدوار بود." این حرف رضا تحقق این آیه قرآن است که لاتیا، موامن روح الله... سوره یوسف آیات آخر، از رحمت خدا و ندانا امید نشوید. او با تمام وجود این مسئله را درک کرده بود که در هیچ شرایطی رحمت خداوند قطع نمیشود و در سختترین شرایط تازه دریچه رحمت باز میشود. او با ایمان تمام به پیروزی حق بر باطل و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین سلاح گرفته بود و میجنگید.

آری ما وقتی زندگیمان به شهادی مجاهد را بررسی میکنیم به عمق پیوند خط آنها با انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی پی میبریم. مگر ما هدین چه میخواستند؟ مگر بیام خون رضا که در سینا مبر ۷ جنگید ما رزه قاطع و پیگیر با صهیونیسم و هر نوع اشغال فاشیستی و صهیونیستی نیست. امروز چه کسی با ملک حسین میجنگد چه کسی سردمدار مبارزات ضد صهیونیستی منطقه است. مگر بیام خون رضا مبارزه با مرتجعین نفتی نیست همانها که دم از اسلام میزنند. مگر همین اسلام نماها نیستند که به اسلام ما حمله میکنند. امروز چه کسی با این مرتجعین بقیه در صفحه ۶

در یک برخورد مسلحانه
رضارضائی
طراح قتل
مستشار آمریکائی
کشته شد

قتل سرلشکر طاهری نیز بوسیله رضائی طراحی شده بود

یک پاسبان گشت در جریان تیراندازی دیروز مبروح شد

رضا رضائی، رهبر بلای پانزده خرداد

۲ ضارب سرهنگ آمریکائی شناخته شدند

کیهان

* ویژه نامه *

مجاهد شهید رضارضایی

پیوند خورده و جلوا ما ما ایستا ده است
آیا پیا م خون رضا هم جبهه شدن به
قلمی ها - شریعتمداریهای در خط
عربستان و... است. یا هم موضع
شدن با ما مننه تنها هم موضع شدن که
بهری و دفاع قاطع از رهبری و مرجعیت
او.

چه خوب حدس زدیم که نهاییست
خط رجوی این است که بر علیه امام
بگوید "رنده با آل سعود" بسا
هریعتمداریها هم جبهه شود. آری
آنها که به غلط و یا برای سوء
استفاده از خون شهدای مجاهدین
چو در اما مجاهدینا مندومیرا ت
خواه رخ آنها شده اند. بدانند که
اولا: با صهیونیسم شغالگر هم
جبهه اند. ثانیاً "با ملک حسین ها
و سعودیها یک خطند لثا": بسا
بها بر جناحهای ضدا انقلاب که هدفی
جزنا بودی خط مستضعف اما ندارند
دریک جبهه اند.

نوم بنظر المرء ما قدمت پیدا و
يقول الكافر يا ليتني كنت اربا
فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
بیجا ره آنکه عمل بر مجاز کرد

برداشته بی از نامه مجاهد شهید
رضارضایی

"اگر امروز عشقی به بقا و
بیشتر زنده ماندن در ما وجود دارد
ین عشق در حقیقت عشق به
مجاهدت بیشتر و فداکاری بیشتر و
بیکار بیشتر با استمگر است.
عشق به این است که هر چه
بهبتر در پیشبرد آرمانهای مقدس

خود بکشیم و آن را پیش بیزیم
ولی در ضمن هیچگاه این عشق به
بقا و زنده ماندن مانع از این
نبوده است که شهادت را از یاد
ببریم و درست ایندو یعنی بیکر
وشهادت در کنار هم آرزوی نهایی
همه ما را تشکیل میدهد.

ولی در عین حال در میدان
بیکار، شهادت واقعیتی است شور
انگیز چه میشود کرد در آن لحظه
که با دیدگان رافدا کرد و از فدا
کردن آن چه باک، همانطور که
کینه نسبت به دوستان و نزدیکان

روح انسان را پلید و آلوده میسازد
کینه و تنفر و خشم نسبت به دشمن
به روح انسان صفا میبخشد، ایمان
و استواری میبخشد.

رضا چه اهمیتی دارد که ما
شهید شویم در خالی که ما می بینیم
سرجای هر شهیدی و هر تفنگی که بزمین
بیا فتد صدها و هزاران پیکارجوی
مجاهد سر بر میآورد و تفنگ بدست
میگیرد.

اگر دشمن انبوه شهیدانی
فهرمان ما را دلیل بر شکست ما
میگرداند این از کوردلی و ست ک

رضا رضائی

دو صفوف فدائیان فلسطین، علیه

ارتش ملك حسين

می جنگید



خبرگزاری فرانسه از بیروت چنین گزارش میدهد:
روزنامه السحر چاپ بیروت که با سازمان مقاومت
فلسطین رابطه نزدیک دارد در شماره روز دوشنبه خود
مینویسد: رضا رضائی انقلابی جوان ایرانی که روز جمعه
در جریان زدوخورد با مأموران پلیس کشته شد بهمنظور
فدائیان فلسطینی در اردن پیوسته و در نبرد های ستا
۱۹۷۰ علیه ارتش ملك حسين شرکت کرده بود.
خبرگزاری فرانسه اضافه میکند:
روزنامه السحر مکس و بیوگرافی رضارضائی را
صحت عنوان شهید ایرانی چاپ کرده و نوشته است:
مقامات تهران رضارضائی را شهید کرده اند که رهبری
کماندوهای ستون قتل سرخاک هاو کین ستار نظامی
امریکا را در ایران برهنه داشته است.

اطلاعات
شبه ۲۶ خرداد ۱۳۵۲ - شماره ۱۱۲۲۱ - شماره ۷ رید

صفت همه جنایتکاران و مرتجعین
است، این خونها و بسیاری خونهای
دیگر با یدریخته شود تا نه سال
انقلاب میوه بدهد.

یکی از دستاوردهای مجاهدین
مسئله بقای رزمنده یا "زندگی
اخروی" است. زندگی اخروی
حقیق این اعتقاد است که عالم
همه محضر خداوند است. چه دنیا
و چه آخرت همه جا محضر خداست آنچه
مهم است نه شهادت صرف است و نه
زندگی صرف بلکه از موضع شهادت
طلبی انجام تکلیف و تحقق امر
خداوند در روی زمین است. که
این حرف تلاش و مبارزه در ازمدت
برای محو باطل و تحقق حق از موضع
جان بگفتی است. چنانکه وقتی
عدهائی رزمندگان از امام
خواستند که دعا کنند تا شهید شوند
اما م فرمودند دعا میکنم که شما
بپیروز شوید و اگر شهید را ببرید
یعنی اینکه انشاء الله همه شما
زنده باشید.

در این اعتقاد همچنانکه
رضایی شهید نیز اشاره میکند هدف
مرگ زودرس و شتابان نیست بلکه
باقی ماندن و بیکار بیشتر با
ستمگران است.

آری این خط مجاهدین
است. اعتقاد رضا به بقای رزمنده
است که امروز نیز میتوانند گره
گشای جبهه های جنگ اسلام و کفر
باشد. این اعتقاد اگر تحقق یابد
دیگر نه از موضع مرگ شتابان
و فرار از تضادها به جبهه ها خواهیم
رفت و نه از موضع فرار از جبهه
شهادت در شهر خواهیم ماند بلکه
هر جا باشیم جان بکفیم و شهادت
طلب و در ضمن بهترین تدارک

شعری از رضارضایی
غم ما غم نیست
غم ما با رغمهاست
با رغم، با هزاران رخسیرنگ، به رخسار
با صد چشم به درد و خسته
با امید هزاران شب تاریک بدون سحر است
سخن از آتش سرخ است
غم و غمبار به آتش زیباست
من، نمی اندیشم
جز به رنگ من و با رورت
من، نمی اندیشم جز به میدان نبرد
سخن از ماندن و ماندن نیست
سخن از رفتن هم نیست
سخن اینست که خاکسترتو
تخم رزم آورد دیگر باشد
سخن از سوختن است
سخن از ماندن و ماندن نیست
سخن از تاثیر است
سخن از شاهداست
همین!

از برای مبارزه در ازمدت با
امپریالیسم خواهیم کرد.

جاویدان با دخاله رضا
رضایی مجاهد شهید
ننگ و نفرین بر جریان
و یاران بیوفایی که به خط رضا
ورضاها نیندیشیدند و با تمام
و خطبتهای خود سازش نموده و خیل
مظلمی را نیز به تحراف کشاند.
درود بر امام خمینی - تدوام
دهنده راه شهدای انقلاب اسلامی
ایران

به همان اندازه که به "وزوز-
بسته" گوشمیده کار نیست، چشم
در انتظار ما حینظری است که به
نتقا دعیم را به من بگوید، اگر
کسی حرف حسابی داشته باشد
ولوا ترا با دشنامها نت هم
پیا میزد با سپاس بسیار میبذیرم
آنچه را گوش نمی دهم فحاشی و دروغ
و تهمت خالص یکدست است.
" (اسلام شناسی ص ۴۶ - ۴۷)

پاورقی
(۱) - سرود شهیدای
فلسطینی میگوید: "اذا قدمیت
فاکملوا فتحملوا، فتحملوا...
یعنی من که شهید شدم نوبست
شماست که کار مرا تکمیل کنید
و راهم را ادامه دهید و ما شهید
مشکلات را بطور مستمر تحمل کنید.

نماید و منظوری ان شهادت هم بسود.
ولی اگر آن دونفر میمانند و نفر
سوم شهید میشد قاربه جمعی
ضربه نبودیم، این مثال برای
فهم مساله کمکمان میکند.
اما م قادرند شهادت فهمیده
را جمع بندی کنند و بصورت فتوا و
استراتژی نظامی در ازمدت
درآوردند و بصورت یک نظریه عام
ارائه دهند "حسین فهمیده" قطعاً
تعی تواند این کار را در مورد امام
انجام دهند. این مکالمات نیز جمعه
معروف شهید قلب تاریخ است
برداشت ما از زنده بودن شهید
و این چنین است که شهید قلب
تاریخ است.

یاد دکتر را با عبارت معروف
و پایان میدهم، باشد که
هریانات و گروهها برخوردار اصولی
بمانند.

حرکت او را جمع بندی کرد و بصورت
خط مشی ایثار طفل ۱۳ ساله
ظرح نمودند. اما م رهبری او را
پذیرفته ولی حسین فهمیده امام
را رهبر خود میدانست چرا که تشخیص
داده بود که بعد از شهادت امام
قادرند شهادت او را جمع بندی
کرده و منظوری و در بر گیرنده او هم
شوند و امام قلب تاریخ
بشوند و خود حسین فهمیده ها
معتقدند که اگر امام شهید شوند
اینها قاربه جمع بندی شهادت
اما م نیستند و منظوری ما نمیگردند
برای تقریب به ذهن مثالی میبیم
از شرایط مخفی، سه نفر که با هم
میرفتند اگر اتفاقی میافتاد
بطور طبیعی دونفر محافظ نفروم
میشدند و معتقد بودیم نفر سوم
گرفیه السیف شود قاربه است
شهادت آن دونفر را هم تبیین

نیروهای شهادت طلب
خیابانهای فرعی کشیده شوند و ارتش
عرض و تابع خود گردانند آنوقت
در مقابل هر شهیدی تعسده
زیادی از طاغوتیان هم کشته
میشوند، چنین شهید زنده ای منظوری
شهادت آنروز است و بنا بر این
بهدا علاوه بر رشد و زندگی مستمر شاق
در آخرت در قلب شهدای زنده
می تیند و از نتایجش این است
که شهید قلب تاریخ هم میگردد
با لاکمی جمله دکتر بر ایمان
ملموس می شود.
رابطه امام و شهید
فهمیده

حسین فهمیده با قبول
خط و رهبری امام با شهادت خود
راهی برای جبهه ها باز کرد و گره
جبهه ها را گشود اما م خمینی نیز

یادی از معلم شهید

است کوتاه، مختصر، مفید، شهیدی
که در آن دنیا است و با فهم عرفی
ما زنده نیست، چطور قلب تباریخ
میگردد و علاوه بر زنده بودن،
زندگی معمولی ندارد، بلکه
جوهر تاریخ و قلب پرتیش تاریخ
میگردد، وقتی بقیه السیف شهید
میشویم که بتوا نیم پیا م واقع
خون شهید را حالمش گردیم و آن را
در خود مان تحقق بدهیم، بتوانیم
وقا در با شیم از حرکت شهید جمع
بندی کنیم و اگر نارسائی داشته
در ما تکرار نشود، اگر به علت یک
نارسائی شهید شده، مثلاً کلاه خود
برش نبوده، مثلاً کفش پایش
نبوده، و قانوبندی فرار ام
قضاء به قدر (۲) رابعیت نکردند
جمع بندی کنیم آنوقت منظوری
و در بر گیرنده حرکت شهید شویم
مثلاً اگر برادری در متن قیام
۱۷ شهریور بوده باشد، میبیند
برادران اطرافش توسط دو خم
سلطنتی درو میشوند و در همان
لحظه به این جمع بندی میرسد اگر

افزادی که در ۱۵ خرداد جان داد، سنگهای قبر آنها را بنهید، اینها چه افرادی بودند.
" امام خمینی "

۲۹ خرداد

سالروز شهادت چهار مجاهد مو تلفه

روز شمار خرداد

۲۴	۳۰	۳	دوشنبه	۱ - شهادت مجاهد طیبیه واعظی زیر شکنجه (۱۳۵۶)
۲۵	۱	۴	سه شنبه	۲ - شهادت مجاهدین بنیانگذار محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان عبدالرسول مشکینی قام، محمود عسکری زاده
۲۷	۳	۶	پنجشنبه	۳ - ولادت حضرت ابوالفضل امام حسین (ع)
۲۸	۴	۷	جمعه	۴ - ولادت حضرت ابوالفضل سقای تشنه لب الگوی مقاومت و ایثار
۲۹	۵	۸	شنبه	۵ - ولادت حضرت امام زین العابدین (ع) السید والساجدین آنکس که با سلاح بران دعای یزیدیان رسوا ساخت
۳۱	۷	۱۰	دوشنبه	۶ - عملیات مجاهدین بمناسبت ورود نیکسون و عدم انقلابی زنی لهراسن زنی لهراسن ستاره آمریکایی، انفجار اداره اطلاعات آمریکا در خیابان صبا، انفجار قبر رضا خان قبل از ورود نیکسون به آنجا (۱۳۵۱)
۲	۹	۱۳	پنجشنبه	۷ - اعدام انقلابی ها یکینز مستشار آمریکا در ایران توسط مجاهدین و چند عمل انقلابی دیگر (۵۲)
۵	۱۲	۱۵	شنبه	۸ - قیام خونین مشتغفین به رهبری امام خمینی
۸	۱۵	۱۸	سه شنبه	۹ - میلاد حضرت قائم (عج) (۲۵۵هـ.ق) آنکس که غیبتش متضمن رشد و تعالی امت واحده و ظهورش تحقق دهنده کامل عدل در روی زمین است
۹	۱۶	۱۹	چهارشنبه	۱۰ - آغاز انقلاب مسلحانه خلق ظفار (۱۹۶۵)، شهادت مصطفی سید اولین دبیر کل جبهه پولیساریو (۱۹۷۶)
۱۰	۱۷	۲۰	پنجشنبه	۱۱ - شهادت آیت الله سعیدی (۱۳۴۹)
۱۸	۱۱	۲۱	جمعه	۱۲ - شهادت مجاهد عبدالرضا مهاجر مقدم (۱۳۶۰)
۲۰	۱۳	۲۳	جمعه	۱۳ - شهادت مجاهد هدایت باخویش (۱۳۵۲) و استه مجاهدین، اعتصاب یکپارچه کارگران کوره پزخانه هلا و شهادت ۱۲ نفر (۱۳۳۸)
۲۴	۱۵	۲۵	سه شنبه	۱۴ - شهادت مجاهد رضائی در درگیری مسلحانه (۱۳۵۲)
۲۳	۱۶	۲۶	چهارشنبه	۱۵ - شهادت چهار مجاهد مو تلفه مو تلفه اسلامی: بخارایی، محمد صادق مانع، صفا رهنسیدی (۱۳۴۴) نیک نژاد
۲۴	۱۷	۲۷	پنجشنبه	۱۶ - شهادت علی سیار هبیر فلسطینی (ترور)، قیناسام سربداران خراسان در تیشایور به رهبری حسن جوری (۲۳۷هـ.ق)
۲۶	۱۹	۲۹	شنبه	شهادت معلم شهید علی شریعتی، روز خلع ید از زانگرا نغتی - انگلیس (۱۳۳۲)
۲۸	۲۱	۳۱	دوشنبه	۱۷ - شهادت مهدی امیر شاکری (۱۳۵۶)

بنام خدای شهیدان
۲۶ خرداد سالروز شهادت چهار مجاهد مو تلفه اسلامی است شهادتی که پس از قیام ۱۵ خرداد بر رهبری امام خمینی تنها راه را راه مبارزه مسلحانه با رژیم سفاک شاه تشخیص دادند.
پس از قیام خونین "۱۵ خرداد" که دره بین رژیم سلطنتی و توده های مسلم بسیار عمیق شده بود عده ریادی از گروهها و جمعیتها با لایحه گروههای با ایدئولوژی اسلامی و اعتقاد به رهبری امام خمینی به جمع بندی اصولی رسیده که دیگر عمر مبارزات سیاسی به سر رسیده و این شیوه نمی تواند راهگشای مشکلات موجود جامعه باشد، بلکه برای تداوم نهضت اسلامی تنها مبارزه مسلحانه مکتبی است که میتواند تضاد بین خلق و رژیم را حل نماید و به عمر حکومت سلطنتی پایان دهد. که این خط مشی مورد تأیید عده زیادی از شخصیتهای مذهبی آن زمان نیز قرار گرفت و حتی افراد از این شخصیتها خود در سازماندهی این گروهها بودند و با حمایت از خط مشی این گروهها به زندان افتاده و شکنجه میشدند، بسیاری از این گروهها، گروه شهید محمد بخارایی است که در درون جمعیتها مو تلفه اسلامی "بدنیال نهضت امام خمینی بوجود آمد. که برای تداوم نهضت به استراتژی مبارزه مسلحانه و دست زدن به ترورهای دسته جمعی بهره های رژیم بعنوان نقطه شروع عمل مسلحانه ایمان پیدا کردند که با اعدام "منصور" این مزدور آمریکا، به اعتقاد

خط مشی خود جامعه عمل پوشانند طبق برنامه تعیین شده از طرف گروه بنا بود همزمان با کشتن منصور، بعضی از مهربه های رژیم نظیر نصیری، اعلم، اقبال و بعضی از مدیران جراید که به شخصیت امام خمینی توهین کرده بودند نیز ترور و بشوند. بعضی هواکزی و ماکن وابسته به دربار و امیرالایسم و صهیونیسم منفجر گردد، اما پیش از آنکه بتوانند به این برنامه ها عمل بپوشانند همگی افراد گروه دستگیر شدند شهید مهدی عراقی که ما مورکشتن شاه بود پیش از دست زدن به کشتن مهربه های رژیم برای اینکه ما موریت را انجام دهد روزهای متعادی بین "تهران تا بعلی" رفت و آمد کرد و مدت ها در کمین نشست ولی نتوانست به هدف خود جامعه عمل بپوشاند.

گروه شهید محمد بخارایی با دست زدن به مبارزه قهرآمیز و اعدام انقلابی منصور و فصل نویسی در تاریخ مبارزات ایران گشودند و با یکا رستن ایدئولوژی اسلامی و داشتن هدفهای مشخص و معین در راه مبارزه مسلحانه گام نهادند البته اعدام منصور برای عده ای از مردم پوشیده مانده زیرا قبل از آنکه اعلامیه ها و بیانیه های این گروه که شامل هدف و انگیزه آنان از این حرکت بود پیش از آنکه در دست رژیم افتاد، رژیم شاه که از حرکت قهرآمیز این گروه وحشت زده بود در پیدا نگاه نظامی ۴ نفر از افراد این گروه را بنا به میانه شهید محمد بخارایی، رضا صفا رهنسیدی

یادپی از مجاهد شهید

۲- شهید عبدی شیوه برخورد کرد با سلاحهای پیچیده و تکنیک وابسته را به ما یاد داد. آنچنان که قبلاً شرح گفته شد و با ایثار خود بجای اینکه خود را اسیر سلاح پیچیده کند از سلاحهایی که به هر نحودر دست ما مانده بود استفاده میکرد. با موشک تا و که سلاحی برای نبرد دورا دور با دشمن نزدیک نشدن به اوست به قلب دشمن فرو میرفت و کارایی سلاح را چند برابر میکرد.

۳- تولید در حین رزمندگی و رشد اقتصاد در حین جنگ، زمانی که عبدی در منطقه حمیدیه بود به همراه خود یک گاو به جبهه برد تا یکا ردو اینکار سرمشق برای دیگران شود و معتقد بود که اگر

در حین جنگ ما نتوانیم مشکلات اقتصاد دشمن را حل کنیم بناچار به سازش خواهیم افتاد بقول شهید "سعید محسن" که میگفت "رشد اقتصاد دشمن در سایه بسیج توده ها میسر است"، او نیز می گفت: "در بسیج جنگ ما نیز میبایست اقتصاد ما را شکوفا کنیم نه اینکه صرفاً به واردات تکیه نماییم".

۴- زمانی شهید عبدی در جبهه گفته بود که: "ما نباید موشکهای تا خود را صرف زدن تا نکهای ثابت و بی حرکت دشمن کنیم، چون اینکار از عهده گلوله های آرپی جی ای که هر کدما بیش از سه هزار تومان قیمت ندارند بر میآید، میبایست این موشکها را که قیمت آنها هر کدما بیشتر از ۴ هزار تومان است برای زدن تا نکهای در حال

پا و روی (۱): موشک تا سلاحی است که برای نهادن در اوقات جنگی در حال حرکت دشمن یکا گرفته میشود و گلوله اش پس از شلیک توسط یک کامپیوتر و سیستم را بطی که به

آخر داد و ...

وجود دارد، اگر در عمل شناسایی ما از خدا نقشی نداشت بایستی در شناسایی خود از خدا شک کرده و آنرا تصحیح کنیم نه در وجود خدا شک کنیم.

ثالثاً - این تفکر همان سیر شناخت در نوح البلاغه است که علامه طباطبائی در کتاب علمی و فلسفه الهی در قسمت پنجم مرحله شناخت آنرا توضیح داده اند. که اول دین را معرفت خدا دانسته

و سپس تصدیق و به عمل در آوردن و نهایتاً "سالک بدانجا میرسد که نَفی الصِّفَات عنه میکند یعنی بر تصویر و شناختی که از صفات خدا دارد شک کرده و آنرا نفی میکند و به معرفت جدید و برتری میرسد. رابعاً - این شیوه شناخت و تفکر اساساً "تفادینبایدی" یا شناخت انعکاسی و ماتریالیستی دارد و اگر در سازمان باین اصول توجه میشد بهیچ وجه به تقی شهباز و مسعود رجوی نمی رسیدند، آنها که میخواستند در جریان مجاهدین قضاوت کنند انصاف نیست این ارزشهای اسلامی را نادیده گرفته و همه را بایک چوب برانند. ب - باز در همین کتاب شناخت تحلیلی که از حرکت تاریخ و تفادهای طبقاتی میکند بر اساس انسان خداجوی و بی نهایت طلب است باین مضمون که: "همراه با رشد تولید و افزونی محصول بی نهایت طلبی انسان بصورت فزون طلبی منحرف شده و باین تصاحب محصول به استئمار دیگران پرداخت.

۱ - در این تحلیل عامل اصلی را انسان بی نهایت طلب دانسته و بوجود آمدن استئمار راناشی از انحراف او در خداجویی و اینکه خدایش را مال و ثروت افزون میگیرد میدانند. نه اینکه عامل محرک تاریخ را رشد بازار

و تولید بداند و در عین حال شرایط عدم انسجامهای ایدئولوژیک و تولید را بعنوان یک شرط و زمینه وجود دارد و بایستی بطور جدی و عمیق با آن برخورد کرد. مابعد از ۵۴ با اعتبار همان اصول اسلامی که در آموزشهای سازمان بودند توانستیم در انحرافات تجدید نظر کرده و به انسجام ایدئولوژیک دست یابیم و بعدها که کتاب ما ترجمه و چاپ شد وحدت خود را با آن در یافتیم اینست که راه مجاهدان را از راه

پس ما میخواهیم در این شرایط مناسبی را برای خودمان پیدا کنیم؟ ما کدام طبقه را مناسب و کدام طبقه را کافر و کج و کجانی را مومن بدانیم؟ بحث شود. در قبا با آقایان بهشتی حیدر علی قلمداران، ربانی شیرازی، علی حجتی کرمانی سیدهای خسرو شاهی و... ملاقات کردند و سئوالها را مطرح کردند ولی متأسفانه هیچکدام رهنمودی ندادند، بعد از بازگشت از این سفر شهید حنیف نژاد باین جمع بندی رسید که در این راه باید برخی دتکیه داشت. تقریباً "تمام روحانیت مبارز، حنیف نژاد را قبول داشتند و ویژگی اسلامی بودنش را میدانستند، منتهی آن چیزی که او میخواست یعنی اسلام را بعنوان مکتب راهنمای عمل نمیتوانستند در آن شرایط با او ارائه دهند.

۳ - در مسیرو دست بایی به مکتب مدون اسلام دست به مطالعات جدی زدند، کاربروی قرآن و نهج البلاغه و مطالعات دستاوردهای متفکرین اسلامی روز را بطور خستگی ناپذیر ادامه دادند. کتاب تفسیر پرتویی از قرآن، کتابهای شهید مطهری مثل بیست گفتار، گفتار ماه، مرجعیت و روحانیت، داستان راستان که البته بعد از ۵۴ کتاب جاذبه و دافعه علی و عدل الهی اضافه شد و بعد هم علل گرایش به مادیگری و انسان و سرنوشت و عموماً "کتابهای استاد مطهری که چاپ میشد در سازمان خوانده میشد.

کتابهای مهندس بازرگان نظیر راه طی شده، ذره بی انتها، نیک نیازی، انگیزه و انگیزاننده، مذهب در اروپا، اسلام مکتب مبارز و مولد، صریح تبادل مادیات و معنویات و این سیر مطالعاتی را راه انبیاء میدانستند، و در کنار راه انبیاء معتقد بودند که راه علم که همان راه بشر است در حوزه خودش بایستی کار شود، و مسائل اقتصادی را راه علم میدانستند

۱۵ خرداد راهونشون داد

بجای آزاد خلق باید که خون داد

خلق که خون داد، خون جویم داد آروم تر سینه زنیو بارخ نشون داد

۱۵ خرداد راهونشون داد برای آزادی خلق باید که خون داد

یادی از مجاهد شهید....

کار میکرد. در این مدت با مسائل جنگ برخورد بسیار فعالی داشت. نقشه‌های جنگ و کیفیت و کمیت نیروهای خودی در جبهه‌ها و خبرهای مختلف در گریبها را از بسبب آرزوهای نیکه در جبهه بودند بهتر میدانست. زیرا با دقت تمام به اخبار روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون و سخنرانی مذهبی توجه میکرد. همچنین در عیادت زخمیهای جبهه، خبرهای جنگ را از آنها جویا میشد.

عبدی نیروی فراوانی در بسیج مردم برای شرکت در جبهه‌ها صرف میکرد. در این راه از شیوه‌های سنتی (سنت ائمه معصومین) جامعه مثل عزاداری و پر شور کردن مراسم شهدا، نوحه و سرود، پخش اخبار نشریات مربوط به جنگ و... یاری میجست.

هنگامیکه پس از چند ماه با لاجرم به آرزوی خود رسید و به همراه دو نوجوان روستا که قبلاً با آنها آشنا شده بود برای شرکت در جبهه‌ها یغیر به هوا ز رفت و کار خود را در جبهه از نگهبانی در سپاه حمیدیه شروع نمود و برای شورش و شوقزادگی الوصف خود بسرعت راه رفتن به خط مقدم در گریب دشمن را در پیش پای خود گذراند.

در اولین روزهای ورود به جبهه او بین دو مرمخیر مانده بود که در "گروه خمپاره" شرکت کند یا "موشک" تا و باشد. عبدی میگفت:

"موشک تا سلاح پیچیده‌تر و وابسته‌تری است و دوست ندارم با سلاح وابسته کار کنم، ولی اگر با موشک تا و باشم به خط مقدم میروم و در مسافتی که خط مقدم جبهه فعالترم حلال آنکه اگر در گروه خمپاره باشم میبایست عقب‌تر باشم". و عملاً به این دلیل به طرف موشک تا و رفت تا بتواند پیوند بیشتری با مستضعفین خط مقدم جبهه برقرار کند. سیرکار او با موشک تا و هم نشان داد که بیشتر از آنکه تابع موشک تا و باشد، موشک تا و است و با اتخاذ شیوه‌های صالالت انسان‌ی و ایثار گرانه قهرمانیهای فراوانی آفرید و پیروزیهای بسیار برای جبهه اعلام به ارمغان آورد.

در حمله اولیه "تیه" ۱۹۵ در غرب شوش (بهار سال ۶۰) و به همراه برادر برادرش شهید "ناصر سلیمی" و برادر دیگری ز سپاه حمیدیه بعنوان نیروی کمکی همراه با موشک تا و خود از طرف سپاه حمیدیه به آن جبهه اعزام شده بودند آنها موشک تا و خود را که طبق مقررات میبایستی در سنگر باشد و پس از هر شلیک بسرعت محل خود

"وصیت شهید عبدی به خانواده اش"

بنام خدای مستضعفین
"وصیت نامه"

پدر و مادر، خانواده عزیز، اقوام و خویشان

ما که برای جنگ با رژیم کافر بعثت و دشمنان اسلام و خط امام با کربلای خوزستان میرویم، اگر خدا بخواهد و نیما نرا پا کردارنده برای زنده ماندن میرویم و نه برای یکشته شدن، بلکه هدف ما دفاع از ارزشهای اسلامی و انسانی و برقراری و بطلی صحیح بین انسانها میباشد. بقول امام "دعوی ما سراسلام است". زیرا معتقدیم که تنها با عمل به قوانین خدا میتوان سعادت مند شد. حال اگر در این راه کشته شدیم این مرعین زندگی است. مگر نه اینکه امام حسین (ع) میفرماید: "ان الحیوه عقیده و جهاد".

مطمئن باشید که آرزوهای ما را حتی وجدانی که انسانها به هنگام دفاع از حق علیه غم مشکلات آندارد حقیقی است. زیرا وجدان انسانها را از زنده نمیدهد که انقلاب اسلامی را که علیه آنهمه ظلم و جور رژیمهای سابق قیام کرده است ببینند و به کمک انقلاب اسلامی نشاند.

از همه و بخصوص پدر و مادر عزیزم میخواهم که خود را بیشتر با انقلاب تطبیق داده و در خط امام حرکت کنید. خط امامی که پیرو واقعی آنما لوجان یکف به چیزی جز احیای اسلام واقعی و انسانیست فکر نمیکنند. این انقلاب و خط اصیل یعنی خط امام مسلمان را در ادامه خود با مشکلات فراوان روبرو خواهد بود. سعی کنید مشکلات آنرا با نگرش و خیریت. زیرا مسلم است که برای یکسبب حیثیت و شرف با بدسختیهای راه را نیز تحمل کرد. خطاب به کسانیکه با اندک گرانوی و کمیا بی‌تراضی میشوند بگوئید لفظ ای به عمق کار نوجوان سیزده ساله ای فکر نکنند که خود را با نارنجک به زیرتانک میاندازد و با پیروزی روستا می که علیه غم محرومیت ها با جان و مال ضربه فداکاری است.

در صورت تطبیق دادن خود با انقلاب مشکلات و نارسائیهای خانه نیز بهتر حل میشود. زیرا ریشه این نارسائیها را با یسدر ارزشهاینا درست و اثرات رژیم سابق دید.

از همه و بخصوص ما در عزیز میخواهم که با خانواده شهید در تماس با شند. در مراسم شهدا شرکت کنند و به بیماران آنها که مجروحین و جانبازان انقلاب در آنها بستری هستند حتماً سر بزنند. ما در به تماس با ما در جبهه‌ها ادا مدهد و هم‌انطور که قرار بود با جبهه‌ها زندگی همکار کنید.

از مجید میخواهم که خودش را تصحیح کند و انشاء... که اینکار را میکند.

دیگر چیزی بنظر نمی‌رسد. فقط از همگی و بخصوص پدر و مادر عزیز میخواهم که بدیهی‌ها مرا ببخشند و مرا حلال کنند.

قریباً همگی شما، بسر کوچکتان عبدی
۱۳۵۹/۱۱/۲۵

از همه میخواهم در صورت شهادت برایم تا را حتی نکنند. زیرا شهادت خواسته و مایه سعادت مؤمنین است. راهی را که انتخاب کرده‌ام از روی شناخت بوده است و همه مسائللی که در این راه اتفاق می افتد خواسته خدا و خودم است.

را عوض کند، بنا بر ضرورتها یغیر دربار لاییک تیه که در معرض تیر مستقیم تا نکهای می‌جم بود قرار دادند و با ۴ ساعت ایستادگی بیش از ۱۶ تا تک و بی‌پای و دهل کوبتر ارتش بعثت را به آتش کشیدند و ضد حمله قوی بعضیها را تا حدزیستی ناکام گذارند.

(جالب توجه است که برادران توانستند یک هلیکوپتر غول‌سای هوا دریا را که در گمرک حمله برای تدارک مهمات و نفرات ارتش بعثت به میدان جنگ آمده بود بین آسمان و زمین در حال حرکت منفجر نموده و به اصطلاح دود کنند). عبدی در مدت حضور در جبهه علاوه بر کوششهای فراوان برای حل

"وصیت شهید عبدی به نهضت مجاهدین خلق ایران"

"بنام خدای خلق"

خدایا کارهای ما را هر چه بیشتر برای خودت قرار بده تا به میزانی که برای تو حرکت میکنیم راحت را به ما نشاندی و مصداق آیه شریفه "والذین جا هدا و فینا لنهیدینهم سبلنا ان الله مع الصابرين" قرار بگیریم.

خواهران و برادران عزیز، بعنوان نیرا در کوچکتر مسائل زیر را که به میزانی به آنها رسیده ایم و عمل میکنیم برای یادآوری مفید دیدیم:

— همانطور که میدانی پیروزی حقیقی ما همان عمل به وظائف مکتبی و داشتن زندگی مکتبی است و در صورت مبارزه مکتبی در درگیریهای سیاسی هم پیروزی حقیقی زماست.

حاکم شدن نیا نشدن نظا هر در درگیریهای سیاسی و با سایر مسائلا را به عنوان ملاک حق بودن نمیتوانیم بگیریم. مهم حرکت از موضع حق و تلاش برای تحقق ارزشها است که به آنها معتقدیم حرکت از موضع انجاء و وظیفه مکتبی و انسانی موجب میشود احساس مسئولیت ما در کارها بیشتر شود.

— به اعتبار صداقت و نیروی جمع مسائل بسیار زیاد میتوان حل نمود. (پروسه‌ای که در آنها نشانی استیم بخوبی این مسئله را نشان داد). سعی کنیم این مسئله مبنا را همیشه در نظر داشته باشیم. با یاد در حد امکان مسائل زندگی هم را حل کنیم. دجا را بنده نیست نشویم که زمینه طرح مسائل حل آنها نیست. زیرا در این صورت خود ما ملی برای وجود این مسئله شده ایم. مسائل جمع را مسائل خودمان ندانیم و از این موضع به آنها نگاه کنیم. ایما نداشته باشیم که به اعتبار صداقت بچه‌ها میتوان آنها را حل کرد. مسائل و گیرهای مختلفی که بنظر میرسد در حد امکان باید مطرح شده و در رابطه با جمع حل شود. در این رابطه جلسات جمع بندی با دید صورت مستمر وجود داشته باشد و اصل انتقاد و انتقاد از خود را به متناسب باید تحقق داد. با برخورد های مستمر و جلسات جمع بندی و انتقاد و انتقاد از خود میتوانیم به وحدت بالاتری در یادش و لوزی را هنمای عمل بچه‌ها برسیم، یعنی سعی کنیم وحدت ما در ملاکهای وجودی و ذاتی بالاتر رود که این وحدت مسلمانان و عدالت عمیق روی مسائل مواضع سیاسی به همراه دارد.

تحقق هر چه بیشتر ملاکهای مکتب و ایجا در روابط صحیح درون جمع (امت واحد نسبی) انگیزه بیشتری برای مبارزه و گسترش این امت واحد به همراه دارد. زیرا به میزانی که سختیها در درون جمع با طاغوت کم شود میتوانیم مبارزه کنیم و روابط صحیح را از بین ببریم.

در خاتمه سلام مرا به همه بچه‌ها جمع برسانید. از همه مخصوص بچه‌های صفها میخواهم که بدیهی‌ها مرا ببخشند و مرا حلال کنند.

به امید رشد و موفقیت جمع در راه خدمت به انقلاب اصیل اسلامی به رهبری امام خمینی.

برادر کوچک شما عبدی
۵۹/۱۱/۲۵

"بهرام" شرکت داشت، آخرین عمل و شرکت در تهاجم وسیع "تا من لائمه" جهت شکستن محاصره آبا در منطقه. در خونین و محمد بود که در عملیات به شهادت بوسه زد و به خیل عاشقان خونین کفن انقلاب اسلامی پیوست.

* * * * *

شهید عبدی در طی سالهای مبارزه حرفه‌ای خود و مخصوصاً "درماهای که در جبهه جنگ اسلام علیه مزدوران بعثی شرکت داشت، به عمیقترین ارزشها و دستاوردها دست یافت و آنها را برای ما به میراث گذاشت.

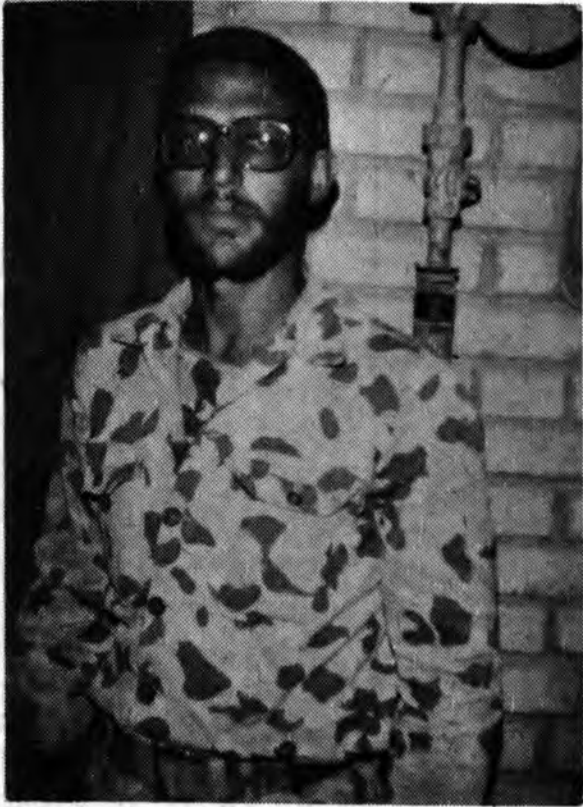
امید آنکه با نتایج رصدی برای او باشیم.

پاره‌ای از دستاوردهای شهید عبدی

۱- شهید عبدی در جبهه‌های جنگ با اصیلترین نیروهای انقلاب اسلامی یعنی توده‌های زحمتکش و جا نبرکف حضرت عباسی که فاضل استحکام و تداوم انقلاب هستند پیوند خورد. داستان پیوند او با برادر برادرش شهید "بهرام" فرزند نفر "بهرام" (تا و سمبل مقاومت و صداقت، صبر و دلسوزی برای انقلاب و طلب شهید "قا سمعی" ها دیپور" عارف مجاهد و کشا و رز فداش را با سلام و امام، زبا نزد همه است. بعینه در صفحه ۲

یادی از مجاهد شهید

عبدالرضا مهاجری مقدم



بنا م خدا پا سدا ر خون شهیدان
حامی مستضعفان
درهم کوبنده ستمگران

بمناسبت سالروز شهادت برادر
مجاهد "عبدالرضا مهاجری مقدم"
(عبدی) دانشجوی رشته مهندسی
راه و سازه‌ها و نداشتگاه صنعتی
اصفهان.

۲۱ خرداد ماه، فرزندی زلاله
حسین (ع) به خون خود در غلطید. بر
اثر آتش سلاحدشمنان سوخت و آتش
گرفت و تکه پاره شد تا برای امت
حسین (ع) سلامت و سعادت به ارمغان
بیاورد.

عبدالرضا مهاجری مقدم (عبدی)
به همراه دوست همیشه همراهِ او
برادر پارسا "بهرام فرورز نقر"
روز قبل زحمله "خمینی روح خدا"
فرمانده کل قوا "به بهشت
شهادت ای هواز رفتند و مزار خود را
انتخاب کردند. با شهدا صحبت
کردند و خوشحال به آنها خبر دادند
که: "نحنا نشاء... یکم للاحقون"
"ما نیز اگر خدا بخواهد به شما
ملحق خواهیم شد". وفردای آنروز
در گرما گرم حمله هنگامیکه این
دو برادر در یک حرکت رشیدانه و
قهرمانانه موشک انداز "تا و خود"
را برای شکار بیشتر تا نکهای عراقی
به قلب معرکه درگیری با دشمن
کشانده بودند. بر اثر ما بست
گلوله خمپاره به خود روی جا مل
مهمانی که نزدیک آنها قرار داشت
به همراه فیلم بردار شجاع صدوا
سیما جمهوری اسلامی، برادر
"سگوندی" به شهادت رسیدند.

بدن پاره پاره شده و سوخته
آنها ما هها در فاصله بین نیروهای
ما و نیروهای دشمن بر آفتاب
سوزان خوزستان باقی ماندند. تا
هنگام حمله "نا من لائم" (شکست
کا مل محاصره آبادان)
آنچه از جنازه این برادر باقی
مانده بود توسط رزمندگان پیدا و
به پشت جبهه برگردانده شد.

عبدی، قهرمان خلاق و بردباری
نمونه شجاعت و ایثار و رزمش
دلوسوزی و بر خوردهای مکتبی و
رشد دهنده برای ابرار ان جمع
نهضت مجاهدین و دانشجویان
دا نشگاه صنعتی، با بهرام پارسا
جا نبرکف و شجاع و دلوسوزی که از
ما هها قبل از جنگ بطور مسدود
در اکثر مقامات و مقامات
تجارت و زات بعثیها و حمله ها بر

دشمنان بعثی در منطقه با نگاه
سویله، بستان، سوسنگرد، هویزه
و حمیدیه شرکت داشت، بیوندی
ناگسستی خورد و عمیقترین وحدت
ممکن یعنی اتحاد عقیدتی و خط مشی
ای و حتی تا کتیکی بین یک دانشجوی
مجاهد و یک پارسا رمو، منبر قرار
گشت.

اینک شمای از زندگی پرافتخار
برادر مجاهد شهید عبدالرضا
مهاجری مقدم (عبدی):
به امید آنکه کمبود صلاحیت ما
باعث ضایع شدن حق ا ز شهید نشده
باشد.

بررسی سیر زندگی شهید عبدی،
بررسی مراحل رشد او و جوهرنگی
رسیدن به انگیزه ها یاد کرده در
وصیت نامه اش می باشد. بیایم
بررسی کنیم که چگونه شهید عبدی به
این درجه از خلوص و انسجام مکتبی
رسیده بود. عظمت عبدی زمانی
برای ما آشکار میشود که بدانیم
او در چه محیطی زندگی میکرد و چگونه
از آن محیط هجرت کرده به این
مراحل رسید.

شهید عبدی در سال ۱۳۳۸ در خانواده
ای نسبتاً مرفه در مشهد بدنیا
آمد و علی رغم اینکه شرایط محیطی
او برای درک نیاز مستضعفین و
قدم برداشتن در جهت سعادت خود،
آنها مناسب نبود، ولی فطرت
خدا طلب او، او را بسوی انقلاب
اسلامی کشاند (و محیط و روابط
حاکم بر خانواده اش را تغییر داد)
و نیروها ی خود را برای به ثمر
رسیدن این انقلاب بکار گرفت...

شهید عبدی خود در این مورد
میگوید: "تا قبل از اینکه به
دا نشگاه بیایم نمیدانستم وضع
و احوال زجه قراره و دنیا دست
کیه (فقط بطور خیلی سطحی
میدانستم که کما نی هستند که با
رژیم مبارزه میکنند و عمدتاً
دا نشجو هستند، که اینهم به لحاظ
اینکه دو تا از برادرها مویک
خواهرم دا نشجو بودند)، تا اینکه
به دا نشگاه آمدم و به جریانات
پی بردم. بهرحا لدر حدیک دانشجوی
معمولی در حرکتها هم شرکت میکردم
تا اینکه حرکت مردم وسعت پیدا
کرد و انقلاب پیروز شد..."

از این پس شهید عبدی با مثالی
بر خورد میکرد که یک عمر بدنیالش
میگشت و با سگویی نیاز صیلو
انگیزه ضد ظلمش بود. او فطرتاً
دریا فته بود که آنها نیکه ضربه
راست میگویند و حق با آنهاست و
آنها نی که در جهت خدمت به رژیم

و تبیین صحیح از مراحل آینده سمت
گیری حرکت خود را در جهت نیاهای
اصیل انقلاب قرار دهد و اشتباهات
خود را تصحیح کند: "اذا جاء نصر
والفتح و رايت الناس يدخلون
في ديننا... افواجا "فسبح بحمد ربك
واستغفره انه كان توابا "لازمه"
تسبیخ خدا و نداشتن راه صحیح،
راهی که بسوی او می رود و لازم
استغفار و شناخت ضعفها و نارساییهای
انقلاب تا این مرحله می باشد...
عبدی نیز پس از انقلاب مدتی از
زندگی مبارزاتی خود را به کسب
انسجام و تبیین صحیح از انقلاب،
(سیر گذشته) آونیا زها نی که
برای ایتدا و مآ ن لازم است (گذرانند)
همزمان به همراهی جمع نهضت
مجاهدین به راه دستاوردهای
مکتبی و سیاسی، ایدئولوژیک برای
با روری هر چه بیشتر انقلاب پرداخت
قابل تذکرست که پس از سالها
حاکمیت دیکتاتور و خفقان
شا هنشاهی، دستجات مختلف سیاسی
بعثت ا ثر پذیرای زجرها نهایی
فکری دنیا و عدم تماس با
یکدیگر خطوط متفا وتی پیدا کرده
بودند. بعد از انقلاب این دسته -
جات اختلاف افکار و آراء و عقاید
خود را به سطح اجتماع کشانند.

راه آزا دی طبقه کارگر، حزب
رنجبران ایران، نهضت آزا دی
جبهه ملی، جا ما، جنبش مسلمانان
مبارز، جنبش ملی مجاهدین،
کتابهای مختلف روحانیون، گروه
فرقان، آرمای مستضعفین، تفکرات
اعضای سازمان مجاهدین انقلاب
اسلامی، حزب جمهوری اسلامی و...
و مبارزه سیاسی ایدئولوژیک در
جهت با روری افکار و تفکرات
انحرافی در جنبش اسلامی نیاز
اصیل رزمندگان در جهت تداوم
انقلاب اسلامی بود.

در عین حال عبدی با برادران خود
در تمام جریانیهای عملی بعد از
انقلاب مثل حرکت تصرف لانه
جا سوسی آمریکا، تقسیم زمین بین
مستضعفین دهقان و... برخورد
فعال داشت. شهید عبدی خود عملاً
در تسخیر لانه جا سوسی شرکت نداشت
ولی با برخورد فعال در جهت راه
یک تحلیل صحیح از علت، چگونگی و
آینده این عملیات سعی نمود تا
آنجا که ممکن است با روری خود را به
آنها در روز منتهی برسانند و
در جهت تحقق اهداف آنها کمکی
کرده باشد. (این تحلیل در کتاب
زندگینامه او عیناً "به چاپ
رسیده است).

عبدی پس از این جمع بندی به صورت یک مجاهد مسلمان، مبارز، حرفه ای در جهت
اهداف و مبارزه با موانع تکامل انقلاب اسلامی درآمد.

عبدی پس از این جمع بندی صورت
یک "مجاهد": "مسلمان مبارز
حرفه ای در جهت تحقق اهداف
و مبارزه با موانع تکامل انقلاب
اسلامی" درآمد و تا می نیروها ی خود
را در این راه بکار گرفت.
از آنجا که پس از هر مرحله فتح
در مسیر انقلاب هر مسلمان میبایست
با جمع بندی صحیح از مراحل گذشته

جوانان نشنه معرفت ما در مقابل
دهها تبیین و تحلیل متفان از یک
واقع و رویداد و با یک مسئله
فلسفی قرار می گرفتند و این خطوط
خود بخود در مسیر انقلاب تبدیل به
جریانیهای عملی متفان و متناقض
میگشت: خطوط گروهها ی چپ و
چپ نما، چریکهای فدائی خلق،
راه کارگر، سازمانیکار در